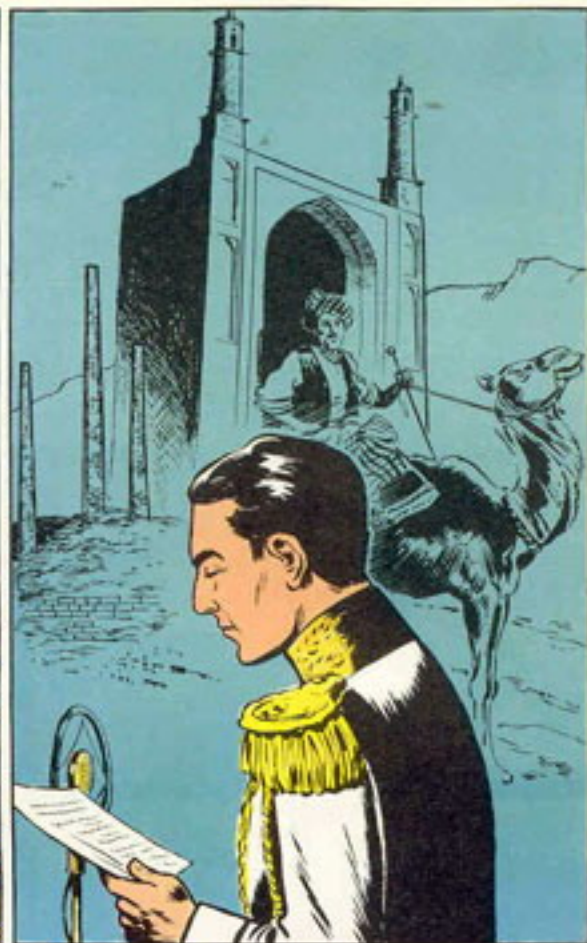




عظمت باز یافته

انتشارات یونیورسال





زمانی که شاهنشاه ایران شد مرد جوان بیست و یک ساله ای بود. نظام شاهنشاهی کشور او کهن ترین نظام شاهنشاهی در دنیا بشمار می رفت. دشمنان کج اندیش او گمان می داشتند که این نظام کهن با آغاز پادشاهی او به نقطه پایان رسیده و سرنگون خواهد شد. اما او با اراده ای آهنین به آنان ثابت کرد که سخت اشتباه می کنند. این کار آسانی نبود:

او می باید در برابر آزمندیها و سلطه جونیهای پر قدرت ترین کشورهای جهان ایستادگی می کرد ... گلوله های مرگ آور آدم کشانی که اجیر شده دشمنانش بودند بارها به روی او آتش می شد و او بخواست خداوند از جنگال مرگ رهائی می یافت ...

می باید مبارزهای قهرمانی و سرسختانه را برای رهائی ملتش از زنجیرهای سنگین ارباب و رعیتی و بردگی پیروزمندانه پایان می رسانید ... و او، همانگونه که با ملت خود عهد کرده بود تا آن زمان که کشورش را از اسارت و فلاکت نجات نداد، اورنگ شاهنشاهی را بر سر نهاد ...

... اکنون او شاهنشاه پیروزمند ایران است ... و این زمان، اوست که هرگاه سخن آغاز می کند دنیا با تحسین و احترام گوش فرا می دهد ... اینک نه تنها سایه سعادت و رفاه بر سر ملت خود است، بلکه در مقام یک بشر دوست بزرگ، با یک فرمان میلیونها دلار برای فراهم ساختن رفاه جوامع نیازمند در اختیار آنان می گذارد ... به گردانندگان بزرگ صنایع در جهان که دست سوی او دراز کرده اند کمک می کند ... هنگامی که دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی کشورکهنش را جشن می گیرد چشمهای همه جهانیان را از هر نقطه جهان بسوی خود و کشورش خیره می سازد ...

سیاستمداران جهان کارهای او را با توجه دنبال می کنند و نظرات او را با علاقه مطالعه و بررسی می نمایند ...

جهان امروز او را در مقام رهبری بزرگ می شناسد که قدرتش از جنبه مادی شکوهمند است و نفوذ گسترده اش از جنبه معنوی احترام و تحسین برمی انگیزد ...

او در آتیه خیلی نزدیکی کشورش را در زمره پر قدرت ترین کشورهای دنیا در خواهد آورد ...

مردی که این چنین از هیچ چیز ساخته است چگونه مردی است؟ ... چگونه به هدفهای بزرگ خود رسیده است؟ ... داستان ما همین است:

« حماسه پادشاهی محمد رضا پهلوی، شاهنشاه آریا مهر »

داستان ما از پائیز سال ۲۵۰۰ زمانی که آتش جنگ دوم جهانی شعله‌ور است آغاز می‌شود ... ارتش‌های متفق بریتانیا و روسیه به ایران
به طرف و به دفاع حمله کرده‌اند تا از آن بتوان راهی کوتاه و مطمئن برای رسانیدن آذوقه و مهمات به روسیه که در حال جنگ با آلمان
است استفاده کنند و از پیشرفت بیشتر هیتلر جلوگیری نمایند ... اعلیحضرت رضا شاه کبیر تخت سلطنت را به ولیمهد جوان خود سپرده و خاک
میهن را ترک گفته‌اند . شاهنشاه جوان در این لحظات بحرانی رسالتی
تاریخی را بعهده می‌گیرد و برای نجات کشورش کمر
همت می‌بندد ...

حمله متفقین به ایران همه جانبه ، از
راه زمین هوا و دریا است ...

از شمال

و من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام الله مجید و بر آنچه نزد
خداوند محترم است قسم یاد می‌کنم که تمام هم خود را مصروف استقلال
ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم ...

او در مجلس شورای ملی قسم یاد می‌کند ...
اندوهی که برای کشور اشغال شده‌اش در دل دارد ، در ...

لحن او احساس می‌شود ولی چهره مصمم او نورامیدی
در دل ملت پدید می‌آورد ...

از جنوب غربی

از جنوب غربی لشکرهای بریتانیا که از سربازان هندی تشکیل شده
از راه مرز عراق وارد ایران می‌شوند ... لشکر کرمانشاه در برابر
آنان قهرمانانه ایستادگی می‌کند .

از سمت جنوب نیروی دریایی انگلیس بندر خرمشهر و سواحل اطراف آن را در هم می‌کوبد ...
چند کشتی جنگی ایران غرق می‌شود و فرمانده نیروی دریایی شاهنشاهی به شهادت می‌رسد ...

از جنوب





از سمت شمال ستونهای مجهز روسی در پناه بمب افکنهای خود
شهرهای کوچک را یکی پس از دیگری درهم می کوبند و بسوی
تهران می آیند . حتی تهران هم کمابیش بمباران می شود ...

هواپیماهای مهاجم بمب و ادوات چاب شده ای بر سر مردم
بی دفاع می ریزند که در آن خود را دوست ایران می خوانند

در آن هنگام ارتش خود ساخته ایران فقط دارای ۲۰۰۰۰۰ سرباز ،
چند تانک ، چهل هواپیمای فرسوده ، و چند کشتی کوچک توپ انداز است ...



چتر بازان انگلیسی دفاع ایران را
در مرزهای جنوب غربی درهم می
شکنند و مسجد سلیمان و مناطق
نفت خیز اطراف آنرا تصرف می
نمایند تا از هزاران متخصص
نفتی خود حمایت کنند... ولی
مردم چطور می توانند این دروغ
بزرگ را باور کنند ...

حمله متفقین نا جوانمردانه و کاملاً غافلگیرانه صورت می گیرد و خیلی زود ایران ناگزیر می شود به سربازان
خود فرمان آتش بی بدهد ...

در چنین وضع بحرانی است که شاهنشاه جوان مسئولیت خطیر سلطنت را می پذیرد . دردردیائی
از مشکلات ...

در بندر شاپور آلمانها دو کشتی بار کشتن تنظیم خود
را منفجر می کنند تا به چنگ متفقین نیفتند ...



... اینک نیمی از ایران در چنگ انگلیس و نیمی دیگر در چنگال روسیه است ...

... راهی برای رسانیدن آذوقه و مهمات به روسیه ...

تا پایان جنگ، سه میلیون تن آذوقه و مهمات از طریق راه آهن ایران به روسیه حمل شد، یعنی یک چهارم کل محموله های کشتی های آمریکائی و کانادائی

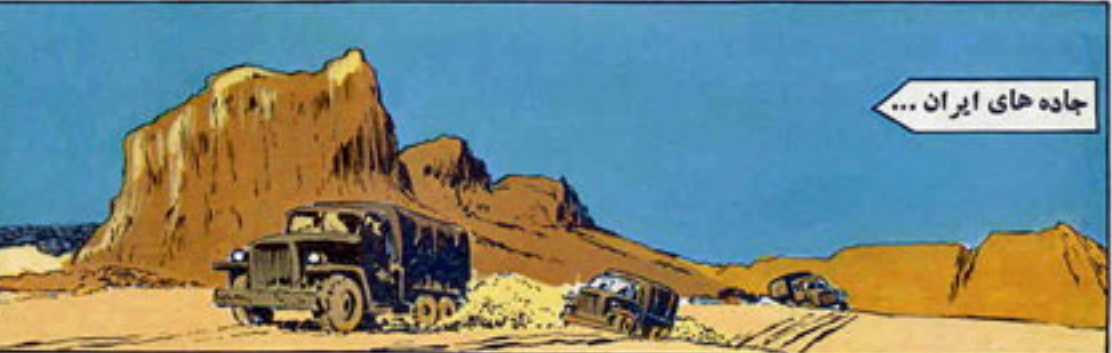


شاهنشاه جوان با خود اندیشید که

کشورش « پل پیروزی » متفقین شده ...

جاده های ایران ...

در زمستان سخت ۲۵۰۰ بیش از پنجاه هزار کیلومتر راه توسط هفتاد هزار کارگر ایران ساخته شد. هزینه این جنگ بهای ایران بیش از سیصد میلیون دلار بود ...



دلی فعالیت های سازندگی متفقین در ایران، تنها برای استفاده های جنگی بود ...

ایران کلید پیروزی متفقین بر آلمان نازی بود، چرا که برای نجات روسیه باید به آن آذوقه و مهمات می رسانیدند و این کار تنها از راه ایران میسر و مقرون به صرفه بود... با توجه به موقعیت جغرافیای سیاسی جهان در زمان جنگ، چرچیل متفقین را متوجه ساخت که ایران تنها راه نجات روسیه، یگانه پل پیروزی در جنگ است ...



اوضاع ایران از دید چرچیل



اما جنگ، برای ملت او فقر و فلاکت می آورد ...

... دلم پراز اندوه بود و بسیاری از شبها رانمیخوایدم. رنج عمیق ملت خود را بچشم می دیدم. در هر گوشه ای آثار فقر دیده می شد ...

دریای مرمره در تسخیر زیر دریائیهای آلمان میباشد. در دریای سیاه، ترکها مانع استفاده از تنگه داردانل هستند. در ولادی وستک خطر ژاپنی ها وجود دارد... پس، تنها راه باز، خلیج فارس میباشد ...

سرانجام شاهنشاه جوان ایران مصلحت کشور را در این تشخیص میدهد که ایران به متفقین بپیوندد...

می باید مهاجمین را بیرون رانند... اما چگونه؟! ...





از ملاقات دوباره آن
اعلیحضرت خیلی خوشوقتم

این دومین باری است که شاهنشاه ایران با چرچیل
ملاقات می نماید . یکبار هم در ۲۵۰۱ با او در
باره استراتژی جنگ اروپا گفتگو داشته است...

باید هرچه زودتر چاره‌ای اندیشید ...

در ۲۵۰۲ کنفرانس تهران با شرکت
روزولت، چرچیل، و استالین تشکیل
می‌شود تا درباره سرنوشت آلمان و
اروپای بعد از جنگ مذاکره نمایند.
این فرصت مناسبی است تا شاهنشاه
ایران با هر یک مذاکره کند و قبول
بگیرد که پس از پایان جنگ، قوای
بیگانه ایران را ترک خواهند کرد...

یکبار دیگر دور هم با یکدیگر تبادل نظر می‌تایند و درباره آینده ایران گفتگو می‌کنند...



ایران مقدم شما را گرامی
خواهد داشت، آقای رئیس
جمهور .

مذاکرات با روزولت در فضایی
سیمی تر صورت می‌گیرد ...
روزولت اظهار می‌دارد که مایل
است پس از بازگشته شدن باقی
عمر خود در ایران بتوان مشاور
امور کشاورزی و جنگلکاری
بگذراند ...

بسمعا شاهنشاه در یادداشت‌های خود می‌نویسد ... مناسبه که مردم تا بهنگام
روزولت به او فرصت نداد که این آرزوی خود را عملی سازد .



د استالین خیلی با ادب و احترام رفتار میکرد و پیدا
بود که سعی دارد تأثیر خوبی روی من بگذارد . او حتی
تعدادی تانک ۳۳ ت و هواپیماهای جنگی بمن پیشنهاد کرد .

شاهنشاه تحت تأثیر این رفتار دوستانه فرار می‌گیرد - اما خیلی زود
پس می‌برد که در پشت این ظاهر دوستانه طمع‌هایی نهفته است ...



مردم سراسر ایران برای این مژده بزرگ
شادمانی می‌کنند...

«... بنظر می‌رسید که دیگر مشکل بزرگ
ملت من حل شده است...»
اما بعد معلوم شد که اینطور نیست و روزهای
حتی سیاه‌تری در پیش است...



در پایان کنفرانس تهران، لیکندهای رضایت در چهره سران سه کشور، برای مردم دنیا
امید بخشی و برای هتلر نگران کننده است . بنظر می‌رسد که برای ایرانیان نیز
خبرهای خوبی اعلام خواهد شد...

سران سه کشور با قددانی از همکاریهای ارزنده ایران، تمهید می‌کنند که شش ماه
پس از پایان جنگ، ایران را تخلیه نمایند . یک تمهید کنشی .

برای دنیا جنگ در امرداد ماه ۲۵۰۴ پایان می‌رسد . اما نه برای ایران .

نیروهای انگلیس و آمریکا به تهدید خود وفا میکنند
دشمن‌ها پس از پایان جنگ، ایران را ترک می‌نمایند .

ولی استالین نقشه‌های شومی در سر دارد...
تا تک‌ها و سربازان او همچنان در خاک ایران
مستقر هستند. چرا ؟

بمدعا شاهنشاه در خاطرات خود نوشت .
« قوای استالین نه تنها نرفتند بلکه رفتاری
از خود نشان دادند که دنیا را تکان داد...
پس از پایان جنگ جهانی اول نیز در
حین مذاکرات صلح، روسها دست به یک
تجاوز تکان‌دهنده زدند : آنان به پشتیبانی
از یک یاغی در گیلان ، در این منطقه از
خاک ایران نیروی نظامی پیاده کردند و
این استان را جمهوری سوسیالیستی گیلان
نام نهادند .

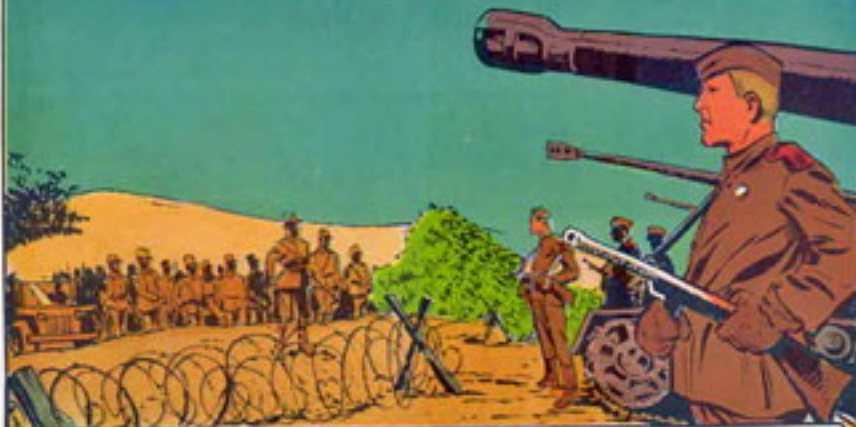
اعتراض ما ابتدا بی‌اثر بود، اما بالاخره
با مذاکراتی که بر اساس قرارداد هایمان
صورت گرفت آنان خاک ما را ترک گفتند
و آنگاه پدر من توانست یاغی و دارودسته
او را سرکوب کند .
این نخستین تجربه تلخ ایران از این
نوع بود . »



و حالا پس از بیست و پنج سال، در پایان جنگ جهانی دوم ، باز روسها می‌خواهند
چنان تجاوزی بکنند... این بار هدف استالین آذربایجان بود ...

نیروهای کمکی که شاهنشاه به این استان می‌فرستد در حدود پانصد کیلومتری تبریز
با قوای روس درگیر می‌شوند و جلوی پیشرفتشان گرفته می‌شود .

در امرداد ۲۵۰۴، کمونیستها در تبریز بزور چند
ساختمان دولتی را متصرف می‌شوند .



پوش از پایان سال ۲۵۰۴ یاغی‌های دست نشانده روسیه، استان آذربایجان را جمهوری خود مختار
اعلام می‌نمایند . در همین زمان یاغی‌های نیز در کردستان ، دم از خود مختاری می‌زنند ...



به پیش !

سربازان ایرانی زیر فشار نیروهای روس در
فرارگاههای خود عملاً محبوس مانده‌اند...

« ... آن سال، بهرانی آخرین سال
در تاریخ معاصر کشور من بود...
نیروهای تجزیه طلب مانند خود
بجان مملکت می‌افتند... در بنا ،
بنظر می‌رسد که سرزمینی پاستانی
بسی تاریخی شکوهند محکوم به
تکه تکه شدن و مرگی تدریجی است...»

اما باید مبارزه کرد و همین را از آشفتنگی و آذربایجان را از نابودی نجات داد ...
واقعیتم تلخ اینست که اینک پیش از سی هزار سرباز روس در شمال ایران مستقر شده اند .
شاهنشاه دوراه بیشتر در پیش پای خود ندارد، آیا باید جنگید ؟ یا باید با مذاکرات سیاسی این گره کور را باز کرد ؟ ...



سدها تانک و ستونهای سرباز روسی سوی ایران سرازیر می شوند .
نخست وزیر وقت بناچار آمادگی خود را در مورد برسمیت شناختن خودمختاری آذربایجان پوس گرفتن شکایت از شورای امنیت، و بردن لایحه امتیاز نفت شمال به مجلس شورای ملی موافقت مینماید ...

« بدنبال این تجاوز بی شرمانه استالین، آمریکا و انگلیس در اعتراض شدید به او، با ایران همصدا شدند ... »



« و ما همچنین شکایت خود را در برابر شورای امنیت سازمان ملل متحد که بتازگی بنیاد یافته بود مطرح ساختیم و شکایت ما نخستین شکایتی بود که در این شورا مطرح می شد... »

ترومن، سرچها به روسیه اخطار می نماید...
اما استالین پاسخی نمی دهد .



نماینده شاهنشاه در سازمان ملل متحد، دوباره شکایت کشورش را مطرح می کند ... شکایت ایران اینبار شورای امنیت را سخت تحت تأثیر قرار می دهد...



« کشور من بدینوسیله به دنیا اعلام می نماید ... »

شاهنشاه جوان از امکان چنین توافقی بکه می خورد و با سراجت اعلام می نماید :



« نخست وزیر آنقدر ساده بود که فکر میکرد با چنین توافقی بازم بتواند تمامیت کشور را حفظ کند... »

ایستار استالین به وعده خود وفا کرده است، اما دولت یوشالی اش تنها باقی مانده است، پیشه روی که تعادل روانی درستی ندارد ...



با خیال خام خودمختاری، برای مذاکره با یک هواپیمای روسی به تهران می آید .

شاهنشاه سریع و قاطع اتخاذ تصمیم می نماید... وزیران خود را فرا می خواند و شورای جنگی تشکیل میدهند.



اراده شاهنشاه اینست که یاقیان سرکوب گردند . اما آیا روسیه به کمک یاقیان خواهد آمد ؟ ...
سراجماع تصمیم قاطع و نهائی را شاهنشاه اتخاذ می نماید...



در جنوب ایران ایل های مختلف با مشاهده اینکه پیشه روی برای مذاکره به تهران آمده است دچار روسوسه میشوند که دست بشورش بزند و آنان نیز ادعای خودمختاری بنمایند.



او آماده جنگ می شود .

« با خود فکر کردم که اگر من حمله نکنم نیروهای تجر به طلب قدرت بیشتری خواهند یافت و حمله خواهند کرد. البته اوضاع با مساعد نبود و من چنین کامل به پیروزی نداشتم . »

مخاطره بزرگی بود . « معتقد بودم که مرگ در شرف و افشار بهتر از نابودی استقلال زاد و بوم است . »

نقشه جنگ را با افسران خود مطرح می ریزد و در یک جلسه یازده ساعته شخصاً تمام جزئیات را مرور می نماید



همه چیز آماده است . ارتش ایران بسوی تبریز حرکت می کند .

در این موقع استالین آخرین تیری را که در ترکش دارد رها می کند .

و با هواپیما بر فراز مواضع شورشیان پرواز می نماید .



روسها به کمک مزدوران خود نمی آیند . ارتش ایران با اینان را سرکوب میکند و هر چه ایران به اهتزاز در می آید .

باید بست آوردن امتیاز نفت شمال می خواهد روابط دوستانه با ایران داشته باشد. یکسال بعد، وقتی مجلس شورای ملی لایحه دادن امتیاز استخراج نفت شمال را به روسها رد می کند استالین تهدیدهای بیشتری میکند ولی بیفایده است.

سفیر روس شرفیاب و تهدید بحمله میکند .

« این موسوخ فقط به خود ایران مربوط است ، و هیچ خطری سهم برای صلح جهانی ایجاد نمیکند »

روسه خود را در وضعیت دشواری می بیند باز یک سو مایل است از مزدوران خود پشتیبانی کند، و از سوی دیگر



« در سراسر کشور بخوبی احساس می شد که ملت مفهوم بزرگتر و عمیق این پیروزی بر یغیان را درک کرده اند، مفهوم شهادت و میهن پرستی. در هر گوشه ای ملت خود را می دیدم که با وفاداری و صمیمیت نسبت بین ابراز احساسات میکنند. »

درد موبک شاهنشاه به تبریز پیروز شده و بسیار شکوه مند است . در سراسر ایران موجی از احساسات میهن پرستی برخاست . من معتقدم که نه تنها ما ایرانیان، بلکه هر فرد آزاده ای در جهان این روز را باید دریاد داشته باشد... آری ، ملت های کوچکتر با پشیمانت در رو یاروشدن با ملل بزرگتر را داشته باشند . »

درد بر شاهنشاه ! جاوید شاه !

۲۵ سال پیش نیز، بزرگمردی میهن پرست برای نجات این مرز و بوم قیام نمود . نام او رضا شاه « کبیر » است. پادشاه جوان است. او ایران را نجات داده است.

شاهنشاه ۲۷ ساله ایران پیروز شده است.



«... پند من شاه‌های بین وقتی پند داشت... دلیل برتری تو قبل شکوهند آوردن همین برستی او بود که درم ایران پند پند فطری است...»

«پند من یکی از سدها همین برستی بود که در آن عشق وطن می‌سوخت... سر انجام او در سوم اسفند ۱۳۳۹ به ندادن وجدان خود پاسخ داد و برای نجات ملت خویش کمر همت بست... نیمه شبی در آس‌سده از سر باز فدائی رشید، از یکی از ۱۲ دروازه‌های شهر آن‌را در آن شهر دو پست جز از غری شد و کنترل اوضاع را بدست گرفت.»

دروازه را باز کنید!

«... او سر باز ساده‌ای در برنگاه فراتهای ایرانی بود... او را درشاخان می‌نامیدند و همه از او حساب می‌بردند... در آن روزها ایران در دوران ضعف و پدپختی بسر می‌برد... رهبران مملکت قدرتی نداشتند و نفوذ خارجیسی هر روز بیشتر می‌شد.»

آن زمان نیز نیروهای تجزیه طلب در شمال ایران فعالیت داشتند و ایالات جنوب در حال شورشی و نافرمانی بودند... پند من با سانی بر شورشیان و پامیان پیر وز شد...»

از دولت ضعیف و فتنه بر کنار از محمود درمالم که اندک اندک با اوضاع سر و سامانی داد، پست نخست وزیری را بهنده گرفت.



سلسله‌ای که نتوانست افتخارات غرور انگیز این کشور باستانی را حفظ نماید، کمی پس از کودتای رضاشخان، احمد شاه کشور را بسوی اروپا ترک نمود.

آن زمان جوان کم سالی با نام احمد شاه، مملکت می‌کرد. او آخرین پادشاه سلسله ضعیف قاجار بود.



پند ماه بعد رضاشاه در لاج گلستان بر تخت سلطنت طاووس نشست و بطور رسمی تاجگذاری کرد. او تمام زمین‌ها و دریاها و راه‌های تاج سلطنت را بر سر گذاشت و سر آغاز همین برستی جدید ایران را بنا نهاد.



در سر انجام در سال ۱۳۸۴، مجلس مؤسسان احمد شاه را از سلطنت خلع و پندمر شاهنشاه ایران اعلام نمود.

دراوتل سلطنت خود یک دوزخ یک لایق جنگی دوسرا در ساحل یک بندر ایران
میریند و خشکین فرمان می دهد تا آن را هر چه زودتر دور سازند .



فورا این بیگانه را
از آبیهای ما دور کنید.

دور بند فایق جنگی
رفته بود .

در باره میهن پرستی پر شور رضاشاه کبیر داستانهای زیادی نقل میکنند .

از کلهای بزرگ او الفاء « کایتولامون » بود که بموجب آن بیگانگان در ایران
فقط از قوانین کشور های خود پیروی میکردند . او همچنین دستور داد تا دیگر همیشه بجای نام
« پارس » این سرزمین را « ایران » بنامند . ظرت
او از خود بیگانگان بحدی بود که وقتی با لایق از کنار
والایکگاه بخت آبادان که دوست انگلیسها بود میگشت .
دوی خود را بر میگرداند تا آنرا بیند .



پس از آن فرمان داد تا زنان ایرانی طاب الزجیره و چادر از سر بر گیرند .
بدین سان زن ایرانی نخستین گام را برای آشنایی به حقوق اجتماع
خود برداشت .



در سر انجام در ۱۷ دی ماه ۱۳۰۴ مام اساسی
را در این راه برداشت ...



دوازدهمادرو خواهر افرامخواست تا بدون ننگ و
چادر در مراسمی شرکت نمایند .

و ... در زمان پندر من بود که
ایران بسا تمدن غرب آشنایی
یافت . او ایسران را سرزمین
نویزی ساخت .
پیش از رضاشاه کبیر ، مملکت بین
خواهین تقسیم شده بسود . مردم
پناهی نداشتند . حتی در تهران
کمبرکسی جرات می کرد بند از
غروب آفتاب از خانه خود بیرون
بیاید . راههای کشور خراب بودند
و امنیت نداشتند . دشا شاه کبیر
مشق مانده گی زنان ایسرانی را
نمی توانست تحمل کند .

او به همینگی ملی میانه بندی و برای آنکه مملکت متکی به خود باشد .
به ارتش نیرومندی نیاز داشت . او به نیروی نظامی کشور سرو سامان داد .
نیروی دریایی و نیروی هوایی را بنیاد نهاد . قانون نظام وظیفه عمومی را
وضع کرد و دانشکده افسری را ایجاد نمود . او معتقد بود که برای پیشرفت کشور
باید آنرا به سرعت مدرنیزه کرد . از اینرو ، راه آهن سراسری را ساخت ...



پیش از رضاشاه کبیر ، تقریباً هیچ کارخانه ای در ایران وجود نداشت .



... و از این اقدام خود پیش از هر افه اید دیگری احساس نفوذ و خشنودی میکرد .
این راه آهن ، امروزه ایران را به اروپا و خاور میانه مربوط می سازد .

وقتی در سن ۱۴ سالگی به
برگاد قسزالی پیوست ،
سواد نداشت . اما بعد با
شهامت شروع به فراگیری
خواندن و نوشتن کرد .
هیچ وقت برای هیچ چیز
دیر نیست . او مدارس
زیسادی تأسیس کرد و
نخستین دانشکاه ایسران
را که دانشکاه تهران بود ،
بنیاد نهاد . دیندم هنگامی
که تاج پادشاه را بر سر
نهاد ، شاه شاهان ، سا به خدا
و قبله عالم لقب گرفت ولی
همیشه به خود بعنوان پات
سر باز ساده اشاره میکرد .

اوبشوا شاهنشاه ایران فقط یک بار به خارج از کشور
سفر کرد .



سفر رسمی او به ترکیه برای دیدار کمال آنا تورتک رهبر
بزرگ آن کشور که مورد تحسین زیاد او بود .



راه آهن ۱۳۹۲ کیلومتری ایران شاهکار مهندسی زمان خود بود که برای آن روی هم رفته ۳۱۰۰ پل ۲۲۳۳ تونل ساخته شد. یکی از تونلها دایره دار در داخل کوچه می چرخد و دهانه اش در سوی دیگر کوچه باز می شود.

در پایان کار آخرین پیچ دیپلوما در مراسم اوسطولیده تصدیق و امضا می گردد.



رضا شاه کبیر ساختن راه آهن را قدم به قدم دنبال می کرد و شخصاً از مراحل کار بازدید می نمود. در روز افتتاح راه آهن او شخصاً سوار قطار شد و وقتی مشاهده نمود قطار سر وقت به مقصد رسید، لبخندی حاکی از رضایت عمیق بر لبانش نقش بست.



آن روز یکی از اوقات خیلی نادری بود که مردم لبخند او را دیدند. او قلب مهربانی داشت اما حالت چهره اش همیشه جدی بود.



ساختن راه آهن ایران ۱۱ سال بطول انجامید. هزینه آن از مالیات کمی که برای قندشکر مقرر شد تأمین گردید. در جنگ دوم. همین راه آهن مورد استفاده متفقین قرار گرفت و «پل پروزی» آنان شد. نه تنها راه آهن، بلکه خود کشور نیز وقتی که جنگ در گرفت، از هر جهت مورد هجوم متفقین واقع شد.



جنازه در حال آمدن به ایران آورده شد و آرامگاه اچمتش در شهر ری، برای هزاران و خارجی یادبودی از منظر شجاعت و مین بر من است.



آنگاه پاسپورت کشور به فرزند بر منش با ارفش و ملت خود وداع کرد ...



سراپام پادشاه پس به ستوه آمد و ولیده جوان خود را فرخواست: من نمیتوانم این وضعیت را تحمل کنم و از چند افسر چر و انگلیس و روسی دستور بگیرم ...

رادمرد بزرگ تاریخ ایران سراپام به برای این شناخت... اینک در پیروجه جنگ دوم جهانی، فرزند او زمام امور را به دست گرفته و می خواهد کشتن طوفان زده را به ساحل برساند. غایب آذربایجان نسیب سنگ بود که بیگانگان پیشتر بر آن ساخته. او در این کشتن پیروز شد اما یادگر سنگ پیشتر با او نخواستند... لودیز ماشه پدرش می خواهد پادشاه راستین ملت خود باشد... و از فرزندان دشوار و پر پیچ و خم در پیش دارد ...



و ایران را به قصد آفریقای جنوبی ترک کرد و در سال ۲۵۰۲ چشم از جهان فرو بست.



با اندوه سوار اتومبیل خود شد...



مش از خاک میهنش را بنوان عزیزترین یادبود با خود برداشت

او خود خلیان ماهری نیز هست. او با هوایمائی که خود هدایت می کند بهر گونه مرزبومش سرکشی می کند ...



اینک پس از فحاشات آذری با پیمان ایران آماده می شود تا آثار جنگه را هر چه بیشتر از چهره بردارد... و دهر پیر و نعنند ایران نیز آماده می شود تا ملت خود را در آرزوی و تمالی هر چه فرا تر ببرد...



در نخستین سال پادشاهی ، تودیع امتداد اعلام سلطنتی را بین دهقانان آغاز کرد . اما مجلسی که هنوز بیشتر شاهپادگانان را مالکین بزرگ تشکیل می دادند . از این اقدام پشتیبانی نکرده بود .



اینک او دوباره دست به این اقدام میزد ... او امتداد پیش از دو هزار دهکنده از اعلام سلطنتی را شخصاً بین دهقانان توزیع می نماید .

این اقدام او زندگی نوینی را برای بیش از بیست هزار دهقان به ارمغان می آورد ... و در همین حال بتوان مقدماتی بر اصلاحات ارضی مالکین بزرگ و فئودالها را مهیاء می کند...



او نه تنها پس از این اقدام نخستین ضربه شکننده را به رژیم ارباب و رعیتی می زند . بلکه اقدامات سودمند دیگری را نیز بندر قه آن می نماید . او نخستین برنامه عمرانی ایران را طرح می ریزد ... فرمان میبندد تا به وضع دستمزدها سرسامانی داده شود و یک حداقل قابل قبول دستمزد تعیین شود ... همچنین فرمان می دهد تا کودکان خردسال بکار گرفته نشوند و بلکه سوادآموزی کنند . او با هر مشکلی که مانع پیشرفت ملتش باشد سینه به سینه روبرو می شود... و اینچنین تا مرز روپاروی شدن با حرکت پیش می رود...

دشمنان ایران باز در بهمن ماه ۲۵۰۷ ضربه دیگری میزنند... آنان، هنگامی که شاهنشاه ایران به جشن سالانه دانشگاه تهران میرود، مزدور خائنی را در سرازه او قرار میدهند تا او را با شلیک چند گلوله از پای در آورد... «... می خواستم وارد ساختمان دانشگاه شوم که ناگهان صدای شلیک را شنیدم... گلوله ها را شخصی که در ظاهر این عکاس به آنجا راه یافته بود از فاصله نزدیک شلیک می کرد... هر چند که باور نکردنی است اما سه گلوله کلاه مرا سوراخ کرد بی آنکه به سر من اصابت نماید.» و اما چهارمین گلوله از گولهدار است من وارد و از بینی خارج گردید... او اینک قلبم را حذف کرده و فرار داده بود... در این حال چه باید می کردم؟! ...»



« آخرین گلوله او در اسلحه گیر کرد ...»



« احساس عجیبی داشتم و می دانستم که هنوز زنده هستم... متأسفانه افسران جوانی که همراه من بودند با خشم زیادی او را جا بجا کشتند.»

« ناگهان شروع به حرکات تند ماریجی در اطراف خود کردم و در همین حال به سرعت لقبیر وضعیت میخادم... او دوباره شلیک کرد و گلوله او به کف من اصابت کرد.»



« در هر حال او آدمی غریب و غیر متبیینی بود... تحقیقات نشان داد که او روابطی با برخی گروههای افرامنی مذهبی داشته است... در خانه او نوشته های کمونیستی پیدا شد... همچنین تحقیقات نشان داد که نامزد او دختر باغبان سفارت انگلیس بوده است.»

با آنکه در قانون وجود دو مجلس شورا و سنا پیش بینی شده بود، تا آن زمان فقط مجلس شورا وجود داشت. شاه در این هنگام فرمان تأسیس مجلس سنا را می دهد تا توازن ایجاد شود زیرا این زمان مجلس شورا زیر نفوذ یک اقلیت متعاقب است.

اینک شاهنشاه با قدرتی بیشتر سیاست داخلی را تحت کنترل خود درمی آورد و دستهای دست نشانده گان بیگانه را کوتاه میسازد. او برای آیندۀ طلائی ملت خود تلاش میکند... ولی دشمنان او نقشه های دیگری را در سر میپروراند.

مردم وقتی سوء فساد می شنوند نظاخراتی بر پا میکنند و برای شاه جوان خود ابراز احساسات بی سابقه ای مینمایند. «... وفاداری ملت، بهمن نیر و داد تا هر چه استوارتر بر پای خود بایستیم.»



«... خون زیادی از من میرفت... خاطرم هست که با این حال اسرار داشتم که مراسم جشن ادا شده پیدا کند، اما اطرافیانم مرا قانع ساختند که به بیمارستان بروم. چندتا او نیلورم ققایی آورده به خون من در باشگاه افسران برای تماشای منم گذاشته شد، و هنوز نیز در همانجا موجود است.»

شاه جوان از قصر خود بیام را دیوولی برای من مثل خود می فرستد.



دشمنی پادشاهی ایران - و نخستین بحران نفت :

اوبستلورد دریافت کمک برای آبادانی کشورش با آمریکا سفر
مینماید . پرزیدنت ترومن از او با گرمی استقبال می کند.
اما... «والسفر آمریکا پادست خانی به کشورم بازگشتم.»



هنوز زخم گلوله دشمنان بر چهره
شاهنشاه بهبود نیافته بود که ادبا
اراده ای راسخ تلاش خود را از سر
می گیرد. اولین ماده در فهرست
کارهای او برنامه عمرانی ۷ ساله
است که اجرای آن به دلیل کمبود
درآمدها نایاب ایران از نفت در این
زمان کمتر از چهل میلیون دلار
است. بدین جهت برای مدتی این
برنامه و نقشه های عمرانی دیگر
به تعویق می افتند .



در همین وقت مذاکرات ما با شرکت نفت ایران و انگلیس بر آنکه به نتیجه برسد ادامه داشت . ما برای
افزایش کردن برسیم درآمد خود که همان بود چاه میزدیم و به چاهی نرسیدیم . پس برای جبران کمبود
۲۵ میلیون دلار کمکی که آمریکا کرده بود . تاجار شدیم در مطاوعه باک موافقتنامه بازرگانی ۲۰ میلیون دلار
از روسیه بگیریم .
تمام این اتفاقات شرایط مساعدی برای
قدرت گرفتن مصدق بوجود آورد .



ملی شدن نفت در سال ۲۵۰۹ نقطه عطفی
در تاریخ صنعت نفت بود که سابقه آن به
حدود ۲۵۰۰ سال پیش بر می گردد .



در نوشته های قدیمی نشانه هایی می توان
یافت از اینکه در جنوب ایران مردم از معایب
سیاه رنگی که از زمین می جوشیده است
برای سوخت چراغ و یا آتشکده های خود
(که در نزدیکی حوضچه های نفتی بنا
می شده است) استفاده می کرده اند .

مصدق سیاستمدار پیری است که کرامت
احساسات تندی را بر ضد بیگانگان بر
مراکز و ملی کردن نفت را عنوان
مینماید. دولت سرسختانه اوموده پشتیبانی مردم است. بزودی نام او با هر دو دولت در دنیا نامی پیدا می شود...
و در سال ۲۵۰۹ مجلس لایحه ملی کردن نفت را تصویب کرد و من از آن پشتیبانی کامل کردم .
شرکت انگلیسی نفت به عملیات خود خانه می دهد و ایران از عایدی نفت محروم می شود. شاه - مصدق را به
تفت و زبری متعصب می نماید تا برای بحران نفت چاره اندیشی کند . اوموشوع دموای ایران را به دیوان
لاهی میرسد. ولی طرفین دعوا به تفاهر می رسند .
و مصدق مرتکب اشتباه گردید. از اعتراف داشت که دنیا بدون نفت ایران قادر به ادامه حیات اقتصادی
و صنعتی خود نیست .
انتیخابات او با مسئله نفت خانه نمی یازد .
ظاهرا برای آرام کردن بحران نفت . مصدق از فاجتتاه درخواست اختیارات فوق العاده می کند . ولی در واقع
نقشه های برای کم کردن قدرت شاهنشاه و حذف کردن نقش او در مملکت را در سر می پروراند...



دوران جدید در صنعت نفت ایران از سال ۲۲۶۰ که
امتیاز استخراج نفت به پتک مراد انگلیسی داده شد
آغاز می شود. نخستین چاه خاورمیانه در ایران در
سال ۲۲۶۷ فوران کرد. سال پس از آن شرکت نفت
ایران را انگلیسی بوجود آمد که هر از پنج سال نفت
ایران را به اروپا صادر می نمود. هر از آن کشفهای
بزرگ و پیشرفتهای بسیاری در این صنعت شد .

پیش از آنکه تا نکرهای بزرگی نفتکش
ساخته شوند . نفت را در بشکه بر روی
کلوان شش به کشتی حمل می کردند .





اینک باردیگر شاهنشاه باید تصمیم بزرگی بگیرد...
 دکم کم برای من روشن شد که مصدق میخواهد دودمان مرا از بین ببرد. در ۲۲ مرداد ۱۳۱۳ با صدور فرمانی مصدق را از نخست-وزیری برکنار کردم. مصدق که شفته افکار شاهنشاه خود است از فرمان شاه من پیچید و مردم را تحریک می کند تا در خیابانها آشوب و بلوا کنند. روزهای سخت وزارتیک است در هیچ انجمنی نیست...



» من در بیست و هشتم مرداد در میان استقبال باشکوه ملت به کنور بازگشتم. « پدینگونه شاه باردیگر بیروز می شود. »



» با یک نگاه قلبی و با این خند که مملو در باره سر نوشتش خود تصمیم بگیرد. « اسرائیل مصدق کوهایی کنور را ترک کرد. مصدق و پیروانش خیلی زود در می نیایند که خواسته مردم ایران آن چیزی نیست که آنها فکر می کنند و بنا حیرت شاهد فرام مردم که خواستار سازگشتن هستند می شوند. »



در میان هجوم مردم خشمگین، مصدق از روی دیوار باغ خود فرار می کند. از بند دستگیر و محاکمه می شود و به مرگ محکوم میگردد. اما شاهنشاه مهرسان مجازاتش را نگذاشت از می بگذرد.

اینک شاهنشاه پرفدوتش از هر زمانی زعام امود را در دست میگیرد. از حزب کمونیست توده را غیر قانونی اعلام می کند. قرارداد جدیدی با شرکت های نفتی غرب می بندد تا منابع درآمدی برای ایران باشد. و تقسیم اراضی بین دهقانان را که مصدق از آن جلوگیری کرده بود باز از سر می گیرد. او اینک بر قلوب ملت خود فرمانروایی می کند. و سرزمینی بزرگ را زیر سایه خود دارد. اما خانه و کاشانه خود او را نسکوت و تنهایی گرفته است... این گره هم باید باز شود...

دس چهل سال پس از آن، شرکت نفت ایران و انگلیس بیشتر از سه برابر درآمدی که به ایران میداد به دولت انگلیس مالیات پرداخت و تا این اندازه حق ایران پایمال گردید.

درآمد انگلستان : ۱٫۵ میلیارد دلار

درآمد ایران : ۳۵۰ میلیون دلار



در ۲۵۱۸ : دوشیزه فرح دنیا را ملاقات می نماید. او که دانشجو معماری در پاریس است برای گذراندن تعطیلات تابستانی به ایران آمده است .



... و یک هفته بعد از این ملاقات، من بفرح پیشنهاد ازدواج کردم. نامزدی آنان بطور رسمی اعلام میشود و شهبانوی ایران برای عیادت کوتاهی بمنظور ترتیب کارهای خود به پاریس بازمی گردد .

مردم نیز نسبت به آینده کشور اندیشها کنند. آنان میخواهند که شاهنشاهشان ولعهد داشته باشد تا دودمان او که پایه های آن بر علاقه و اعتماد ملت استوار گشته است. بقا و ادامه یابد... پس از دو ازدواج که نخستین آن با یک پرنس سربسری (قوزیه) و دومین آن با دختری از ایل بختیاری و تحصیل کرده در آلمان (ژریا) بوده است، هنوز شاهنشاه ایران فرزندی بسرای جانشینی خود ندارد...

فرح دنیا مانند شوهر آینده خود از میان نوده مردم برخاسته است. او تنها فرزند یک خانواده سرشناس از شمال غرب ایران است. وقتی که هنوز کودکی بیش نبوده پدر او به سبب بیماری سرطان چشم از جهان فرود بسته است.



تحصیلات ابتدائی خود را در مدرسه های ابتدائی و فرانسوی در تهران میانیان رسانیده و بشدویج در محیط تحصیل خود فعالیت های گسردنی بیشتری را بنهده

گرفته و با انتخاب شدن بعنوان کاپیتن تیم بسکتبال مدرسه خود، این تیم را در پیروزیهای زیادی رهبری کرده است. او نقاشی را دوست دارد و در این هنر ماهر است.

برای او نیز دویای بزرگی تحقق یافته است .



در ۲۹ آذر ۱۳۱۸ ما برای قوانین اسلام با یکدیگر ازدواج کردیم . همانطور که رسم ایرانیهاست ، موقع بنه گرفتن از عروس فرح دو بار سکوت و صد بار سوم که از استوال میشود آیا همسر من میشود . . . بنه می گوید .

چند هفته پس از نخستین ملاقات، عمر اسم عروسی شاهانه برگز از میشود. شاهنشاه در اطاق خود انتظار عروس را می کشد. عروس که بیست و یکسال دارد لیکن شادی بر لب دارد و از پلههای قصر بالا میرود. دنباله دامن او را شش دختر کوچک گرفته اند .



در کنارها و کارهای مملکتی چند روزی مامول ما را به تعویق انداخته و بی پس از آن ساحل دریای خزر رفتیم و نخستین روزهای زندگی مشترک را در آنجا گذرانیدیم .



سرانجام شاهنشاه همسر دلخواه خود را یافته است . و بزودی فرزند پسری که بتواند ولعهد او باشد نیز خواهد یافت ...

در بیرون بیمارستان مردم با خادای گردهم آمده اند تا شاهنشاه، شهبانو و ولیعهد خود را ببینند. برای همه روز شاد و فرخنده‌ای است.



چندماه پس از ازدواجشان، پرنس شهبانو به ما موزه دادند که او پادشاه است و چندماه دیگر فرزندی بدنيا خواهد آورد.



در روز نهم آبان ماه ۲۵۱۹، پهلوی سوم ولیعهد ایران دیده به دنیا می‌گشاید...



...چقدر خوشحال بودم که خداوند بزرگ بر من و همسرم رحمت کرد و نخستین فرزندمان را که پسر بود، به ما داد... شاهنشاه خود در بیمارستان حضور دارد تا همسر و فرزند تازه به دنیا آمده‌اش را بخانه ببرد.



ولیعهد ایران رضا پهلوی - که نام دیگر او کودش است - کم‌کم بزرگ می‌شود... و کانون خانواده از وجود او گرمی و شادایی بیشتری می‌یابد...



شاهنشاه و شهبانو نام «رضا» بر فرزند خود می‌نهند، و در پرورش و آموزش او با علاقه می‌کوشند.

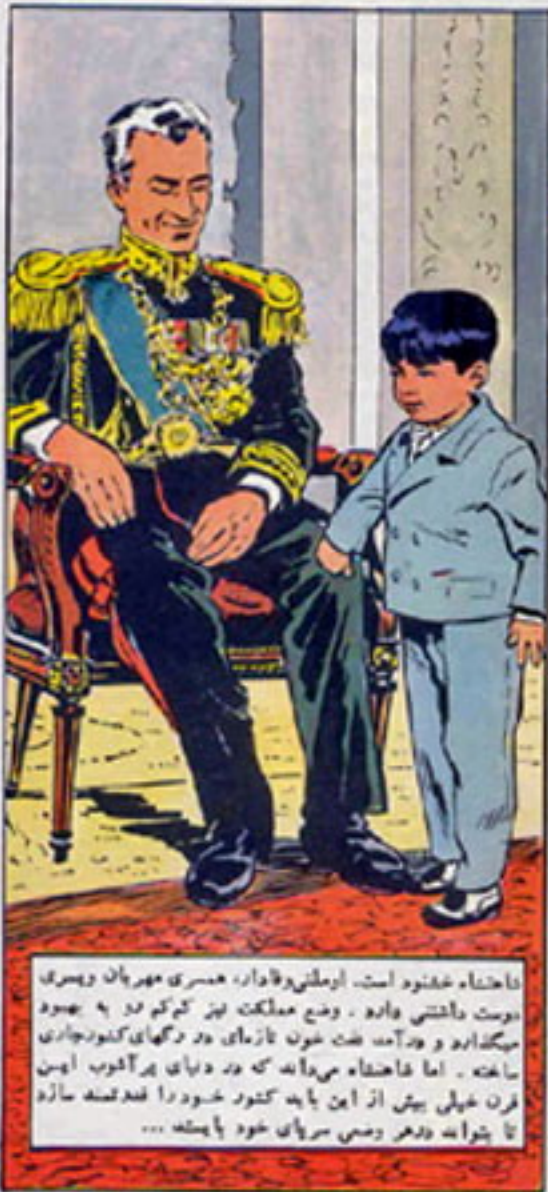




کولن پس از ازدواج، زندگی فاخره‌اش را در کنار خانواده‌اش در لندن گذراند.

او و شهبانو هر دو ورزش را دوست دارند. واز این رو اوقات فراغت را به اسبسواری، یادوالمال، ویا اسکیت می‌گذرانند.

و حتی پیش از نامزدی من بفرح گفتم بودم که پس از ازدواج با من بتوان یک شهبانو یا سولیتهای سنگینی رو برو خواهد بود. پس از ازدواجمان او با صمیمیت یاد وقت خود را صرف انجام وظایفی که بتوان شهبانو به‌عده داشت می‌نمود، و من با علاقه شاهد توجه خاص او به مسائل اجتماعی بودم.



او به پدیده خانه‌ها سرکشی می‌کند و برای دوازده کودکی دستوراتی صادر می‌نماید.

شهبان شاهنشاهی، شهبانو نیز به فعالیت‌های پشاهانگی علاقه نشان می‌دهد.



... و با کودکان در مدارس غذا می‌خورد.

همچنین در بیمارستان‌های عمومی به دیدار بیماران می‌رود و از آنان دلجوئی میکند.



شاهنشاهی خشنود است. ارمیونی و قادار، همسری مهربان و همسری دوست‌داشتنی دارد. وضع مملکت نیز کم‌کم در به بهبود می‌گردد و درآمد، پشت خون نازمای در رنگهای کنونچاری ساخته. اما شاهنشاهی می‌داند که در دنیای پر آشوب این قرن خیلی پیش از این باید کشور خود را تجدید سازد تا بتواند در دهر رسمی سرپای خود بماند...

در دهه پس از قیام ملی ۲۸ مرداد ماه ،

شاهنشاه خطوط جدید سیاست خارجی را که بر اساس سلجوقی ، همسکری ، و احترام متقابل است ، ترسیم می نماید .
او به کشورهای گوناگون سفر می نماید . و با سران این کشورها در مورد مسائل مشترک مذاکره می کند . در بیشتر این سفرها شهبانو او را همراهی می نماید . یکی از کشورهای بزرگی که مورد بازدید شاهنشاه واقع می شود روسیه شوروی است که با ایران ۱۷۴۰ کیلومتر مرز مشترک دارد .

۵ پس از مرگ استالین دوران جدیدی در روسیه شوروی آغاز گردید . در ۳۱۵ من سفر کرسی با این کشور نمود و این فرصتی بود تا با آقای خروشچف با سراحت مذاکره و تبادل نظر نماید .

باید به آقایان تاریخ وقایع اخیر در مملکت را یادآوری کنم .

من می بینم که ما مرتکب اشتباهاتی شدیم . دلی می دانید که مسئول آن دستگاه دهری قدیم بود .

اختلافات مرزی و آبی بین دو کشور حل می شود در روابط تازه بازرگانی برقرار می گردد .

پس از آن ، گاه روابط دو کشور دوستانه و گاه سرد است . و این تزلزل سرانجام در بازدید وی که جانشین خروشچف یعنی لئونید برژنف



از ایران می نماید . از این میرود و روابط گرم و دوستانه ای برقرار می شود .

ملاقات شاهنشاه با آذربایجان در ایس جمهوری آمریکا مانده ملاقات در دست قسیم است . در ۲۵۱۸ آذربایجان به ایران می آید و در این بازدید پایتختی و سایر شهرهای بسیار دوسهتری بین دو کشور بنا نهاده می شود و آمریکا طرحهایی را برای کمکهای اقتصادی ، آموزشی ، فنی ، و نظامی به ایران ندارد می بیند .



شاه در سفر به آمریکا با جان اف . کندی ، رئیس جمهوری این کشور ملاقات و مذاکره می نماید .



این زمان روابط ایران با روسیه شوروی بر اساس نظام و همکاری است و ایران دیگر مانند سالهای قبل نیاز به پشتیبانی آمریکا ندارد و او را نه بتواند یک حامی بلکه بعنوان یک دوست مر خواهد .

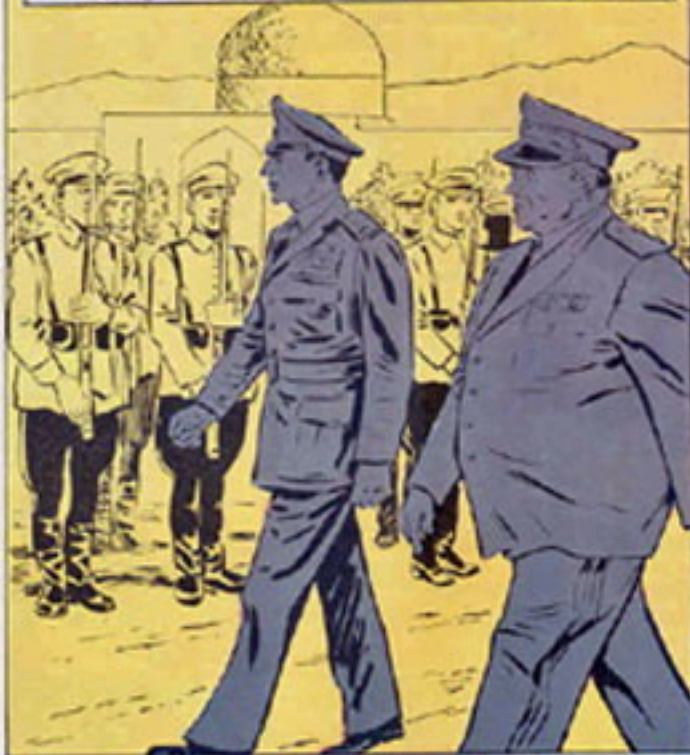
روابط ایران با انگلیس که پس از جنگ به فرول خود وفا کرده و نیروهای خود را از ایران فرا خوانده بود ، در دوران پسران تخت به سردی گراشته بود . اما اینکه سران دو کشور با نواهد پایتختی دوستی و همکاری نوینی را پدید آورده و از کشورهای بزرگتر بازدید می نمایند .



برای نخستین بار در تاریخ معاصر ، ایران مورد شناسایی و احترام قدرتهای بزرگ دنیا واقع می شود .

اما شاهنشاه تنها در اندیشه بهبود روابط با کشورهای بزرگ نیست ، بلکه با دیدی جهان بینانه به دوستی و تفاهم با همه علاقمند است ...

درو نظر شاهنشاه، پرزیدنت تیتو، رئیس کشور یوگسلاوی مردی جهان‌نپنده و سیاستمداری بزرگ در جهان سوم است. با او نیز ملاقاتی بسیار دوستانه در محفل بی‌رقعه صورت می‌گیرد.



دین شاهنشاه نسبت به مسائل جهانی بی‌فکارتی به دید دو سیاستمداری که مورد تعظیم اوست نیست. رئیس جمهوری فرانسه، شارل دو گول، سردی قومستار آزادی و سیاستمداری واقع بین و پرتلاش است. شاه با علاقه خاصی او را ملاقات می‌نماید...



شاه به توسعه روابط دوستانه با همسایگان نزدیک خود علاقه مند است. او با پرزیدنت ایوب خان رئیس جمهور کشور دوست و همسایه پاکستان چندین بار ملاقات می‌کند. هر دو کشور عضو سازمان پیمان مرکزی (مشترک) هستند.



در بسیاری از کشورهای خارجی لقب امپراتور به شاهنشاه داده‌اند. فراموشی ناپیوسته امپراتور خردبین است.



مدت زیادی از این ملاقات نمی‌گذرد که پیشرفتای ایران آشکاره چشمگیر می‌شود که این کشور را «ژاپن نو» لقب می‌دهند. اما ایران از این مرتبه هم فراتر نماند.

با ملک فیصل پادشاه عربستان سعودی نیز ملاقات و مذاکره می‌نماید.



و با ملک حسین، پادشاه اردن هاشمی، کشور دوست و برادر ایران ملاقات می‌نماید.

او همچنین با نخست وزیر هند «نهر د» ملاقات و مذاکره می‌نماید.



و پایتختی همکارهای منطقه‌ای بین دو کشور، بنا نهاده می‌شود.

در این باره با پاپا یاور ایران نیز بسیار صحبت است. پاپا با او و از آن آمریکا و فرانسه قرارداد دادهای جدید نفتی با ایران امضاء می‌نماید. در این قراردادها حقانیت و پنج درصد درآمد به ایران تعلق می‌گیرد و این بر مایه است.



در سفر خود شاهنشاه با سران پیش از ۵۰ کشور دنیا از منی تا پاریس و سیاست و سیاست مستقیم ملی و نام گرفته و مورد تعظیم جهان ایران است. اگر چه ایران چنین‌ها همه را از نظر ادب و کتابت و ادب و ادب می‌نماید. در کشور سیاست خادمان خود شاهنشاه می‌گردید. ما خواهان صلح هستیم و می‌خواهیم صرف نظر از هر گونه آید و انرژی که هر کشوری دارد با همه آنها تقاضای همکاری و دوستی داشته باشیم. و این دیدن نوشتار است که ایران برای برقراری فاعلان بوده و زبان آن نیز دیده است.

خانواده‌های سلطنتی اروپا و ایتالیایی همیشه نزدیک به شاهنشاه ایران دارند.



ملاقات‌های دوستانه بین شاهنشاه با پادشاهان کشورهای اروپایی و از جمله بلژیک، سوئد و نروژ صورت می‌گیرد.

آنان این سرزمین را ایران نامیدند . برای فرنها در این سرزمین اقوام گوناگون ، ایلامی ها ، مادها ، و پارس ها کمابیش نزدیک به یکدیگر زیستند .



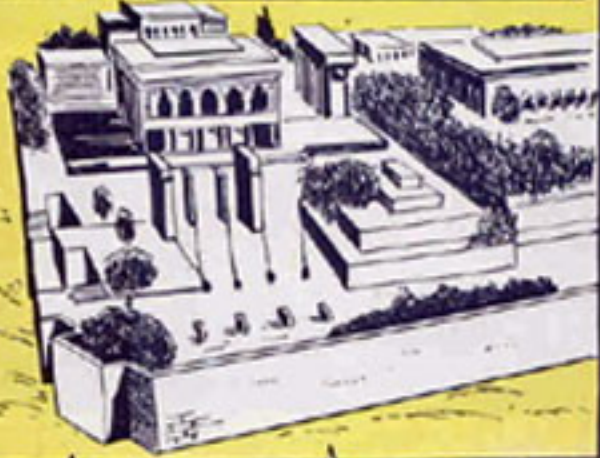
روزگاری ایران يك امپراطوری بزرگی بود. بزرگترین امپراطوری روی زمین. این کشور چهارراه ارتباطات دنیا، مرکز قدرت ، و گنوازه تمدن جهان بود . سرگذشت ایرانیان از حدود ۴۰۰۰ سال پیش که آریا نژادان به این مرز و بوم آمدند آغاز می گردد .



آنگاه سال ۵۵۰ قبل از میلاد ، پادشاهان هخامنشی آغاز به گسترش مرزهای جنوبی خود نمودند . بزرگترین آنان کوروش بزرگه شاهنشاه نیرومند ایران زمین بود که همه اقوام را مطیع خود ساخت دامپراطوری ایران را بنا نهاد. این نخستین و بزرگترین امپراطوری جهان بود.



پس از کوروش بزرگه ، کسوجیه و کسیریه داربوش و شش پادشاه و اردشیر پادشاهان این بودند که امپراطوری اردا حفظ کرده و بر سلطنت آن افزاودند. آنان شهرهای بزرگه با قصرهای عظیم که شکوه خیره کننده ای داشتند در پارس ، شوش ، و اکباتانا (همدان) بنا نهادند...



سربازان ایرانی ، شهر پس از شهر و کشور پس از کشور را فتح نمودند و مرزهای خود را فراتر و فراتر بردند. آنان لهی ، بابل ، هند ، آفریقای شمالی ، بخش بزرگی از یونان ، و بسیاری سرزمینهای دیگر را تصرف کردند و به امپراطوری خود افزودند .

ساز ایدهای امپراطوری کوروش



امپراطوری ایران در آن زمان از یکسو از نورد دانوب تا اقیانوس هند امتداد داشت ، و از سوی دیگر از مصر تا هند... این امپراطوری ساختار و نقش ویژه خود داشت .

امپراطوری ایران دارای يك سیستم اداری منظم بود . این امپراطوری به ایالت‌های نیمه‌مستقلی بنام «ساتراپی» بخش شده بود . شاهنشاهان ایران که هائی بنام خود ضرب می‌کردند که در سراسر امپراطوری آنان رایج بود . آنان همچنین شاهراههای بزرگی برای ارتباط بین «ساتراپی‌ها» ساخته بودند . شاهنشاهان ایران نخستین سیستم منظم پست را بوجود آوردند .



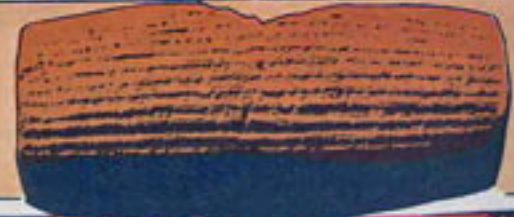
پیک‌های نامه‌رسان سوار بر اسب از جا پارخا‌های تا جا پارخا‌ها دیگر می‌تاختند و در آنجا اسب خود را با اسب تازه نفسی عوض کرده و هر چنان جا پارخا‌ها به جا پارخا‌ها پیش می‌تاختند تا نامه راه گیرنده آن تسلیم نمایند . آنان می‌توانستند در يك روز ۶۰ کیلومتر راه بپیمایند . «هرودوت» مورخ یونانی که این پیک‌ها را دیده بود نوشته است : «نه باران ، نه برف ، نه یخبندان ، نه تاریکی ، هیچ چیزی مانع پیک‌نامه‌رسان داریوش شاه، که همچنان با اسب خود پیش‌بینی‌ناخت نمیشد.»

امپراطوری که کورش بزرگ بنیان نهاد، تنها بر زمینهای چهارگانه‌ی دریای خزر و سرزمینهای هرچه بیشتر استوار نبود، بلکه در آن دوستی با دیگران و پدید آوردن تقاضای جهانی نیز، اهمیت زیادی داشت .



«من، کورش، شاه شاهان، هنگامی که پیروز شد و وارد بابل شدم همه مردم با شادی به پیشوازمین شناختند. اما کسی مقدسه شهر احساس سر ابرانگیخت. پس به مردم آنجا آزادی دادم تا هر خدایی را که دلشان می‌خواهد بپرستند. فرمان دادم تا هیچ خانه‌ای ویران نشود. فرمان دادم تا مال هیچ‌کس از او گرفته نشود و به همه امان دادم قادر آرامش و آزادی زندگی کنند.»

فرمان کورش بزرگ که بر لوحه‌ای گلی نوشته شده ، هنوز وجود دارد و نخستین منشور حقوق بشر نام گرفته است .



در حدود سیمده سال پیش از میلاد مسیح، اسکندر مقدونی به ایران حمله کرد و تا هند پیش رفت . او به انتقام حمله ایران به آتن دست به این حمله زد .



داریوش بزرگ آب‌راهی بین دریای سرخ و دریای مدیترانه ایجاد کرد که بعدها دنباله آن حفر شد و کانال سوئز نام گرفت .



در پایان جشنی که او به خاطر پیروزی خود برپا کرده در حالت مستی و به تحریک تالیس معشوقه خود تخت جمشید را به آتش کشید و از کاخهای با شکوه شاهنشاهان ایران ویرانه‌ای برجای نهاد ... تخت جمشید سوخت و از بین رفت ولسی امروزه ستونهایی که از آن باقی مانده پدیدآور شکوه و عظمت شاهنشاهی هخامنشی است .

بعدها امپراطوری ایران از زیر یوغ بیگانگان بدر آمد اما دیگر هرگز عظمت دوران هخامنشی را باز نیافت .



پس از حمله‌های متوالی سلسله‌های دیگری در ایران روی کار آمدند. آنان بار و بار مهاجمین دیگر چسبیدند و نزدیک به هزار سال این مرز و بوم را حراست کردند.

در قرون وسطی مهاجمان دیگری بر ایران تاختند که خشونت و خونریزی با خود آوردند. آنان لشکرهای چنگیز خان و تیمور لنگ بودند.



زبانه‌های آتش مغولها سرانجام فروکش کرد و آنان نیز تحت تأثیر فرهنگ ایرانی واقع شده و باز دوران آرامش و سازندگی و ظهور شعرای بزرگ فرا رسید.

تا اینکه در ۶۴۲ میلادی مسیح، اعراب به ایران تاختند و عمر ۴۰۰ ساله سلسله نیرومند ساسانیان پایان یافت.



ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند و با فرهنگ خود مهاجمان را تحت تأثیر ستین و آداب خود قرار دادند.



ابن سینا

در دوره پس از اسلام، در ایران دانشمندان و فلاسفه و شاعران بزرگی ظهور کردند از جمله ابن سینا، فردوسی، خیام، و ابوریحان بیرونی، و بسیاری دیگر بودند.



در زمان این پادشاه بزرگ روابط فرهنگی و بازرگانی با اروپا به ویژه با ایتالیا ایجاد شد. پایتخت شاه عباس سز در شهر زیبای اصفهان بود که به سبب آبادانی و زیبایی بسیار آنرا «نصف جهان» می‌نامیدند. زندگی در دربار صفویان بسیار با شکوه و آداب و عادات آنسان بسیار ظریف و خردمندانه بود.

و افسانه‌های بسیار دلنشینی از زمان پادشاهی شاه عباس بزرگ نقل شده است.

در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی، در ایران یک دانشمند بزرگ علمی و ادبی پدید آمد. این دانشمند در زمان شاه عباس بزرگ صفوی بود که از سال ۲۱۴۷ (۹۹۶ هجری قمری) تا سال ۲۱۸۷ (۱۰۳۸ هجری قمری) پادشاهی کرد.





بادی آمدند سلسله قاجار
در سال ۱۲۵۳ (۱۲۰۹ هجری
قمری) ایران در سراسر
بشد دوران طولانی و ضعف
و انحطاط رفت و فلاکت
افتاد و عظمت گذشته آن
بکلی از بین رفت.
در دوران این سلسله تهران
بشوان پایتخت انتخاب شد.



یکی دیگر از شاهان ایران که مرزهای کشور را گسترش داد نادرشاه بود. او هند را فتح نمود و با آسوی خلیج فارس پیش ناخت.



چنگ های پیوده شاهان این سلسله پارسیها، انگلیسی ها، و افغانها به زبان ایران تمام شد...



در اثر پیمان های صلح که شاهان قاجار مجبور به امضاء آنها شدند ... سرزمین های وسیعی از ایران جدا شد و بیگانگان نفوذ زیادی در همه ارکان مملکت پیدا کردند. در اوائل قرن ۱۹ میلادی ایران بطور فاجعه آوری به زیر نفوذ روسیه و انگلیس درآمد و در هر گوشه مملکت، سربازان این دو کشور دیده می شدند.

اینک شاهنشاه در مورد تاریخ معانی عمیقی می بیند.
در دست است که ما هرگز مستعمره قدرتهای امپریالیست نبوده ایم، اما از جهاتی سرخوش ما تلخ تر بوده است. در طول تاریخ به سرزمین ما حمله های بزرگی شده که خوشبختانه هر کدام در فرهنگ غنی و پربار ایران حل گردیده است. این چنین بسوده است که متعلقه که ۳۵۰۰ سال پیش در این مملکت افروخته شده در برابر طوفانها مقاومت کرده و بی آنکه هرگز خاموش شود امروز پلست ما که وارث این تمدن بزرگ هستیم سپرده شده است.

...ولی یکسال بعد فرافها مجلس شورا را به قیوم بستند. در این هرج و مرج انگلیسیها و روسها کشور را میان خود تقسیم کردند. این تقسیم سیاسی ایران همچنان بر جای ماند تا سال ۱۳۷۹ که رضاخان، سردار بزرگ ایران، کودتا کرد و پس از آن سلسله شاهنشاهی پهلوی را بنیان نهاد.



سرانجام مردم ایران به ستوه آمدند و جنبش هایی برای رهایی از نفوذ بیگانگان و سلسله قاجار بوجود آمد ...

...فختر مردم برای یک تحول، در سال ۱۳۰۵ شاهنشاهی شدت یافت و شاه قاجار به خواست ملت، اولین فرمان مشروطه ایران را در خاورمیانه امضاء کرد.

« من از کودکی می دانستم که سر نوشتم این است که بر این سرزمین پادشاه باشم و این کشور باستانی را که فرهنگ شیفته کننده و احترام انگیزی دارد رهبری کنم. آرزوی من اینست مردم کشورم خوشبخت و آزاد زندگی کنند و مخصوصاً به سرخوش آمده مردم عادی عمیقاً علاقمندم. » شاهنشاه ۲۰ سال با دشمنان ایران در داخل و خارج کشور ببرد کرده. او اینک بر آن است که بزرگترین گامها را در تاریخ ۲۵۰۰ ساله کنونی بردارد ...

انقلاب شاه و ملت :

در سال ۲۵۳۱ پس از تحولات بسیاری که صورت گرفته بود موقع را برای برداشتن شاهپای بزرگ مناسب یافتیم. ملت من به من اعتماد داشت و تقاضای عمیق تر از همیشه بین ما حکمفرما بود .
در ششم بهمن ۲۵۳۱ شاهنشاه افکار انقلابی خود را با ملت خود در میسان می گذارد و این چنین انقلاب شاه و ملت بوجود می آید .

« من در نبود این نیکی و بدی نمی توانم یک ناظر بی طرف باشم، زیرا من خود پرچم این مبارزه را بردوش گرفته ام . برای آنکه دیگر هیچ نیروی نظامی نظام را برده نمی را بر روستایان این آب و خاک تحویل ننماید و هیچ نیروی ژوئهای این مملکت را تاراج نکند . و برای آنکه مساوات و عدالت حاکم بر سر نوشت همگان باشد، من تصمیم گرفته ام اصول انقلابی را که طرح ریخته ام و تحولات بزرگی را موجب خواهد شد در معرض قضاوت شما بگذارم .
این انقلاب من و شما یعنی انقلاب شاه و ملت است .»



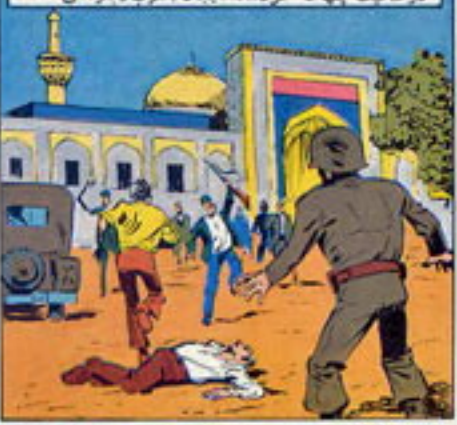
اصول این انقلاب که در اصل شش ماده :

- ۱ - اصلاحات ادبی .
 - ۲ - ملی کردن مزارع و جنگلها .
 - ۳ - فروش سهام کارخانه های دولتی .
 - ۴ - سپردن کارگران در سود کارخانه ها .
 - ۵ - اصلاح قانون انتخابات و تساوی حقوق اجتماعی زنان با مردان .
 - ۶ - ایجاد سپاه دانش .
 - ۷ - ایجاد سپاه بهداشت .
 - ۸ - ایجاد سپاه ترویج و آبادانی .
 - ۹ - ایجاد خانه های اسکان .
 - ۱۰ - ملی کردن آبها .
 - ۱۱ - یوسازی کشور .
 - ۱۲ - انقلاب آموزش و اداری .
 - ۱۳ - گسترش مالکیت واحدهای صنعتی و تولیدی .
 - ۱۴ - تثبیت معادوم قیمتها و مبارزه با گرانفروشی .
 - ۱۵ - تحصیل رایگان .
 - ۱۶ - حمایت دولت از مادران باردار و همچنین کودکان شهرخوار تا سن ۲ سالگی .
 - ۱۷ - اصل بیسه همگانی و تأمین دوره پانزده سالگی برای همه ازاد ملت ایران بخصوص روستائیان کشور .
- گسترش یافت، تا منشور ۱۷ ماده آن، بنو اقد فلسفه فکری جامع و دورنگری را بر ایدئولوژی ایران فراهم نماید.

نخستین روزی که شاهنشاه اصول انقلاب شش ماده ای را برای ملت خود تشریح نمود ، یاد آور شد که نیروهای ارتجاع سپاه و نیروهای خرابکار سرخ خواهند کوشید تا انقلاب شاه و ملت را این اثر کنند، این دشمنی شاهنشاه ، کاملاً درست بود .



با کشته شدن یک نامور اصلاحات ادبی در جنوب، حکومت نظامی اعلام میگردد. کمی بعد مالکین بزرگ شورش پدید می آورند ... در تهران و شهرهای بزرگ، کمونیستها با همکاری کهنه فکران که خود را در لباس روحانیت پنهان کرده اند ایجاد آشوب و بلبلا می کنند.



بین طرفداران انقلاب شاه و ملت و مخالفان آنه زودخوردهائی روی میدند و قوای نظامی باچار به مداخله می شود تا آرامش را بازگرداند ...

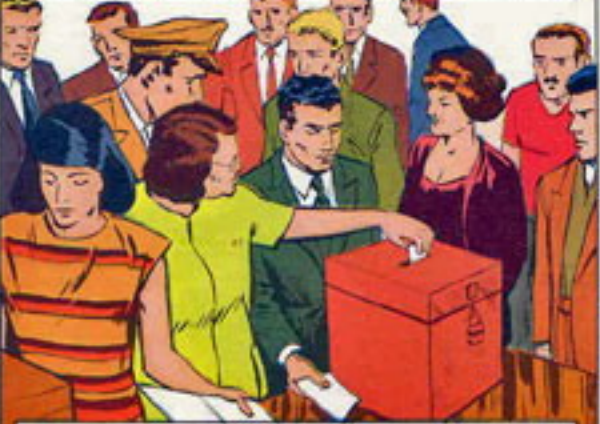


شاهنشاه در تصمیم خود پایرجا است . آرزوییش از دراندم ، از شخصاً به قم میرود و بسیاری روحانیون سخرانی می نماید و اسناد مالکیت زمین های کشاورزی را بین دهقانان توزیع می نماید .

« انگلهای اجتماعی و سیاسی محکوم به نابودی هستند. من از ارتجاع سپاه حتی بیشتر از خرابکاران سرخ نفرت دارم.»



درفراندم بزرگه انجام میشود . پنج ملیون و شصت هزار نفر اصول انقلاب شاه و ملت را تأیید می نمایند ، و فقط ۴۰۰۰ نفر با آن مخالفت می کنند . خیلی زود در تأیید بیشتر اصول این



انقلاب ، توده های بزرگ مردم با برپا کردن تظاهراتی پشتیبانی خود را از شاهنشاه خود اعلام می نمایند ... پیروزی شوکومندی است ... و این هنوز آغاز کار است ...

شاهنشاهی مستعصماً اسناد مالکیت زمینها را به دهقانان سرسرمزینی که دست
آب اندازه مجموع دست‌آنها را انگلستان بر فرانسه است اعطاء میکند.

انقلاب شاه و ملت همه زمینهای اجتماعی و اقتصادی را در بر میگیرد.
و آنچه که من در ۲۵۳۱ پیشنهاد کردم و ملت تأیید نمود مسئله
ساده‌ای نبود. بناگهان جامعه ایرانی از این رو به آذرو شد
و فتودالیم و رژیم ارباب و رعیتی ریشه کن گردید. و
نخستین اقدام شاهنشاه اعطاء اسناد مالکیت زمینهای کشاورزی به
دهقانان است.

امروز نخستین روز زندگی من است. مانند این است
که دوباره پا به عرصه هستی گذاشته‌ام.



۲۵۳۱

برنامه جدید برای مکانیزه کردن زراعت



برخی از املاک
متملق به مالکین
بزرگ که تقسیم
میشود بسیار
وسیع و نزدیک به
وسعت تمام کشور
سویس است.

روی همه رفته مالکین غاصب بیش از بیسی از زمینهای
قابل کشت مملکت را در دست دادند و آنوقت دهقانان
فقط در پنجم از کل محصول را سهم می‌بردند. پسرخ
از این دهقانان فقط حدود بیست تومان در ماه مابقی
دارند. و این چنین در ورطه هولناک قرض افتادند.
میزان با سواد در بین دهقانان فقط پنج درصد است.
در مورد زبان روستائی این میزان باز هم کمتر است.
مالکین بزرگ به کمک دوستان سیاستمدار خود که در
دستگاههای اداری هستند تلاش می‌کنند دهقانان را همیشه
در نادانی و بیسوادی و بی‌خبری نگه دارند.

تقسیم ارضی به اصلاحات ارضی

۲۵۳۱

تقسیم املاک دولتی

۲۵۱۷

تقسیم املاک سلطنتی

۲۵۰۹

۲۵۰۲ واگذاری املاک سلطنتی بدولت



آری، نخست این مشکل بزرگ را باید حل کرد: و انقلاب کشاورزی ما بر رژیم ارباب‌ورعیتی خاتمه داد. اما این پنهانی‌ها نیست



اصلاحات ارضی سرآغاز بقیه تحولاتی است که صورت می‌گیرد.
و به اعتقاد من دهقانان از پاکترین و اصیلترین افراد
مملکت هستند، آنان هستند که با کار و زحمت شبانه‌روزی
نان مردم را فراهم می‌آورند. و دامنه انقلاب شاه و ملت
خیلی زود گسترده می‌گردد و زمینهای دیگر را نیز در بر می‌گیرد.

انقلاب کشاورزی سرعت نظم
نویسی را از نظر سیاسی و
اجتماعی پسرای دهقانان
فراهم می‌آورد. پیش از ده
هزار «خانه‌آساف» بوجود
می‌آید تا روستائیان را در
دموهای خود کمک و
راهنمایی کند.
همچنین طرح « پیسه
روستائی » ، « خانه‌های
فرهنگ روستائی » و
«شوراهای ده» بنایهائی
از تمدن در سطح روستاها
هستند.



پس لازم است که شرکتهای
تعاونی روستائی ایجاد
شوند. تعداد ۸۵۰۰
شرکت تعاونی روستائی
که بوجود می‌آید پیش
از دو میلیون دهقان آزاد
شده با دادن وامهای آسان
واگذاری تجهیزات و
آموزش فنون کشاورزی
کمک می‌نمایند. بند به
دببال شرکتهای تعاونی
روستائی سازمان‌های
ترویج کشاورزی ایجاد
میکرد.

انقلاب شاه و ملت در زمینه منابع طبیعی مانند جنگلها و مراتع و آبها نیز تحولات بزرگی بوجود می آورد .
« این يك امر طبیعی است که آنچه که طبیعت به مملکتی اعطاء کرده بطور مساوی متعلق به افراد آن مملکت باشد . »



زمانی جنگلها و مراتع سه چهارم مساحت ایران را می پوشانیدند ، اما اکنون مشکل می توان گفت که سه یک چهارم مساحت ایران جنگل و مرتفع است . دو سوم از جنگلهای ایران در قرن اخیر از بین رفت . شاهنشاه ، جنگلها و مراتع و آبها را ملی اعلام می کند . نزدیک به یک چهارم مساحت کشور نیز به عنوان محیط زیست طبیعی تحت کنترل دولت در می آید . در يك جنبش بزرگ درختکاری ۲۰۰۰۰۰۰۰ لاله تازه کاشته میشود . با توسعه صنعت چوب و ایجاد کارخانه های این صنعت در حدود ۱۶۰۰۰۰ شغل برای بیکاران بوجود می آید .

به برخی از مالکین که زمینهای آسان ملی شده و مابین دهقانان توزیع کرده اند ، سهامی در کارخانه های دولتی واگذار می شود . بخش خصوصی تقویت میشود که در صنایع سرمایه گذاری کند . « ... هدف این است که کم کم ایران بصورت يك کشور صنعتی در آید . پس صنایع موجود باید تقویت شوند و صنایع تازه ای بوجود آیند . »

« در مورد آب ، ایران همیشه با مشکلاتی روبرو بوده است . شرایط طبیعی و جوی کشور من طوری است که حتی يك قطره آب را نمی توانیم هدر دهیم ، آب برای ما واقعا يك مسئله حیاتی است . »



۳ هزار سال پیش ایرانیان اولین مردمانی بودند که قناتهای بزرگ حفر کردند و آب کوهستانها را در حدود ۸ کیلومتر تا مزارع خود می بردند . اینک شاه در نظر دارد سالی یک سد بوجود آورد . به این ترتیب نزدیک به یک چهارم آبهای سطحی مملکت تحت کنترل در می آید . زمینهای زیر کشت دو برابر و نیروی برق تولید شده از سدها ، چهار برابر میشود . برای سالهای آینده که جمعیت کشور به پنجاه و پنج میلیون خواهد رسید ، سدهای دیگری ساخته خواهد شد .



این چنین برای نخستین بار در تاریخ ایران کارگران در سود سهام کارخانه ها سهیم می شوند . در عرض ده سال سیصد هزار کارگر از سود کارخانه ها بهره می برند . در سالهای نخستین ، میزان این سود مساوی ۱۵ روز حقوق ماهانه است که کم کم به میزان ۶۰ روز حقوق می رسد . در مورد باسوادسازی کارگران و همچنین آموزش حرفه ای آنان نیز اقدامات مؤثری صورت می گیرد .

در سال ۲۵۲۴ بخش خصوصی در حدود هفتصد میلیون تومان در ۶۰ کارخانه سرمایه گذاری می کند . اما تنها به تقویت و ازدیاد کارخانه ها اکتفاء نمیشود . « کارگر ایرانی نباید احساس کند که مورد استثمار واقع شده و به همین دلیل لازم است که در همان کارخانه های که کار میکنند سهام داشته باشد . »

تعداد کارگران بیسه شده چهار برابر می شود و به یک میلیون نفر می رسد ... ازدید شاهنشاه ، طبقه کارگر ، ستون فقرات مملکت بشمار می رود . « ... دولت ایران امروز بیش از هر چیزی متکی به کشاورزان و کارگران است . » اما رهبر اندیشمند ایران طبقات دیگر جامعه را نیز فراموش نمی کند ...

دیگر زن ایرانی برای کار کردن ، به داشتن اجازه رسمی از شوهر نیاز ندارد .



در زمانی کوتاه میزان زنان شاغل دوبرابر میشود. بسیاری از زنان مشاغل مانند طبابت، سیاست ، امور کارآگاهی و پلیسی ، قضاوت و مدیریت دیده می شوند .

مدت درازی نمی از جمعیت ایران فراموش شده بود . اینان بیش از دوازده میلیون زنان ایرانی بودند .

« چرا ما باید مادران، خواهران، دختران و همسران خود را از حقوق اجتماعی محروم بدانیم ؟ چرا باید نمی از جمعیت جامعه خود را اینچنین به زندان فراموشی ببندیم . »



هزاران زن ایرانی جلوی قصر شاهنشاه گرد می آیند تا از رهبر روشنفکر خود سپاسگذاری کنند .

سه هزار سال پیش در جامعه زرگشتی ایران باستان ، کمابیش نمی از شخصتهای اجتماعی را زنان تشکیل می دادند . کمی پیش از ظهور اسلام، دو پادشاه زن بر ایران فرمانروایی کردند .



حتی پس از اسلام زنان حق مالکیت خود را حفظ نمودند .

پیش از انقلاب، از هر ده دانش آموز فقط یک نفر دختر بود، و اینک در دهه پس از انقلاب از هر دودانش آموز یک نفر دختر است .



قوانین جدیدی حق داشتن تعداد زوجات ، امتیاز طلاق و نگهداری اطفال را برای مردان محدود می نماید .



در کمتر از ده سال بیش از نیم میلیون دهقان و زنان و مردان بزرگسال ایالات خواندند و نوشتن می آموزند ...



با بهسازی زندگی زنان ، تلاشهای بی گبری نیز برای بسواد کردن ، زنان و کودکان میشود. و من بعنوان یک جهاد ملی بر علیه ظلمت بیسوادی فرمان می دهم تا جوانان این آب و خاک در تمام شهرها و روستاها برای باسوادسازی هم میهنان خود کمر همت ببندند . »



در کمتر از ده سال ، سپاهیان دانش بیش از هزار مدرسه روستائی بنا می نهند .



ده سال پس از انقلاب، میزان باسوادی در کشور به دوبرابر، یعنی صدی چهل می رسد و این پیروزی بزرگ را یکصد هزار سپاهی دانش دختر و پسر فراهم آورده اند .

اینچنین «سپاه دانش» ایجاد میشود. سپاهیان دانش کماز جوانان دیپلمه تشکیل شده اند مدت خدمت نظام وظیفه خود را صرف با سواد سازی روستائیان می نمایند .



آنان بجای تفنگ بردوش ، کتاب در دست ، در شصت هزار روستای ایران پراکنده میشوند .

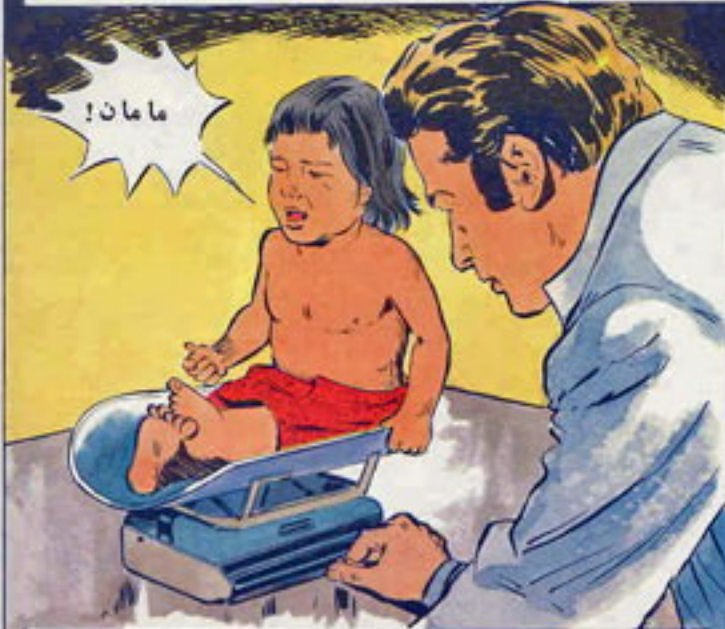
خدمات اولین سپاهیان انقلاب شاه و ملت موفقیت آمیز است...



دو شاخه‌ی سپاهیان پسر ، دختران سپاه نیز پس از آموزش نظامی در ای روستاها می‌شوند ... آنان نیز به روستائیان سواد آموزی می‌نمایند . گروهی از آنان در امور بهداشت ، مسائل مربوط به تنظیم خانواده ، اصول صحیح بچه داری ، زنان روستائی را راهنمایی می‌کنند .



... هرگز در میر کو دکلان به نصف میزان قبلی میرسد . از پانزده میلیون روستائی فقط یک میلیون از امکانات بهداشتی ، درمانی بهره‌مند بودند . ده هزار سپاهی بهداشت برای هفت میلیون دیگر نیز این امکانات را فراهم آوردند .



شاه بزودی ایجاد دو سپاهی دیگر را فرمان میدهد . « بدنیال اقدامات خود در اجرای پنج اصل اساسی ، خوراک برای همه ، بهداشت برای همه ، پوشاک برای همه ، مسکن برای همه و آموزش برای همه ، میباشد بهداشت را نیز برای همه فراهم می‌آوریم تا تفاوت زیادی که بین شهر و روستا وجود داشت از بین برود . »



سپاهیان بهداشت هفتده میلیون واکنس بر ضد بیماریهای گوناگون به روستائیان تزریق می‌نمایند . خیلی زود میزان مرگ و میر در روستاها به سه چهارم میزان قبلی می‌رسد ...

این چنین سپاه بهداشت بوجود می‌آید . هر گروه شامل چهار نفر است . یک پزشک ، دو جوان دیپلمه و یک راننده . هر گروه به ده هزار روستائی رسیدگی میکند .



پس از موفقیت سپاهیان دانش و بهداشت ، به فرمان شاهنشاه سپاه ترویج و آبادانی تشکیل می‌گردد . و همانگونه که سپاهیان پیشین ، انقلاب دانش و بهداشت را به روستاها به ارمغان بردند ، سپاهیان ترویج و آبادانی نیز روشهای نوین کشاورزی و نو سازی را به هم میهنان روستائی خود خواهند آموخت .

پیرمرد روستائی بعنوان حقیقتی و قدردانی ، پیشانی یک سپاهی را می‌بوسد ... آنان هر دو میدانند که چه جنبش بزرگی در روستاهای کشور آغاز گردیده ، و چه جنبش‌های دیگری را باز به دنبال دارد ...

۲۲۰۰۰ سپاهی ترویج و آبادانی تعداد ۶۰۰۰۰ کلاسی آموزشی کشاورزی و نو سازی تشکیل میدهند ... ۷۰۰۰۰ هکتار زمین را با درختهای نوین زیر کشت می‌آورند و ۳۰۰۰ مزرعه‌های نمونه نام میکنند . آنان چهارده میلیون دام را واگسیه و تعداد زیادی گرما بهای بهداشتی بنا می‌نهند و چندین باشگاه جوانان روستائی در دهکدهها ایجاد می‌نمایند .



شاهشاه و شهبانو با خشنودی تلاش شبانه روزی سپاهیان پسر و دختر « دانش و بهداشت » و « ترویج و آبادانی » را دنبال می کنند .



شاهشاه خشنودی خود را از اقدامات ارزنده سپاهیان بر ازمی کند...



« از همان ابتدا به سپاهیان دانش و بهداشت و ترویج و آبادانی لقب « سپاهیان انقلاب » داده شد. آنان اندیشه های سازنده و روشهای نوین را به دورترین روستاهای کشور که باشر ایست نامساعدی زندگی میکردند، بارمغان بردند...»

درمر اسم باشکوه سالگرد انقلاب سپید، سپاهیان انقلاب بی تفنگ در برابر شاه خود در زعفران و نند...



« کار مدرن ساختن کشور وقتی میتواند موفقیت آمیز باشد که از اعماق جامعه آغاز گردد. اینچنین ما کار را آغاز کرده ایم، اما هنوز راه درازی در پیش داریم ...»



... و در واقع آنچه که تاکنون انجام گرفته، طی مرحله ای، از يك سفر بسیار دراز است... امروز، بسیاری از دختران و پسران سپاهی، قهرمانان ناشناخته ماجرای اصیل بشری هستند که کار آنها نه تنها در ایران بلکه در سراسر دنیا بر سر زبانهاست .
آری، این سفر بسیار دراز است . ولسی سفری است که شاه و ملت او و سربازان انقلاب او با هم بی پایان خواهند رسانید .

در سال ۲۵۲۷ در يك سخنرانی مهم در دانشگاه هاروارد ، شاهنشاه پیشنهاد نخستین خود را گسترش می‌دهد .



« سپاهیان دانش ، بهداشت ، و ترویج و آبادانی ما بزرگترین نمونه‌های خدمت اجتماعی در دنیا هستند ... »

« می‌توان با الهام از این سپاهیان ، يك لژیون جهانی بوجود آورد تا در آن زنان و مردان سر اسرد نیاصرفنظر از هر گون عقیده و مسلکی که دارند ، قسمتی از وقت و کوشش خود را صرف خدمت‌های انسانی بنمایند ... »

ایران برای طراحی نخستین برنامه های کار داوطلب می‌شود . اینک اندیشه های سازنده شاهنشاه گسترش جهانی یافته است . اما در مین خود باز با يك توطئه دیگر که دشمنانش چندیناد دوبرگشته است .

و اینگونه لژیون خدمتگزاران بشر به پیشنهاد شاهنشاه ایران و تصویب سازمان ملل متحد در سال ۲۵۲۸ بوجود می‌آید .

در سال پس از انقلاب شاه و ملت ، ایران میزبان کنفرانس جهانی مبارزه با بی‌سوادی می‌شود .

« امروزه همه‌جوامع درد نیامانند حلقه‌های يك زنجیر بهم پیوسته هستند . به همین سبب تحولات اساسی که در يك جامعه در گوشه‌ای از دنیا صورت می‌گیرد ، بر روی جوامع دیگر نیز تأثیر می‌گذارد ... »

« ... من پیشنهاد میکنم که کشورهای جهان میزان کمی از بودجه نظامی خود را در سال صرفه جوئی نمایند و این پول را برای یکی از با شکوه‌ترین و بزرگترین مبارزات انسانی ، یعنی مبارزه جهانی با بی‌سوادی در اختیار یونسکو بگذارند . »



پیشنهاد شاهنشاه : چند ساعت صرفه‌جوئی از مخارج نظامی ، برای مبارزه با بی‌سوادی .

هر ساعت ۱۵ میلیون دلار خرج سلاحها میشود

مخارج تجهیزات نظامی جهان در سال ۲۵۲۴ : ۱۵۰ بیلیون دلار

« اما خواست خداوند بزرگ که در گذشته نیز باعث شده بود تا چند بار از کام مرگ نجات یابم ، اینبار نیز سبب شد تا معجزه‌آسا از يك مرگ حتمی نجات پیدا کنم ... »

« هدف توطئه‌گران از کشتن من این بود که قلم موجود را از بین ببرند و با ایجاد جنگ‌های داخلی موقعیتی بدست قدرتهای بزرگ برای مداخله در امور ایران بدهند . اما چه می‌خواستند بدست بیاورند ... ؟ به اصلاحات ارضی خاتمه بدهند ... ؟ کارگران را از گرفتن حقوقی که انقلاب برای آنها فراهم آورده بود محروم کنند ... ؟ دوباره زنان ایرانی را بدوران سردمی و عقب ماندگی ببرند ... ؟ یا تلاش انسانی و شکوهیند سپاهیان انقلاب را متوقف سازند ... ؟ »



« صبح روز ۲۱ فروردین ۲۵۲۳ در حالی که در کاخ مرمر بطرف دفتر کار خود میرفتم ، ناگهان یکی از نگهبانان که مانند همقطاران خود سوسوگند و فاداری یاد کرده بود ، به قصد کشتن من با مسلسل بروی من آتش گشود ... »

چند ساعت پس از حادثه ، مردم از جریان آگاه می‌شوند و در عین حال که خشمگین هستند ، از اینکه شاهنشاهان سلامت از خطر چسته است شادمانند . آنان برآستی به رهبر خود متق می‌وززند .



« امروز بیش از هر زمانی ، قلب ملت به قلب من نزدیک است . « شاه در تصمیم خود برای پیشبرد انقلاب بیش از پیش راسخ می‌گردد . « عنایت خداوند بزرگ ، اتکاء ما را به راستین بودن انقلابیان ، هوش و استعداد روستائیان ما ، تلاش صمیمانه و صادقانه سپاهیان انقلاب و از همه مهمتر ، اراده ملت ، از عوامل بزرگی هستند که به ما در راه رسیدن به هدفهایمان نیرو و اطمینان می‌بخشند . »
« هدفهای انقلاب شاه و ملت روز به روز گسترده‌تر می‌شود و این جنبش بزرگ ملی تحریک بیشتری بخود می‌گیرد ... »

« ... و اینک وقت آن می‌رسد که شاه به عهدی که بیست و پنج سال پیش باخود کرده بود وفا کند ... »

... شهبانوی ۲۸ ساله ایران در برابر شاهنشاه زانو می‌زند و شاهنشاه بر سر او تاج می‌نهد .

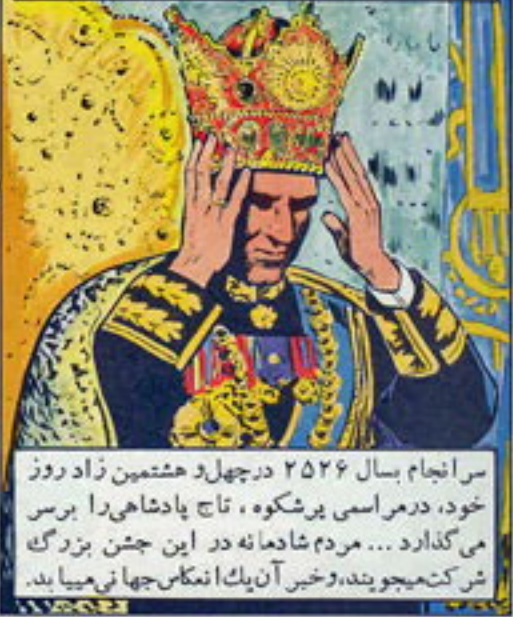


و در همین مراسم، رضا، فرزند شش ساله آنان بطور رسمی به عنوان ولیعهد ایران برگزیده می‌شود ...



... و برای نخستین بار در تاریخ این سرزمین پاستایی، شهبانوی ایران رسماً تاجگذاری می‌نماید ...

۲۵ سال پیش وقتی مکان کنشی طوفان زده روزهای بر آفتاب را بدست گرفت ، بدون مراسم تاجگذاری به تخت نشست کشور در اشغال بیگانه بود و مردم در فقر و اسارت بر مسی بودند در چنین شرایطی چگونه می‌توانستم بخود اجازه دهم که جشن تاجگذاری بیا کنم ...؟ پادشاهی بزرگ ملت فقیر لذت و افتخاری ندارد ... اما اینک آن روزهای تاریک سپری شده‌اند و نهال انقلاب به ثمر رسیده است .



سرانجام بسال ۲۵۲۶ در چهل و هشتمین زادروز خود، در مراسمی پر شکوه ، تاج پادشاهی را بر سر می‌گذارد ... مردم شادمانه در این جشن بزرگ شرکت می‌جویند، و خیر آن یک انعکاس جهانی می‌یابد.

تاج شهبانو : طرح آنرا خود شهبانو داده‌اند و توسط مزون دیود در پاریس با کمک بیست تن از بهترین جواهرسازان ایرانی با جواهرات سلطنتی تزیین کرده‌اند . لباس تاجگذاری شهبانو را مزون دیود طراحی نموده است . تخت شهبانو : در اطریش ساخته شده است .



تاج پهلوی : در سال ۲۴۸۳ برای رضا شاه بزرگ ساخته شده است . وزن آن ۴۴۴ مثقال است دارای ۳۳۸۰ قطعه الماس ۳۶۸ قطعه مروارید ، ۵ زمرد و ۲ قطعه یاقوت آبی می‌باشد . تخت قادری : دارای ۲۶،۷۲۲ قطعه زمرد و یاقوت است که در درکش طلایی آن کار گذاشته شده است . این تخت را از روی تخت طاووس که نادرشاه در قسطنطنیه از هندوستان به غنیمت آورد دربار ساز می‌نموده‌اند .

شکل شهبانو : با هشت متر درازا، از محمل سرخ درست شده و با یکصد و هشتاد و یک قطعات مختلف جواهر تزیین شده است .



کالسکه سلطنتی : کالسکه سلطنتی دروین ساخته شده و ۸۰ اسب سفید آنرا می‌کشند. مراسم باشکوه تاجگذاری در قصر گلستان ، ۴۵ دقیقه بطول می‌انجامد سپس شاهنشاه ، شهبانو ، و ولیعهد در کالسکه خود به میان مردم می‌روند .

شکل سلطنتی : شکل کشمیری که در آن پنج‌های طلا و نقره بکار رفته و حاشیه آن با مرواریدهای خلیج فارس تزیین شده است .





جشن تاجگذاری در میان شادی و سرور مردم يك هفته ادامه می‌یابد... کارناوالهای شادی برآه می‌افتند، اینجا و آنجا آتش بازی میشود، و مردم در هر گوشه به رقص و پایکوبی می‌پردازند...



این عکس خانوادگی از آن روز تاریخی است و شاهنشاه و شاهنساء و شهبانو و والااحسرت و لیمبه و والااحسرت شاهدخت فرحناز را نشان میدهد. دختر قباد است، والااحسرت شاهدخت شهناز، دختر بزرگ شاهنشاه و والااحسرت شاهدخت اشرف پهلوی خواهر دوقلوی شاهنشاه و در سمت چپ، والااحسرت شاهدخت شمس پهلوی خواهر دیگر شاهنشاه دیده می‌شوند.



این رویداد بزرگ، خاطرات شیرین رویداد مشابه دیگری را در ۴۱ سال پیش زنده میکند...





« خاطره پدرم را با آن قامت بلند و نگاه نافذ هیچگاه فراموش نمی‌کنم ... »



« همیشه و در همه‌جا پدر در شکل گرفتن شخصیت پدرش تأثیر زیادی دارد. اما فکر می‌کنم که پدر من خیلی بیش از هر پدر دیگری که روی فرزندش تأثیر می‌گذارد در من تأثیر گذاشته است. منظورم این نیست که من تصویری از پدرم هستم. نباید فراموش کنیم که پدرم شخصیتی کاملاً متفاوت از شخصیت من داشت. روش او در برخوردن با افراد قدری خشن و تند بود، معذرا همیشه بطور چشم‌گیر موفق بود. در هر صورت، از همان اوان کودکی، من تحت تأثیر او بودم و اینچنین می‌توانم بگویم کسی که او را می‌شناسد، حتی پیش از آنکه من چیزی درباره خود بگویم مرا نیز می‌شناسد... من در چهارم آبان ۱۳۲۹ در خانه کوچکی در یکی از محلات قدیم تهران بدنیا آمدم. »

چهل‌دیک سال پیش در سال ۲۴۸۵ شاهنشاه در همان سنی که اکنون پدرش به ولیعهدی برگزیده شده، خود در مراسم تاجگذاری پدرش رضا شاه کبیر به ولیعهدی ایران برگزیده می‌شود ...

« برای من، خاطره آن روزی که پدرم بعنوان شاهنشاه ایران تاجگذاری کرد و من بعنوان ولیعهد برگزیده شدم خاطره زنده و روشنی است. مراسم بسیار باشکوهی بود و طبیعی است که عظمت این مراسم در من که یک کودک شش‌ساله بیش نبودم تأثیر زیادی گذاشته بود... »



گاهی هم با همبازیهایم دوچرخه سواری و بازیابی که با دوچرخه می‌شود کرد، میکردیم...»



« من کودک قوی بنیه‌ای نبودم اما خیلی سرزنده و پرتحرک بودم. هیچوقت نمی‌توانستم آرام بگیرم. دائم در حال دویدن، پریدن، بالا رفتن از درخت، و بازیابی دیگر که بران خردسال معمولاً دوست دارند بودم. »



« تا زمانی که به ولیعهدی برگزیده شدم با مادرم و برادران و خواهرانم زندگی میکردم، اما پس از آن از آنان جدا شدم... پدرم میخواست که من با اصطلاح



خودش « تعلیم و تربیت مردانه » ببینم، و بهمین دلیل نام مرا در مدرسه نظام ثبت کرد. »



« زمان کوتاهی، پس از آنکه به ولیعهدی برگزیده شدم، بیماری لیپوئید مرا بستری کرد و هفته‌ها با مرگ‌دسته و پنجه نرم کردم. در طول این بیماری سخت بود که نخستین احساس عمیق مذهبی در من بیدار شد. شبی در خواب حضرت علی را دیدم. او روی زمین نسته بود و در دستش کله‌ای از آب داشت. به من گفتم که از آن آب بنوشم و من نوشیدم. صبح روز بعد وقتی از خواب برخاستم تبم فرو نسته بود. با آنکه فقط نزدیک به هفت سال داشتم با خود فکر کردم که بطور منطقی نمیشود گفت که حتماً پیبود من بدلیل این خواب بوده است، اما بعد خواب دیگری دیدم که برایم یقین‌شده‌اند و بزرگ بین عناوت دارد. »

« پدرم پات زن فرانسوی را بعنوان معلم سرخانه و پرستار من گماشته بود. من از این زن خواندن و نوشتن زبان فرانسه را آموختم و این زبان را به روانی فارسی فرا گرفتم. این زن همچنین چشم مرا به تمدن غرب باز کرد. پدرم مایل بود ایران را از تمدن غرب بپرهیزد سازد. بهمین دلیل پس از پایان تحصیلاتم در دبستان نظام مرا به سوئیس که از نظر سیاسی کشور بیطرفی بود فرستاد تا تحصیلاتم را در آنجا دنبال کنم...»

« وقتی بزرگتر شدم، بیشتر به اسب سواری و شکار علاقمند شدم. گاهی هم به بازی فوتبال و یا بکس می‌پرداختم. مری بکس من عینک پستی میزد.



پادم هست یکبار موقع تمرین، ضربه من باعث شد که عینک او به زمین بیفتد. عینکش را برداشتم و به او دادم و او وقتی دوباره عینکش را روی بینی‌اش جای داد به تمرین ادامه داد. »

« دورانی که در سوئیس بسر بردم یکی از مهمترین دوره های زندگیم بشمار می رود . محیط دموکراتیک غرب مانند لائیریکه بهم در من پالی گذاشته بود عمیق و گسترده بود . در این دوران ، رشد بدنی من به نحوی



سریع بود که موجب تعجب من و اطرافیانم گردیده بود . در برخی رشته های ورزشی بگرفتن جایزه هایی کمال شدم و در فوتبال به مقام کاپیتانی تیم دبیرستان خود رسیدم . »

« سرانجام در بهار ۱۳۴۵ دیپلم خود را دریافت کردم و زمان بازگشتم به میهن فرا رسید . »



« خانواده من در تهران انتظار بازگشت فرزندی را می کشید که آنگاه تغییر کرده بود که حتی پدرش مشکل می توانست او را بشناسد ... »



« از برخی لحاظ زندگی من در سوئیس با زندگی همکلاسیبایم تفاوت داشت . من آزادی کثرتی داشتم . فکرمیکنم این روش درستی نیست ، و اینکه که به لقب خداوند فرزندان دارم ، آنان را اینچنین محدود نخواهم کرد . »

« از نظر اجتماعی نیز سرعت رشد میبردم . همکلاسیبهای من روی من از نظر شخصیت خودم قضاوت میکردند و نه از روی اینکه من ولیعهد کنوری هستم ، و این امر مرا خشنود میساخت . در این دوران بود که کم کم شروع به اندیشیدن به آنچه کردم و اینکه زمانی پادشاه شوم چه سیاست و روش را در پیش بگیرم . »



« چه در ورزش ، چه در درس ، و چه در دوستی ، همیشه دو عامل : انضاط و دموکراسی یا آزادی را لازم و معلوم یکدیگر میدانستم ، و اینچنین آموختم که انضاط بدون دموکراسی منجر به دیکتاتوری و دموکراسی بدون انضاط منجر به هرج و مرج می شود . »



« در بهار ۱۳۴۸ دانشکده افسری را با درجه ستوان دومی بنیان رسانیدم و بلافاصله خدمت خود را بعنوان بازرسی ارتش شاهنشاهی آغاز کردم . »



« پدرم می خواست من به ایران برگردم تا دوره دانشکده افسری را بگذرانم و توداو بارهوز مملکت داری آشنا شوم . »

« هر روز پیدمان مشق میرفتم تا سربازان را در آموزش و تمرین نظامی مشاهده و راهنمایی کنم... علاقه زیادی به ارتش داشتم و با دیگر افسران کوشش میکردیم ارتش نوینی مانند ارتش کشورهای پیشرفته بوجود آوریم . »



« علاوه بر وظایف نظامی خود، تود پدرم نیز آموزش می دادم . از این دوران خاطره جالبی دارم . »



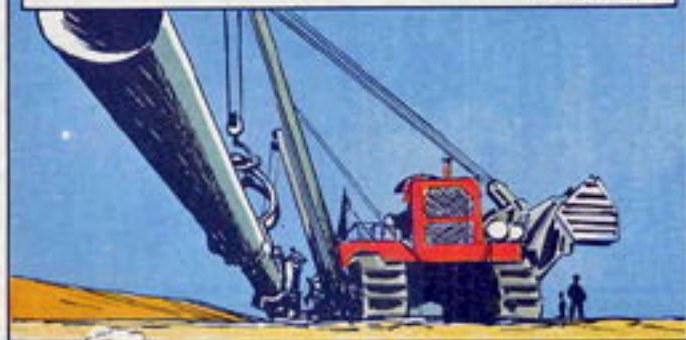
« روزی او بمن گفت که می خواهد در سیستم اداری دولت ترکیبی بدهد که پس از درگذشت او ، خود بخود بتواند ایفای محوله عمل کنند و نیاز به سرپرستی دائم نداشته باشند . »

« بسبب جوانی و بی تجربگی ، گفتم او را اهانتی بخود فرستادم و اینطور نتیجه گرفتم که او بمن اعتقاد ندارد و فکر می کند که پس از او نمی توانم مسئولیتها را بعهده بگیرم . مدتی بعد که او استعفا کرد و بلافاصله بی نظمی و آشوب همه جا را گرفت ، فهمیدم که چقدر اشتباه می کردم و او چقدر بسا پیش بینی صحیح ، حق داشت که آشوب خواهد ... »



« کودکی که حدود نیم قرن پیش به ولیمهدی برگزیده شد و در سن بیست و یک سالگی بر تخت پادشاهی نشست ، بیست و شش سال سپهر کرد تا نافع شاهنشاهی را بر سر بگذارد... و اینکه با او به بصیرت به آینده های دور می نگرد . »
« دیر بازود ، من نیز از دنیا خواهم رفت ، اما ایران پرچمی خواهد ماند ، بنابراین وظیفه دارم در دورانی که زنده هستم ترکیبی بنهمم که پس از من ، این سرزمین پررشد و مزدهمان آزادش در امنیت و آرامش و خوشبختی بسر روند . »
« ایران سال ۱۳۵۶ در آستانه یات تحول بزرگ اقتصادی است و چندگامی بیشتر با دوران شکوفایی فاصله ندارد ... »

در برابر هزینه یک میلیارد دلاری ایجاد کارخانه، اکتشافهای نفت در جنوب ایران به خاک شوری ۱۱۰۴ کیلومتر لوله کشی می‌شود که گاز ایران را به شوری می‌برد. این لوله‌کشی، شهرهای سر راه خود را نیز از نظر گاز تأمین می‌نماید.



در همان سال تاجگذاری، کشور نیز نخستین بار از کمکهای خارجی بی‌نیاز می‌شود. اصلاحات ارتشی و اصول دیگر انقلاب شاه و ملت، حقوق مردم را به آنان آماده داده و کشور را نیز از لحاظ اقتصادی سرسامان بخشیده است. نمونه‌ای از پیشرفت‌ها، کارخانه ملی ذوب آهن آرمهر است. این کارخانه در روسها که زمانی دشمن و اینک دوست هستند ساخته‌اند.

دوازده ماهی که پندم برای نخستین بار به فکر ایجاد کارخانه ذوب آهن افتاد تا زمانی که این فکر عملی شد، ما نزدیک بیست سال صبر کردیم. سرانجام در ۲۵۴۴ قرارداد ایجاد کارخانه ذوب آهن را با روسیه شوروی امضاء نمودیم و یکی از رزق‌بهای بزرگ ملت ایران صورت واقعیت بخود گرفت.



حکام افتتاح کارخانه، نخست وزیر شوروی «الکسی کوسین» در مراسم حضور پیدا می‌کنند و بتوان یادبود هدیه‌ای به او داده می‌شود.



وقتی پروژه تأمین گاز شهرهای سر راه لوله‌کشی پایان می‌رسد، صدر هیئت‌دبیره شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، «نیکولای پادگورنی» به ایران می‌آید و در مراسم شروع بهره‌برداری شرکت می‌جوید.

تا همین اواخر، ایران تنها یک کشور کشاورزی انگاشته می‌شد و به لزوم صنعتی شدن آن توجهی نداشت، اما اینک ما بر آن هستیم که نهایت استعداد صنعتی شدن این کشور را شکوفاسازیم.



زمان کوتاهی پس از تاجگذاری، به فرمان شاهنشاه یک برنامه عمرانی ملی تدوین شده می‌شود. این چهارمین برنامه عمرانی کشور است. بودجه این برنامه از مجموع بودجه‌های سه برنامه قبلی نیز بیشتر است.

ایران بزرگترین تصفیه‌خانه دنیا را در آبادان دارد. صدسایا چاه نفت سفجات جنوب ایران را می‌پوشاند. سکوهای حفاری نفت نفت، صنعت چندین میلیون دلاری بزرگترین فرمینال نفتی دنیا نفت دنیا سه آن دوخته شده نفت در دنیا است. ۸۰٪ درآمد می‌رسد.

سرچشمه اصلی اجرای این برنامه‌های عمرانی، نفت است. با پول نفت است که ما کشور خود را باز سازی می‌کنیم و کشاورزی و صنعت را گسترش می‌دهیم.



ایران در آستانه یک جهش بزرگ اقتصادی است. اما دنیای غربی شرکت‌های بزرگ نفتی قسمت عمده منافع را بشود تشخیص داده‌اند.

و شما کالاها را از ما به قیمت‌های هرچه پایین‌تر می‌خرید و کالاهای خود را به قیمت‌های هرچه بالاتر به ما می‌فروشید. ما هر روز لاغرتر و شما هر روز چاق‌تر می‌شوید. تردیدی نیست که یک روز خواهید ترکید.

برای شاهنشاه این وضعیت غیر قابل تحمل است و از طرفی در افتادن با آن مشکل‌مینماید. اما شاهنشاه ایران را هیچ چیزی از تأمین حقوق مسلم کشورش باز نمی‌دارد...

شاهنشاه می‌داند که تنها راه برنده شدن، ایستادگی است.

« ما مصمم هستیم از درآمد نفت خود، برای پیشرفت کشورمان، بطور کامل استفاده کنیم. برای حفظ منافع کشور از این نظر، از هیچ اقدامی فروگذار نخواهیم کرد. من ترجیح می‌دهم از راه گفتگو و تفاهم با شرکتهای نفتی، باین هدف برسیم، اما اگر تاجار بشویم، قانون لازم را برای تأمین حقوق مسلم کشور از مجلسین خواهیم گذراند. »



درآمد نفتی ایران از سال ۲۴۸۹ : ۲۴۸۹ میلیون دلار

در ۲۵ بهمن ۲۵۲۹ ایران، و پنج کشور دیگر تولیدکننده نفت در خلیج فارس، مذاکرات خود را با شرکتهای نفتی غرب، در تهران آغاز می‌کنند.

« مسا برای هر تنگه نفت خود یک دلار دریافت می‌کنیم. مصرف کننده برای هر بشکه نفت خام ۱۲ تا ۱۴ دلار می‌پردازد. در کشورهای مصرف کننده از این ۱۴ دلار پنج دلار آن مالیات گرفته میشود. هشت دلار باقیمانده به جیب چه کسانی می‌رود... آنچه ما می‌خواهیم کاملاً عادلانه است. ما حق ملت ایران را میخواهیم، واستوار بر جای خود می‌ایستیم. »



شاهنشاه ایران، رهبر این مساعزه است. مذاکرات طولانی است. اما ایران و کشورهای تولیدکننده در این مبارزه پیروزی می‌شوند. بر اساس یک توافق قبلی، شاهنشاه پیروزی بزرگ دیگری نیز بدست آورده‌اند. این پیروزی حق فروش یک قسمت از نفت تولیدی ایران در بازار آزاد است. این قسمت از نفت تولیدی را ایران به اروپای شرقی می‌فروشد. شاهنشاه می‌گویند: « در دنیای تقسیم بندی شده امروز بهتر است انسان تعادل را مراعات کند. این عادلانه نیست که انسان تمام تقیه مرغیایش را در یک سبد بگذارد. »

۲۴۲۰ ۱۰۹ میلیارد دلار	۲۴۲۹ ۱۰۱ میلیارد دلار	۲۴۲۷ ۸۱۷ میلیون دلار	۲۴۲۲ ۲۹۸ میلیون دلار	۲۴۰۴ ۲۰ میلیون دلار	۲۴۸۹ ۲۰ میلیون دلار
-----------------------------	-----------------------------	----------------------------	----------------------------	---------------------------	---------------------------



چکسلواکی نیز در تبریز یک کارخانه پنجاه میلیون دلاری ماشین سازی بنا می‌نهد. در ادراک شوروی یک کارخانه هشتاد میلیون دلاری ماشین ایجاد مینماید. تعداد دیگری مساملات مشابه با کشورهای دیگر نیز انجام می‌گیرد.



کشورهای اروپای شرقی نیز در مقابل، کمک‌هایی به ایران می‌نمایند. روحانی یک کارخانه تراکتور سازی در تبریز ایجاد میکنند.



شاهنشاه شخصاً در مراسم گشایش بسیاری از کارخانه‌ها شرکت می‌جویند و از جمله کارخانه‌های موتور دیزل ایران.



با کمک کشورهای غربی و ژاپن کارخانه تلویزیون سازی ایجاد میشود.



مرکز تزل اقتصاد نوین ایران صنعت است. « برنامه‌ای که برای آینده ملت ایران در نظر داریم برنامه صنعتی کردن کشور است. »

اما صنعت فقط یک جنبه از اقتصاد است ...



دردال تاجگذاری، ایران نخستین اتومبیل فیه ساخت خود را به بازار فرستاد. پیش از تمام شدن برنامه عمرانی چهارم، بیش از بیست مرکز بزرگ، مجهز موتور و ساخت اتومبیل بوجود می‌آید. بسیاری از اتومبیل‌های ساخت ایران بکشورهای همسایه و حتی اروپا صادر می‌گردد. صدور اتومبیل‌های ساخت ایران میزان صادرات غیرنفتی را بهمرز چهارصد میلیون دلار می‌رساند. یک سوم از این میزان، صادرات معنوعات داخلی و مواد معدنی است. از نظر واردات، ایران یک بازار شش میلیارد دلاری برای هفتاد کشوری که بی آن روابط بازرگانی دارد می‌شود.

شاهنشاه تصمیم می‌گیرند که به مالکیت صنعتی حالت گسترش بدهند و از اینرو فرمان می‌دهند تا سهام کارخانه‌ها به مردم فروخته شود و در این فروش بکارگران اولویت داده شود. همچنین سهم کارگران از سود کارخانه‌ها که سالانه معادل پانزده روز آنان بود به میزان شصت روز از حقوق آنان افزایش مییابد. یک طرح نوین برای بیمه کارگران بوجود می‌آید و سندیکاهای مقررات تازه به رفاه کارگران می‌افزایند.

انقلاب شاه و ملت کشاورزی را از قیومیه فووالیم
آزاد ساخت و اینک آباد تازه‌ای بخود می‌گرفت.

« وقتی که اصلاحات ارضی را آغاز کردیم، بیشتر مردم نمیتوانستند
باور - و حتی تصور کنند که در چنین زمان کوتاهی جامعه روستایی
ایران بتواند اینگونه پیشرفت کند و جان تازه‌ای بگیرد. »
« مزارع کشور باید به بخش‌های حاصلخیز جداگانه
تقسیم شود. کشاورزی باید با وسائل ماشینی صورت

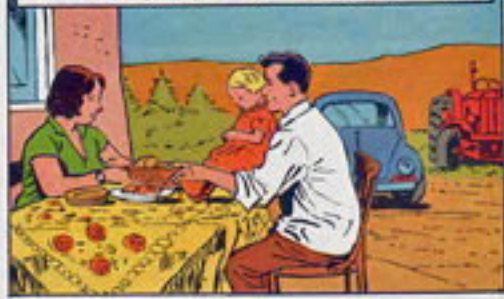
گیرد. دهکده‌ها باید از
طریق شرکتی تعاونی
کشاورزی با یکدیگر هم-
بستگی پیدا کنند. »
دامهای آسان و میلیونها
ریال کمکهای دولت،
موجب رونق بی‌سابقه‌ای در
امر کشت و زرع می‌شود. اما
هدفهای عالی‌تری باز در
پیش است.



« در چند سال آبی در آمد دهقان ایرانی بر ابر در آمد کارگر
شهری و در برخی موارد حتی از آنهم بیشتر خواهد شد. »

فرشهای ایرانی هنوز شهرت جهانی دارند
و صادرات فرش سالانه بالغ بر صد
میلیون دلار می‌باشد.

گامهای مؤثری برای
جسوکسری از
آلودگی دریای خزر
و گسترش بیشتر
تولید خاموش و
افزایش ماهیگیری
در خلیج فارس
برداشته می‌شود.

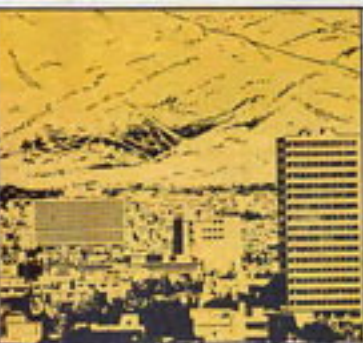


قطر در طول برنامه چهارم، پانزده هزار بست
بیمارستانی جدید ایجاد می‌شود. شاهنشاه
شخصاً از مراکز درمانی کشور بازدید می‌کند...

به معنای عمیق و معرکز آموزش
نیز توجه خاص می‌شود.
« آموزش و پرورش در
این سرزمین باید در همین
حاله اهمیت باستانی
خود را باز می‌یابد.
هماهنگی با پیشرفته-
ترین اصول دنیای
امروز نیز داشته باشد. »



تحولات عمیق و گسترده در کشور، به تهران چهره
نوینی می‌دهد. طرحهای نو سازی، ایجاد واحدهای
جدید ساختمانی و هتل‌های عظیم بنا می‌شود.
تهران مرکز کنفرانسهای بین‌المللی میگردد و اینچنین
مرکز توجه دنیا می‌شود.



یادگایستگاه فضایی مجهز، تهران را با نقاط حساس جهان مرتبط می‌سازد. شبکه
گسترده مخابراتی، بین ۵۸ کشور ارتباط تلفنی برقرار میکند. جاده‌ها
و خطوط آهن جدید، سفر
جهانگردان اروپایی را به
آسهای جنوب شرقی آسان
میسازد. هواپیمائی ملی
ایران با هواپیمای جت و
جامبو جت به بیشتر نقاط دنیا
پرداز می‌کنند. مذاکراتی
بسیاری خرید هواپیمای
ما فوق صوت صورت می‌گیرد.



در پیشبرد این تحولات، شاهنشاه ایران فلسفه‌ای بخرده داده دارد.
« ملت ایران باید حاکم بر سر نوشت خود باشد. تولید ثروت زیاد
سودی ندارد مگر آنکه بر اصول دیکراسی بین همه مردم. برابر
تلاش آنان، توزیع شود تا سطح زندگیشان بالا برود و در عین حال
اصول عالی انسانی و اخلاقی را در آنان تکمیل نماید. »

در محافل و مطبوعات جهان ، به ایران بعنوان « زاین آسیای غربی » اشاره می کنند . دومین نمایشگاه بازرگانی آسیایی در تهران ، بیرونی تازه صنعتی ایران را بهتر دنیا می شناساند .



و ما اینک تکمیل انقلاب بزرگ خود را در هر که کشورهای در حال توسعه بیرون آمده و در شمار کشورهای توسعه یافته هستیم . بزودی این کشور یکی از نیرومندترین و ثروتمندترین کشورهای جهان خواهد شد . آنگاه بر ما خواهد بود که کشورهای دیگر را در راه توسعه و تعالی یاری کنیم .

شاهنشاه غشوند است . و توفیق بزرگ ما این است که در مدت بسیار کمی به این همه پیشرفت دست یافته ایم ، ۵ سال دیگر خواهید دید که این کشور به چه پروزی های بزرگ دیگری دست میابد ، و میتوانید موقعیت جهانی ایران را در ۲۰ سال دیگر تصور کنید ، من حتی میخواهم بگویم که ، در پایان برنامه ششم عمرانی ما به دروازه های لندن بزرگ خواهیم رسید .



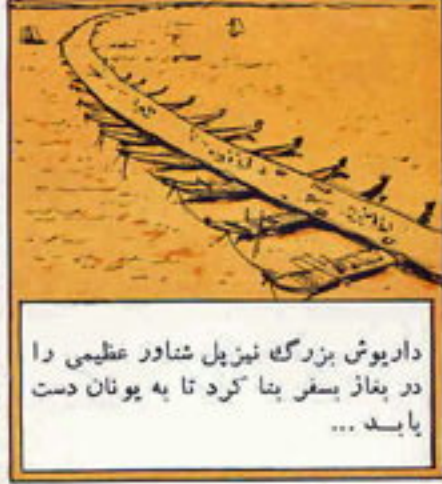
ایران جنگهای بی شماری پیروز شده است ، و با زحمات آن دارد که با جنگهای دیگری دوبرو شود . و تا زمانی که یک خلع سلاح جهانی زیر سر یک کنترل نیرومند خارجی صورت عمل بخود نگرفته است ، ما حتی برای یک دقیقه هم نمیتوانیم از پیش بینی های دفاعی خود غافل باشیم .



ایرانیان زمانی استادان بزرگ جنگ و اسلحه جنگی بودند ، دوهزار و پانصد سال پیش کوروش بزرگ شاهنشاه ایران از ارباب های که امروزه شکل پیشرفته آن را در رهپوشی مینامند استفاده میکرد ، این ارباب ها سنگین را کاورهای فریب دهنده می کشیدند ، خشا پادشاه و در جنگ با یونانیان در ترموپیل ، یک نیروی دریایی مرکب از چهل هزار کشتی جنگی و بیش از ۵۰ هزار سرباز زیر فرمان خود داشت . و از ایران به یونان یک میلیون و پانصد هزار سرباز پیاده و هشتاد هزار سرباز سوار را رهبری کرد . سربازانی نیز در بین راه به او پیوستند و زمانی که به دروازه های یونان رسید دو دینم میلیون مرد جنگی با خود داشت .



و ما در درجه اول باید روی نیروی خودمان حساب کنیم ، بعد روی کمک دوستان خود ، زیرا دوستان ما ممکن است در موقعی که به آنها احتیاج داریم به یاری ما نیایند .



داریوش بزرگ نیز پیل شناور عظیمی را در بغاز بسفر پنا کرد تا به یونان دست یابد ...

انگلستان نیروهای خود را از شرق سوز فرا خوانده است. بیم آن است که پاکستان بدهن انگلیس، آشوب و هرج و مرج در جنوب خلیج فارس بوجود آید. در تنگه هرمز، ایران در اندیشه بازپس گرفتن سه جزیره مهم استراتژیکی است که برای زمانی دراز در تصرف انگلیس بوده است. دموورد بحرین، شاهنشاه موافقت خود را با یک فرمانده که زیر نظر سازمان ملل متحد انجام شود، اعلام میدارد. مردم بحرین به استقلال خود رای میدهند و شاهنشاه ایران رای آنان را میپذیرد.

دموورده جزیره غیر مسکونی و امامهم از نظر استراتژیکی در دهانه هرمز، یعنی جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و تنب کوچک، شی که نیروهای انگلیس این جزایر را ترک میگویند، نیرو- های ارتش شاهنشاهی ایران هر سه جزیره را بازپس میگیرند.



پیش ازیمی از نفت موود نیاز از طریق تنگه هرمز حمل می شود و در هر دقیقه تعداد زیادی نفتکش و کشتی های دیگر از این تنگه عبور می نمایند.

د تنگه هرمز بمنزله دروازه خلیج فارس و دارای ارزش حیاتی برای ما است. از اینرو ما مصمم هستیم تا آن را از هر نیرویی که دشمن ایران باشد پاک نگاهداریم. در این متعلقه ما نه تنها مسئولیتهای ملی و منطقه ای خود را بعهده داریم، بلکه مسئولیت پاسداری از ۷۶٪ ذخایر نفت دنیا نیز بعهده ما است.

خلیج فارس و اقیانوس هند سالیان دراز صحنه رقابت قدرتهای بزرگ بوده اند. شاهنشاه به قدرتهای بزرگ اعطای می کنند که این منطقه را ترک و پیش نهاد می نمایند که خاورمیانه و کشورهای منطقه اقیانوس هند، مناطق غیر اتنی اعلام شوند.



در عین حال، برای دفاع از کشور، شاهنشاه نیروی دریائی ایران را در خلیج فارس تقویت نموده و تا آبهای اقیانوس هند گسترش میدهند. شاهنشاه خود خلبان بسیار ماهر و مطلعی هستند و زیر نظارت مستقیم خود یکی از بهترین و مجهزترین نیروهای هوائی دنیا را بوجود می آورند ...

شاهنشاه می خواهند ایران در آینده نزدیکی یکی از پنج قدرت غیر اتنی بزرگ دنیا گردد و می فرمایند،



«نیرومند بودن ما برای اینست که بتوانیم عاقلانه رفتار کنیم. عاقل بودن ما، بمعنای آنست که بصورت و شکایت باشیم... ولی هرگز اجازه نخواهیم داد منجاری سوء استفاده کند و نیت انسانی ما را بیازی بگیرد.»



«اگر چه در دو جنگ جهانی نیروهای بیگانه این سرزمین را اشغال کردند ولی با در نظر گرفتن مسئولتهائی که دارم و سؤگندی که برای حفظ و حراست این مرز و بوم یاد کرده ام میتوانم که این تجربه تلخ دیگر هرگز تکرار نخواهد شد. و اگر روزی بیگانه ای به این کشور راه یابد، با پداز روی اجساد بی جان ما و پیراه های سرزمین ما بگذرد ...»



مانند پدر خود به سربازان خود علاقه ای صمیمانه می ورزد و به آنان وزندگی خانوادگی آنان رسیدگی می گیری می نمایند.

«تنها هدف من ثروتی و تعالی هر چه بیشتر میبندم است و تنها آرزویم اینست که استقلال این سرزمین بزرگم را حفظ کنم و ملت را با تمدنترین جوامع دنیا برابر نمایم. برای دست یافتن به این هدف مقدس، از هیچ چیزی، و حتی از فدا کردن جان خود دریغ ندارم، همچنانکه در گذشته نیز هرگز دریغ نداشته ام.»

برای نخستین بار آشکارا دیده می شود که ایران کم کم جلال و عظمتی را که دو هزار و پانصد سال پیش در اوج شکوفائی امپراطوری خود داشت بدست می آورد. این پدیده فرود انگیزی است که شایسته برگزاری جشنی بزرگ و شکوهمند است ...

از دانمارک، فردریک شاه و ملکه اینگرید .



در این جشن بزرگ سران بسیاری از کشورهای جهان و پسا نمایندگان آنان میهمان شاهنشاه ایران هستند. از یوگسلاوی، پرنسیت تیتو و دیا نو.



ایران نو ، شکوفائی عظیم باستانی خود را جشن می گیرد . در آغاز دوازده و پانصدمین سال بنیادگذاری شاهنشاهی ایران، شاهنشاه در برابر آرامگاه کوروش بزرگ، بنیانگذار امپراطوری ایران می ایستد و به او خطاب می کند :

دکورش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه هخامنشی، شاه ایران زمین، از جانب من، شاهنشاه ایران و از جانب ملت من، بر تو درود باد. اکنون ما در اینجا گرد آمده ایم تا با سر بلندی به تو بگوئیم که : پس از گذشت ۲۵ قرن ، امروز نیز مانند روزگار تو نام ایران در سراسر گیتی با احترام و ستایش بسیار درآمخته است. امروز نیز



همانند کسرتو ، ایران در صحنه پر آشوب جهان پیام آور آزادی و بشر دوستی و پاسدار والایترین آرمانهای انسانی است . کوروش ، ما امروز در برابر آرامگاه ابدی تو گرد آمده ایم تا به تو بگوئیم ، آسوده بخواب زیرا که ما بیداریم و برای نگاهبانی میراث پرافتخار تو همواره بیدار خواهیم بود ...

از انگلستان ، پرنس فیلیپ و پرنسس آن .



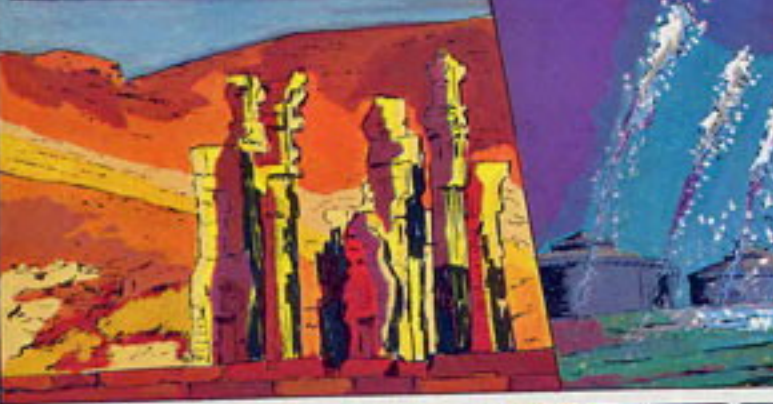
از فیلیپین ، مادام ماداکوس .



از آسیای نیا، پرنس خوان کارلوس و پرنسس سوفی .



همچنین ، امپراطور هاپل سلاوی از اقیانوس، پرنسیت شاه کوروش از اتحاد جماهیر شوروی، پرنسیت چائوشسکو از رومانی، پرنسیت سوهارتو از اندونزی، پرنسیت و . و . جیری از هند، کستانتین پادشاه یونان، ژاک شاپان نخست وزیر فرانسه موشوش پادشاه لسوتو ، و بسیاری دیگر از شخصیتهای دنیا در میان میهمانان عالیقدر ایران دیده میشوند .



همه آنان ارجمنده در نخت جمشید، پایتخت شاهان هخامنشی گرد می آیند . در کنار ویرانه های ۲۵۰۰ ساله ، شهر مدرن خیمه ها مجهز به مدرن ترین وسائل زندگی برای اقامت آنان آماده شده است.



همه چیز فراهم است و اینک، زمان برگزاری رژه شکوهمند سر بازان فرا می رسد ...



شاهنشاه و شهبانو برای آخرین بار بازدید می فرمایند .



میهمانان شاهنشاه در جایگاههای خود مستقر گردیده اند ، و از برابریان آنان سر بازان هر دوره ای از تاریخ ایران ، ازدوران هخامنشی تا عصر حاضر رژه می روند ... تاریخ در برابر چشمان آنان جان میگیرد ...



پیشاپیش همه، سر بازان کوروش، کمبوجیه (کامبیز)، داریوش، و خشایارشا ، بنیانگذاران بزرگترین امپراتری کهن دنیا، رژه می روند . اینان سواران اشکانی هستند که بارها « لژیون های » امپراطوری روم را درهم شکستند ... اینان سر بازان شجاع ساسانی هستند که امپراطوری شکوهندی را بنیان نهادند... و اینان سر بازان صفویه هستند... در دوران صفویان، رنسانس بزرگی در ایران پدید آمد و تمدنی بزرگ شکوفا شد... در پایان، ۶۰۰ تن از سر بازان گارد جاویدان شاهنشاهی با شکوهی خیره کننده رژه می روند ... اینان نمونه ای از تنگهبانان عظمت بازمانده این سرزمین بزرگ هستند... برای برگزاری این جشن بزرگ ده سال کوشش شده است ، و اینک حاصل آن چشم جهانیان را خیره کرده است... در سراسر دنیا مردم در پای تلویزیونهای خود این مراسم شکوهمند را تماشا می کنند .



غرور و افتخار در چشمان همراهی موج میزند... این يك خاطره فراموش نشدنی است. در بزرگداشت این خاطره ۴۰۰۰ مدرسه و در نما نگاه و در نقاط مختلف کشور بنا میشود.



میهمانان شاهنشاه در بزرگترین میهمانی قرن بطرز شایانی پذیرائی می شوند ...



ملت ایران سپاسگزار از شاهنشاه خود، بنیانی عظیم و زیبا بنام او بنا می نهند و آنرا « شهید آریامهر » نام می گذارد . این بنا یکی از شاهکارهای بزرگ معماری دنیا است .



چون لای ، نخست وزیر چین بگرمی از شهبانوی ایران استقبال می کند ...



اینچنین ایران جای خود را در جهان بازر می کند و دنیا را از تحولات بزرگ خود آگاهتر میسازد ... افکار انسانی هاخشاها از مرزهای ایران فراتر می رود . ما باید ازحد همزیستی مسالمت آمیز فراتر برویم و به مرزهای همکاری و تفاهم بین المللی برسیم . این همکاری و تفاهم باید صرف نظر از هرگونه تفاوتی که در سیستم های سیاسی واجتماعی و اقتصادی بین کشور های گوناگون وجود دارد صورت پذیرد ، زیرا بدون چنین همکاری و تفاهمی هرگز نخواهیم توانست هیولای بیسوادی ، گرسنگی وبیماری را نابود کنیم .



شاهنشاه در این همکاری و تفاهم پیشگام می شوند... و اقدامات ایشان سرمنشعبی برای بسیاری دیگر می شود . برای ایجاد چنین تفاهمی است که شهبانوی ایران به کشور چین سفر میکنند ... ایران نخستین و پابرجا ترین پشتیبان ورود چین به سازمان ملل متحد بوده است . با سفر شهبانوی ایران به چین رشته های دوستی و همکاری بین دو کشور استحکام بیشتری می یابد . در این سفر مردم چین در گروه های بزرگ برای شهبانوی ایران ابراز احساسات می نمایند .

陛下王后陛下！热烈欢迎！



این سفر سر آغاز تلاشی است برای آنکه چین یا پشتیبانی دوستان خود که در پیشاپیش آنان ایران فرادارد ، حقوق بین المللی خود را بطور کامل بازبست آورد و به سازمان

ملل متحد راه یابد... این سفر همچنین سر آغاز گسترش روابط ایران با کشورهای کمونیستی است و نمونه ای است از صلب بودن این فلسفه شاهنشاه که سرفطر از مرامهای سیاسی ، کشورهای جهان میتواند روابط گسترده اقتصادی و فرهنگی ر اجتماعی داشته باشد ...

شاهنشاه همچنین با کرملین در مورد امنیت آسیا ولزوم عدم مداخله قدرتهای بزرگ در امور خلیج فارس ، به توافق می رسند .



ایران با آلبانی ، آلمان شرقی ، کره شمالی ، و ویتنام شمالی نیز روابط سیاسی برقرار می سازد . شاهنشاه بطور رسمی به کشور شوروی سفر می نمایند . این سفر دارای اهمیت بسیار است . از آغاز ایجاد ذوب آهن در ایسرا ، مبادلات بازرگانی ایسرا و شوروی پنج برابر شده است .



ایران سپس با مغولستان فرادادهای اقتصادی امضاء می کند ، و « سه دن پال » ، نخست وزیر جمهوری منولستان به ایران سفر می نماید ...

در طول این بازدید ، شاهنشاه بعنوان یادبود یک درخت انگور در یکی از باغهای کشاورزی ساحل دریای سیاه می کارند... این درخت ، باز سیبول



دیگری از دوستی و تفاهم بین دو کشور است . شاهنشاه میگویند ، دیرکت روح دوستی و تفاهم بین دو کشور ، امروز مرزهای ما با شوروی مرزهای دوستی نام دارد ... سیاست ایران در مورد دیگر همسایگان و دنیای غرب نیز همینگونه تفاهم آمیز است ...

مقامات شوروی از شاهنشاه ایران برای بازدید از مراکز فعالیتهای فنیائی شوروی دعوت می کنند .



شاهنشاه یکی از سفینه های مخصوص فضاوردان را بازدید مینمایند ...

مذاکرات با «ویلی برانت» صدراعظم آلمان بر پایه سرمایه گذاریهای هرچه بیشتر آلمان در صنایع ایران است .



آلمانیها از مدتی قبل اقدام به تأسیس چند کارخانه ذوب آهن گازی در جنوب ایران کرده اند .

شاهنشاه با «ژوزف پمپتو» رئیس جمهور فرانسه ، خطوط همکاری بیشتر اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور را ترسیم می نمایند .



بار دیگر پس از جنگ جهانی دوم ، زبان فرانسه در مدارس ایران تقویت می شود .

پرزیدنت نیکسون از آمریکا به ایران سفر می نماید . او تازه از کنفرانس سران بزرگ دمسکو بازگشته . اینک پنج سال از آخرین یاری که ایران از آمریکا کمک مالی گرفت گذشته است . در ملاقاتهایی که در این سفر صورت میگیرد بیشتر مسئله تبادل موازنه قدرتها در دنیا مطرح است .



در ادامه این سیاست، ایران به بسیاری از کشورها کمک می نماید. حفظ صلح جهانی یکی از هدفهای بزرگ ایران است. از این جهت ، با اعزام گروههایی، نیروهای حافظ صلح در ویتنام را تقویت میکند. اینک ، برای پیشبرد هدفهای خود، ایران باید اختلاف خود در شرکتها را فکری را حل نماید. هرچند که در سالهای اخیر امتیازات زیادی از این شرکتها گرفته است ، اما هدف نهایی احقاق حقوق کامل نفتی است. ایران نمی تواند بر اساس قرارداد ۲۵۱۳ متکی باشد، زیرا ذخایر نفتی نزدیک به تمام شدن است و باید هرچه زودتر گامهایی را بردارد...

شاهنشاه ایران این قول خود را که دوزی پنبه اقتصادی کشور را به مرحله ای برساند که بکشورهای دیگر نیز کمک کند فراموش نمی نماید. ایران سالانه ۶۰ میلیون دلار به کشورهای نیازمند کمک مالی میکند . جامعه بشری به دو بخش کاملاً متمایز از هم تقسیم شده است . بخش پیشرفته و عقب مانده ، بخش ثروتمند و بخش فقیر . فاصله بین این دو بخش هر زمان افزایش می یابد زیرا کشورهای ثروتمند روز بروز ثروتمندتر و کشورهای فقیر روز بروز فقیرتر می شوند. ادامه این وضعیت که منطقی است و نه عادلانه .

ملاقات گرم رهبران ایران و مصر نشانه دوستی روز افزون دو کشور است...



شاهنشاه و پرزیدنت سادات هر دو در آستانه گرفتن تصمیمات مهمی هستند .

پس از جنگ پاکستان و هند، شاه به بو توافقیان می دهد که به حاکمیت آن کشور علاقه مند هستند. اما این امنیتان بخشی ، بهیچ وجه روح دشمنی یا خند را ندارد .



ملت ایران برای سیاستگذاری از رهبر بزرگ خود اجتماع بسیار عظیمی تشکیل می دهد و آنان که عمیق تر به مسائل نگاه میکنند میدانند که این بیروزی بزرگ



سر آغاز بیرونیهای بزرگتری است ... تملاتی و مبارزه ادامه خواهد یافت تا نظم نویسی جایگزین نظم کهنه گردد ...

زمان کوتاهی بعد، شاهنشاه لایحه قانونی توافق جدید نفتی را امضاء مینمایند .



این بیروزی بزرگ در واقع اوج مبارزه ای بود که از همان زمان کشف نفت در ایران آغاز شده بود. این مبارزه را ابتدا رضاشاه کبیر در ۱۳۹۲ آغاز کرد و سپس شاهنشاه پیکار در ۲۵۱۰ با ملی کردن نفت و سپس بطور مؤثر با بازگرداندن حقوق کامل نفتی ایران به انجام رسانیدند. بیروزی بزرگ ایران پارتایی جهانی داد ، و کشورهای تولید کننده نفت یکی پس از دیگری اقدام ایران را سرمستی خود قرار میدهند . دوران استبداد کمپانیهای نفتی بی پایان میرسد.

مذاکرات با شرکتها ی نفتی آغاز می شود . و پیش از یکسال سیری می گردد. سرانجام لحظه بزرگ فرا می رسد . شاهنشاه در دهمین سالگرد انقلاب شاه و ملت التیما توم قاطع و سرخی به شرکتها ی نفتی می دهد .

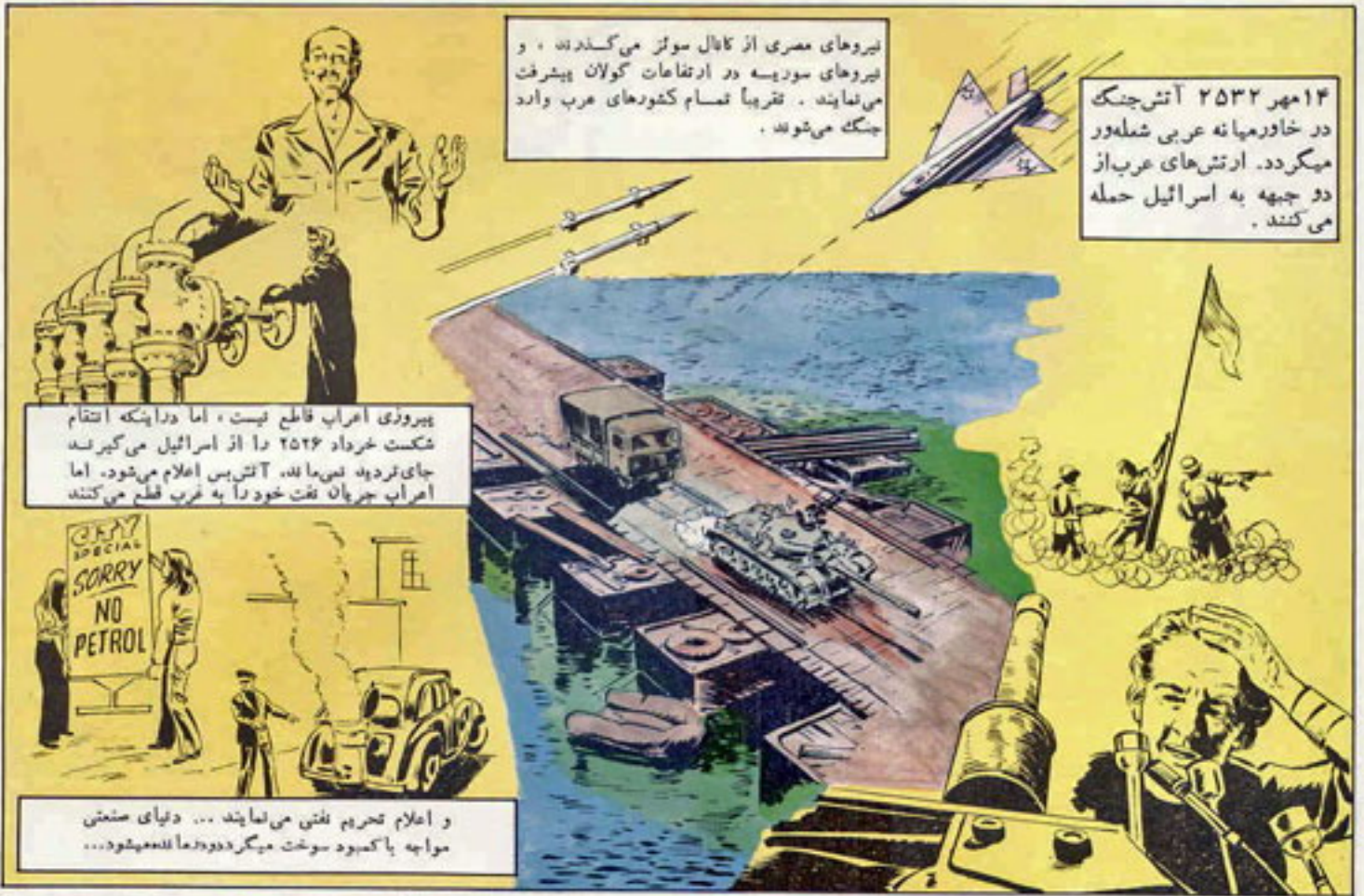
اینک در برابر شما دوره بیشتر وجود ندارد. یا باید تولید و قیمت نفت را تا پایان قرارداد در سال ۲۵۳۸ افزایش دهید، یا اینکه از هم اکنون کنترل کامل صنعت نفت بخود ایسران واگذار میشود .



دو آخر مذاکرات با شرکتها ی نفتی را شاهنشاه شخصاً رهبری می کنند . این مذاکرات در سن مودیس انجام می شود . شاهنشاه در بازگشت بکشور پیامی بزرگ برای ملت خود دارد .

در کنگره ملی به شما ملت ایران گفتیم که ما تنها دوره پیش پای شرکتها ی نفتی خواهیم گذاشت . امروز به شما می گویم که آنها راه دوم یعنی پراحقاق حقوق کامل نفتی ایران که بمعنای احراز کنترل کامل ایران روی تولید و فروش نفت خود است ، انتخاب کردند .





نیروهای مصری از کانال سوئز می‌گذردند ، و نیروهای سوریه در ارتفاعات گولان پیشرفت می‌نمایند . تقریباً تمام کشورهای عرب وارد جنگ می‌شوند .

۱۴ مهر ۲۵۳۲ آتش‌جنگ در خاورمیانه عربی شعله‌ور میگردد . ارتش‌های عرب از دو جبهه به اسرائیل حمله می‌کنند .

پیروزی اعراب قاطع نیست ، اما در اینکه انتقام شکست خرداد ۲۵۲۶ را از اسرائیل می‌گیرند جای تردید نمی‌ماند . آتش‌بس اعلام می‌شود . اما اعراب چنان نفث خود را به غرب قطع می‌کنند



و اعلام تحریم نفتی می‌نمایند ... دنیای صنعتی مواجه با کمبود سوخت میگردد و دماغها لوله‌میشود ...



« ما هرگز نمی‌خواهیم که کشورهای صنعتی راحت‌فشار بگذاریم زیرا بزودی خود نیز یک کشور صنعتی خواهیم شد. »

« آنچه که ما می‌خواهیم نخست اینست که در مورد بیای نفت ، این کلای ارزنده که منابع آن شاید درسی‌سال آینده رو به انقاص است مقیوم نشویم و حق خود را بگیریم ، و دوم اینکه منابع دیگر انرژی را هرچه زودتر بیاییم تا بتوانیم از نفت در صنعت پتروشیمی و پلا داروسازی استفاده کنیم . »



« رهبران توسعه‌ای دوستانه به کشورهای عربی ما یاد. »

« شما هنگام جنگ از سلاح نفت استفاده کردید و ارزش آن را داد نشدید . اما اکنون که آتش‌بس را پذیرفته‌اید ، دیگر باید این سلاح را نیز بر زمین بگذارید . نفت مانند نان است و نباید هنگام صلح آنرا از دیگران دریغ کرد . »



« و کشورهای صنعتی هشدار می‌دهند . »

« دورانی که کشورهای صنعتی با نفت ارزان به ثروت کلان و پیشرفت فراوان دست یابند سپری شده . اینک باید در جست‌وجوی سرچشمه‌های دیگری از انرژی باشید ، و تا زمانی که چنین سرچشمه‌هایی را بیابند باید کمر بندهای خود را سفت‌کنند . »



« هنری کیسینگر ، وزیر امور خارجه آمریکا که آتش‌بس بین اعراب و اسرائیل را ترتیب داده است برای مذاکره با شاهنشاه ایران به تهران می‌آید . »

ایران با اعراب همراهی و به آنان کمک کرده است ، اما در تحریم نفتی به آنان نپوشته و به چنین اقدامی منتقد نیست . این زمان ، شاهنشاه رهبری تلاشی بی‌گیر برای افزایش قیمت نفت را برعهده گرفته‌اند . دنیای صنعتی که با کمبود نفت مواجه شده اینک بخوبی ارزش نفت را درک میکند . شاهنشاه لزوم عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از خاک اعراب را به « کیسینگر » خاطر نشان می‌سازند ... در مورد نفت نیز اعلام میدارند که در تصمیم خود برای افزایش قیمت‌ها راسخ هستند .

تصمیم به افزایش قیمت نفت در نظر برخی بنامند به آخر رسیدن دنیا است . اما واقعیت اینست که کشورهای صاحب نفت از خواب بیدار شده‌اند و بشدهیج نظمی نو راجا بگریز نظم کهنه می‌سازند . خطوط اصلی این نظم نو را شاهنشاه به دنیا ارائه داده است ... و برای پیاده کردن اصول این نظم سروکارها را جایز نمی‌داند .

« من پیشنهاد کرده‌ام که بیای نفت یعنی همان حداقل پنجاه ای هفت دلار که سهم ما می‌شود با بیای منابع دیگر انرژی مقایسه شود . نفت یک کلای بسیار ارزنده است . از نفت می‌توان بیش از ده هزار نوع محصولات پتروشیمی تولید نمود . این درست‌نست که ما از نفت برای گرم کردن خانه‌ها و یا حتی تولید برق استفاده می‌کنیم . »



در ماه‌های پس از جنگ ، دنیا برای هر قطره نفت مشتاقانه بخران بزرگی پیش می‌آید . کشورهای تولیدکننده نفت (اوپک) برای چاره‌جویی در تهران گرد هم می‌آیند .



آقای «آنتونی پادری» و آقای «پیشواکر»، وزیر بازرگانی و صنعت انگلیس به ملاقات شاهنشاه می‌نشینند. این ملاقات به یک چهارم میلیارد دلار برای ادراک کالاهای مورد نیاز به ایران در برابر نفت می‌انجامد. نمایندگان آلمان نیز برای لوله‌کشی گاز طبیعی شرقیبار میگردند.



در سالهای اخیر، شاهنشاه تعطیلات زمستانی خود را در سن‌مورس درسویس میگذرانند. اما در این سال، تعطیلات ایشان بیشتر به کار و مذاکره میگذرد و وقت کمی برای اسکی در شیبهای پربرف می‌ماند ...



«معارف کمک به کشورهای دیگر را برگزیده‌ایم، چه کشورهای صنعتی و چه دوستان نیازمند ما، شاید در این راه ما حتی بیشتر از آنچه که فاعداً تا یاد کمک کنیم، به خاطر نیات دوستی و انسانی کمک کرده‌ایم»

ایران کمک به کشورهای فقیر و نیازمند را نیز فراموش نمی‌کند.

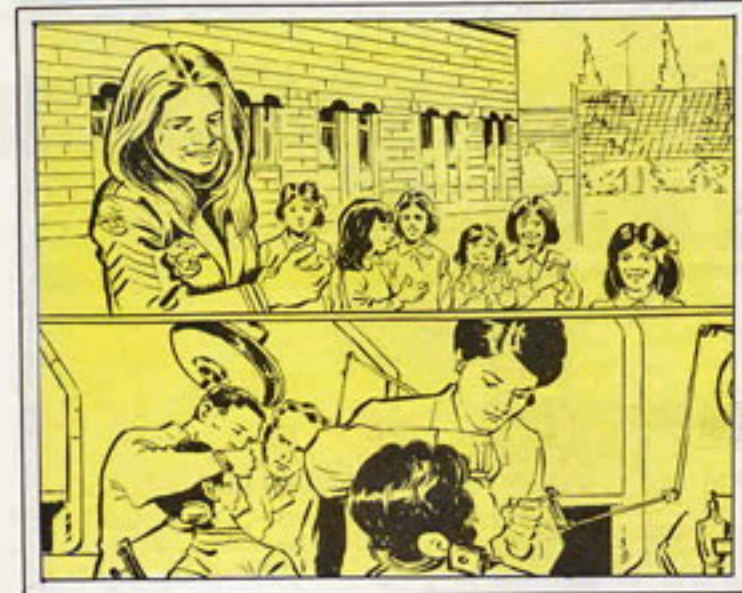


والری ژسکار دستن، وزیر دارائی وقت فرانسه نیز برای انعقاد یک قرارداد ۱۰ ساله همکاری اقتصادی بملاقات شاهنشاه می‌آید. این قرارداد شامل ۵ راکتور اتمسی و یک مجتمع ۲٫۵ میلیارد دلاری پتروشیمی برای ایران است.



شاهنشاه اینک طرح بزرگ دیگری را که جنبه جهانی دارد بدنیاً ارائه می‌دهند. هدف این است که یک بانک به طرف با یک سازمان و تشکیلات به طرف بین‌المللی با شرکت کشورهای تولیدکننده نفت، کشورهای پیشرفته، و کشورهای صنعتی ایجاد کنیم و از طریق این بانک، همکاری بین کشورها و نیز کمک به کشورهای نیازمند را افزایش دهیم. چنین بنیادی دارای ۳۶ عضو سرمایه‌ای معادل یک میلیارد دلار خواهد بود. ایران همچنین یک میلیارد دلار به بانک جهانی و صندوق پول بین‌المللی وام می‌دهد تا به مصرف کمک به کشورهای صنعتی برسد.

تمهات ایران برای کمک به کشورهای دیگر بالغ به ده میلیارد دلار می‌شود و این مبلغ بطور نسبی اگر مقایسه شود چهارده برابر تمهات ایالات متحده آمریکا است.



برنامه های عمرانی دوباره مرور می‌شوند تا دامنه و گسترش بیشتری به آنها داده شود.

هدف از جلسه امروز اینست که تغییراتی را که در شرایط جدید مالی باید در برنامه عمرانی پنجم درجهت گسترش دامنه آن بدیم بررسی کنیم. شرایط مساعدی که امروزه برای ما فراهم آمده است خیلی بندرت پیش می‌آید و اگر از چنین فرصت کمیایی به سود کشور و ملت خود استفاده

نکنیم گناهی نابخشودنی مرتکب شده‌ایم. ما امروز در شرایطی هستیم که می‌توانیم ملت خود را از بسیاری تسهیلات رفاهی بهره‌مند سازیم: مسکن، آموزش رایگان، تغذیه رایگان دانش‌آموزان، بیمه، و پرداخت مازاد قیمت غذاهای اصلی، سوخت، و هزینه اتوبوسرانی، پنحوی که این چیزها با قیمت‌های نازل در دسترس مردم قرار گیرد ...»

در ترمیم خط متسی ایران برای رسیدن به هدفهای بزرگ خود - شاهنشاه می گویند :
« تنها تفاوت بین دو ایرانی، تفاوت در میزان و کیفیت کار آنها است. بنابراین، هر فرد
ایرانی باید بکوشد تا با بیشتر و بهتر کار کردن، برتری خود را به ثبوت برساند.
خود من هم بر همین اساس کوشش می کنم، و انتظار دارم ملت نیز در انجام هر مسؤلیتی
به بهترین وجه ممکن تلاش کند... »



شاهنشاه همچنین در مورد مشکلاتی که زندگی نوین مردم، خواهی به خواهی پیش می آورد - هشدار
می دهند. « تولید بیشتر اجباب می کند که جامعه از قبل، مشکلاتی را که در این راه ممکن
است پیش بیاید بررسی و چاره جویی کند. این مشکلات فقط کمبود کارگر ماهر و غیر ماهر
نیست، بلکه جامعه باید خود را از فساد که زندگی راحت مادی پیش می آورد نیز بر
جلد دارد، ما باید تکنولوژی پیشرفته غرب را جذب کنیم بی آنکه قربانی فساد که پیشرفت
مادی به همراه دارد بشویم. هرگز نباید معنویات و روح اخلاق را فراموش کنیم. »



« آن جامعه دارای تمدن برآمد که بشما وعده داده ایم. یک
مدینه فاضله غیر ممکن نیست. ما خیلی زودتر از آنچه که فکر
می کنیم به چنین تمدنی دست خواهیم یافت. »

« از نخستین روزی که کودکی بدنیا می آید، باید هم او و هم
مادر او از بهترین تغذیه های که متخصصین امر توصیه می کنند
برخوردار باشند. »

« به دهقانان باید بالاترین توجهات بشود. این دهقانان ما
هستند که فراهم آورنده غذای جمعیت رو به ازدیاد ما که
سالانه سه درصد بر آن افزوده می شود، هستند. »

« همچنین ما باید از نیروی کاری زنان استفاده کامل و صحیح
بشنائیم. برخی از کارهای جامعه را زنان بهتر انجام می دهند.
با استفاده از نیروی زنان، میزان زیسادی از کمبود نیروی
انسانی جامعه قابل جبران است. »

« ما باید هر چه زودتر دست کم تا میزان
۴۳ هزار مگاوات برق از طریق انرژی اتمی
فراهم آوریم تا در این راه نفت را مصرف
نکنیم. ایران بسزوی دارای بزرگترین
واحدهای تولید برق اتمی خواهد شد. »

ایران دارای یک رآکتور اتمی آزمایشی است،
و تعداد زیادی از این رآکتورها نیز سفارش
داده شده است، تا با بهره برداری از این
منابع تولید انرژی، در مصرف نفت صرفه جویی
لازم بشود.



در آینده حفظ حفظ هر چه
بیشتر منابع ارزنده نفت،
شاهنشاه می گویند :

اینک پیوند شاه و ملت استحکام بیشتر و پدید وسیعتری می یابد.
شاهنشاه دیدگاههای نوید بخش تازه ای را برابر چشمان ملت پازمیکند.
« نباید تعجب کنید اگر بگوییم که در پایان برنامه عمرانی ششم، درآمد ملی ما بهای
درآمد پیشرفته ترین کشورهای اروپایی امروز خواهد رسید، ما این گامها را برای
رفاه ملت خود برداشته ایم. »



« کشورهای دیگر چنین گامهایی
را در چنین زمان کوتاهی نمی-
توانند بردارند. اما با امکانات
و بزرگای که داریم، موفق شدیم.
« ایران نقش جهانی خود را
فراموش نمی کند. ما از مسؤلیت
های انسانی و جهانی خود خوب
آگاه هستیم. ما وقتی میتوانیم
شادمانه زندگی کنیم که دنیای
اطراف ما بی درد صلح و سعادت
بسزورد. امروزه ایران نقش
بزرگی در این خصوص به عهده
دارد. »



شاهنشاه همواره «بهترین»
را برای ملت خود می خواهند
در برای عالیترین و مسائل
درمانی، از هیچگونه
هرزهای مضایقه نخواهد
شد. علاوه بر پزشکی
پشگبری، خدمات
پهداشتی و درمانی نیز
بهر قیمتی که باشد فراهم
و همچنین در بیمارستان-
های دنیا در این مملکت
ایجاد خواهند شد. »



در مورد آموزش حرفه ای و
همچنین نیاز به وارد کردن
نیروی انسانی ماهر از
خارج میفرمایند :
« ما باید منتقلی فکر
کنیم و تا آنجا که ممکن
است برنامه های عمرانی
خود را توسعه دهیم و اگر
در داخل کمبود نیروی
انسانی داریم این کمبود
را از خارج تأمین کنیم. »

شهبانوی ایران سالهای تحصیل خود را در فرانسه گذراندند. اینک با خوش آمدنهای سیمینا به مردم زورپرو میشوند و در حومه پاریس خیابانی بنام ایشان نامگذاری میشود.



AVENUE FARAH PAHLAVI

ایران در مسیری نویدبخش از تحولات اقتصادی و اجتماعی فراگرفته است. اینک شاهنشاه سفر طولانی و پرثمری را آغاز می کنند ...

«... ایران که گذشته تابناکی در تاریخ کهن بشری دارد، در عصر حاضر پیر و زمیندانه گام در راه توسعه و ترقی نهاده است. پیشرفتهای برق آسا و چشمگیری که در سایه رهبریهای خردمندانه آن اعلیحضرت نصیب ایران شده است درخور هر گونه تحسین و ستایش است ...»



«... و علیاحضرت شهبانوی ایران مقامی بس والا و پسرارج در قلب فرانسویان دارند ...»



شاهنشاه از سخن فرانسوا بازرده متعجبند. پس از بازده از مراکز پژوهشهای علمی فرانسه به خبرنگاران اعلام میدارند که ایران پنج فرانسه به برداشتنی از فرانسویان خواهد بود. پاسخ به پرسشهای دیگری که خبرنگاران ارائه می کنند به فرصت دیگری موکول می شود ...



نخستین میزبان ایشان والری ژبیسکاردمتن رئیس جمهور فرانسه است. توافق همکاری اقتصادی پنج میلیارد دلاری که شاهنشاه با او در سن مودیس نمودند، یکی از بزرگترین توافقهایی همکاری اقتصادی است که ایران با کشورهای دیگر کرده است.

آیا اعلیحضرت قبول ندارند که قیمت نفت بالا است؟

«شما از بالا بودن قیمت نفت صحبت میکنید. بی آنکه جنبه دیگر امر را در نظر بگیرید. ما قیمت نفت را فقط با قیمت منابع دیگر انرژی متناسب ساخته ایم ...»



«ما میکوشیم از صنایع ملی که نور چشم ما بنام دارخورد را برکنار نگذاریم. اگر تورم شما بصورت میزان ادامه پیدا کند شما تا بودخواهید شد. ما راههای بدنیال خود خواهیم کشید. ما نفت را میفروشیم و دست بگذاریم و شاهد نابودی خود و دیگران باشیم ...»

«اعلیحضرتا، آیا ایران اسلحه نمی خریداری خواهد کرد؟»



«هر کشور کوچکی که خیال خرید اسلحه نمی دارد باید بهتواقب شوم این کار فکر کند. من دو باره تا کید میکنم که نه تنها ایران بلکه اصولا کشورهای خاورمیانه باید فکر تسلیحات آبی را از سر بدرکنند ...»

پیش از پایان سفر، یک کنفرانس مطبوعاتی ترتیب داده میشود:

«اعلیحضرتا، ممکن است هدف از بازده از فرانسه را تشریح بفرمائید؟»

«این یک امر طبیعی است که ایران که اینک در شرایط مساعد مالی قرار دارد به اروپا در حل مشکلات مالی آن کمک کند و چرا که نه ...»

«سر نوشت اروپا از سر نوشت ایران جدا نیست. وقت ما منظور مستقیم به اروپا می آید و بودی ما ثواب کسب نماز، ۵٪ از نیاز اروپا به نماز را ما تأمین خواهیم کرد ...»



موافقت ۵ میلیارد دلاری ایران و فرانسه، در بررسی مجدد به ۷ میلیارد دلار توسعه یافته و شامل برخی از نکات مهم زیر میباشد:

- پیش برداخت خرید دارکورههای آتمی با سوخت مربوطه آن
- برقی نمودن راه آهن ایران و خرید توربوترن از فرانسه
- ایجاد تلوزیون رنگی (سیستم سگم) که شهرت جهانی دارد
- ایجاد مشرفی تهران که در مرحله ابتدایی حدود ۶ کیلومتر خواهد بود
- یک کارخانه ۲۰۰ میلیون دلاری برای تولید مصنوعات فلزی
- ساختن ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در ایران
- یک کارخانه مشترک ۱۰۰ میلیون دلاری برای ساختن آلومینیای سبکوزن در ایران

پیش از ادامه سفر به دور دنیا، شاهنشاه گامی دوستانه برای کشور چین بر میدارند.



در پایان بازده، به دعوت ژبیسکاردمتن، شاهنشاه باجت مافوق صوت، کتکورده، که موافقت نسبت به خرید چند فروند آنرا نموده اند، به کشور باز میگردد.

در دیماه ۲۵۳۳ شاهنشاه سفر خود را بشرف آغاز می نمایند. نخست به سنگاپور، پرتگال، «لی کوان یو» نخست وزیر، میزبان شاهنشاه و شهبانو هستند. سفر به شرق شامل سیازده از ۵ کشور است. واداری اهمیت خاصی است. شاهنشاه حامل پیشنهادهای هستند تا کشورهای حوزه



اقیانوس هند به منظور همکاری اقتصادی گسترده با یکدیگر و بنا بر این ایجاد یک اتحاد و همبستگی نمایند. پیشنهاد شاهنشاه با استقبال این کشورها روبرو می شود ...



ایران میزبان هفتمین دوره بازیهای آسیایی است و میزبان است چین در این بازیها شرکت داده شود. ۲۰ سال است که چین از شرکت در این بازیها محروم بوده و بجای آن «تایوان» شرکت داده شده است. ایران برای شرکت دادن چین مبارزه سختی را آغاز کرده است ... و

سرانجام از این مبارزه پیروز شدند. بیرونی می آید. پیشنهاد ایران برای شرکت دادن چین پذیرفته میشود. هنگام گشایش بازیها، مردم برای ورزشکاران چینی سیمانه اسپراز احساسات می کنند. برای کشور هفتمین میلیونی چین، این یک پیروزی سیاسی است و برای ایران موفقیتی در تلاشهای جهانی است.



در سفر به جنوب شرق ، شاهنشاه بیست یک هفته در استرالیا اقامت می نمایند. «سرجان کر» فرماندار کل و «گاف ویتم» نخست وزیر استرالیا مقدم شاهنشاه و شهبانو را گرمی میدارند . در پایان سفر ، موافقتنامه‌ای بین ایران و استرالیا امضاء می شود که بموجب آن حجم بازرگانی بین دو کشور به سه برابر افزایش می یابد .

سپس سفر به زلاندنو آغاز میشود . ایران یکی از بزرگترین خریداران گوشت کوسفند این کشور است . شاهنشاه و شهبانو از مزرعه‌های بزرگ پرورش کوسفند بازدید می نمایند .

در سفر به اندونزی ، پرزیدنت «سوهارتو» به اعلیحضرتین خوش آمد میگوید . مذاکرات مهمی در مورد همکاریهای اقتصادی و امنیت منطقه‌ای بین سران دو کشور صورت میگیرد .

آخرین کشور مورد بازدید در این مسافرت ، هند است . شاهنشاه مذاکراتی با آقای « فخرالدین احمد» رئیس جمهوری و خانم «ایندیرا گاندی» نخست وزیر هند انجام می دهند .



فراردا کمک به توسعه کشاورزی ایران ، تبادل دوازده تن مواد غذایی و واردات مواد غذایی بیشتر از آن کشور - سرمایه گذاری ایران در سنگاپور - ایجاد کارخانه کودشیمیایی در اندونزی - تبادل نیروی انسانی ، فروش نفت با شرایط آسان و استخراج آهن از سدان هند - نکات مهمی از قراردادهای همکاری با کشورهای مورد بازدید شاهنشاه می باشد .

مسافرت به این کشورها از نظر همکاری اقتصادی و سیاسی در منطقه آسیای جنوب شرقی ، اهمیت بسزایی دارد . همچنین فرصتی برای تجلی نظرات شاهنشاه در سطح بین المللی فراهم میسازد .



«... باید یادآوری کنم که کشورهای فقیر دنیا فقط وقت مصرف نمیکنند آنها نیاز به نان، روغن نباتی، شکر و بسیار چیزهای دیگر نیز دارند که به آنها نماند فروخته میشود. امروزه بیای یک تن شکر ۴۴۰ دلار است، در گذشته هر تن ۶۰ دلار بود. این رویه نمیتواند ادامه پیدا کند، اینک دوران تازه‌ای است و ما درد نیای نوینی هستیم. عمر امپریالیسم به آخر رسیده است.»

«اما آبا اعلیحضرت تصدیق می فرمایند که قیمت زیاد نفت موجب هرج و مرج اقتصادی می شود؟»

«مشکلات اقتصادی غرب پیش از بالا رفتن قیمت نفت و به دلایل دیگر بوجود آمده بود. تأثیر بالا رفتن قیمت نفت بر روی تورم جهانی فقط یک تا دو درصد است. علل تورم جهانی بسیار است. غرب باید اول از خودش شروع کند... من حتی میخواهم پیشنهاد تازه‌ای بشما بکنم.»

«چرا ایران اسلحه زیادی خریداری میکند؟»

د برای کشوری مانند کشور من که از نظر جغرافیایی موقعیت حساسی دارد، هیچ چیز خطرناکتر از این نیست که نتواند از مرزها و هم چنین از منافع خود دفاع کند.»

«نظر شما در مورد اسرائیل چیست؟»

«ما نمی پذیریم که سرزمینهای عربی توسط اسرائیل اشغال شود. اما ، مانند دیگران معتقدیم که اسرائیل باید در محدوده مرزهای خود احساس امنیت کند .»

در این سفر ، شاهنشاه در سه کنفرانس بزرگ مطبوعاتی شرکت می جویند . گروه زیادی خبرنگار پرسیهای بسیار در زمینه‌های گوناگون معارض میکنند...

«اعلیحضرتا ، پیشنهادی که برای اتحاد اقتصادی در حوزه اقیانوس هند فرموده‌اید با چه واکنشهایی روبرو شده است...»

«من این مسافرت را به امید اینکه موجبات نزدیکی و دوستی بیشتر در این منطقه فراهم گردد، آغاز کردم و با کمال خوشوقتی همه جا علاقمندی عمیقی مشاهده نمودم. اگر ما منطقه‌ای از صلح و همکاری داشته باشیم، لبات و امنیت نیز خواهیم داشت. من عقیده دارم که نباید قدرتهای بزرگ در اقیانوس هند حضور یابند، زیرا اگر هر کشوری قدرت خود را محدود به مرزهای خود کند صلح پایدار بوجود خواهد آمد. بنظر من پیش از آنکه از قدرتهای بزرگ خواسته شود که این منطقه را ترک کنند، ما باید بایکدیگر توافق داشته باشیم.»

«آیا امکان ندارد که قیمت نفتدا پائین بیاید؟»

«کشورهای صنعتی که ثروت و صنعتو حتی جامعه خود را با نفت ارزان ما بوجود آوردند ، امروز کالاهای خود را به قیمتهایی که خودشان تعیین می کنند بنا می فروشند. اگر شما گرانی قیمت نفت را مطرح میکنید، ما هم باید گرانی کالاهای را مطرح کنیم.»

«آیا اعلیحضرت در مورد تهدید اخیر آمریکا که در برابر کشورهای تولیدکننده نفت متوسل به زور خواهد شد، چیست؟»

«قبل از هر چیز باید بگویم که ما روابط بسیار نزدیک و صمیمانه‌ای با ایالات متحده آمریکا داریم ، اما به هیچ کس اجازه نمی دهیم که سیاست ما را به ما دیکته کند. هیچ کس جرأت آنکه انگشتی بطرف ما دراز نکند ندارد، زیرا ما هم آرام نخواهیم نشست.»

« اعلیحضرتا، آیا آینده شاهنشاهی ایران را چگونه می‌بینید؟ ... به ویژه در عصر حاضر که تمایل به انواع دیگر حکومت است؟ »

« اگر من پادشاه مملکت نبودم حتی جزئی از کارهایی که توانستم برای مملکت بکنم نمی‌توانستم انجام دهم. من همیشه گفته‌ام که پادشاهی جز ددسر و گرفتاری چیزی نیست و کار مشکلی است. اما وقتی هم که شاهنشاهی در قیامی را که برای او بهترین پادشاه در برابر رنجها و ددسرهایی که دیده می‌باشد. و این احساس را اینک من دارم. »



« آیا اعلیحضرت نمی‌اندیشید که دنیای آینده، ایران زارتم به امپریالیسم اقتصادی کند؟ »



« خیر، زیرا ما قصد داریم با سرمایه‌گذاری، دیگران را استثمار کنیم. سرمایه‌گذارهایی ما از نوعی خواهند بود که مثلاً با «کروپ» آلمان گردیم. کشور من اینک نزدیک به ۴۳ میلیون جمعیت دارد و بزودی به ۴۰ میلیون چندانال بعد به ۹۵ میلیون خواهد رسید. بنا بر این پول ما باید در داخل مملکت و بصورت عاقلانه، یا در نقاط دیگر سرمایه‌گذاری شود. »

« ما آماده هستیم بهای نفت را بر طبق پایه‌های بیست تا سی کالای اساسی کنیم. یعنی اگر غرب، این بیست تا سی کالای اساسی را که مورد نیاز همه و از جمله ما کشورهای تولید کننده نفت است ارزان بفرشد، ما هم بهمان نسبت نفت را ارزان خواهیم فروخت، و اگر غربان بفرشد ما چرا این کار را نکنیم؟ »

« اعلیحضرتا، آیا بیم ندارید که کشورهای صنعتی ماده جدیدی را که جایگزین نفت شود بیابند و نفت ارزش و اهمیت کنونی خود را از دست بدهد؟ »

« من تصور نمی‌کنم بتوانند چیزی پیدا کنند که مانند نفت دارای ۷۰ هزار مشتقات دیگر که هر کدام مصرفی دارند پیدا کنند. اگر کنوری تواند منابع انرژی خود را از طریق دیگری غیر از نفت تأمین نماید، ما خوشحال خواهیم شد. زیرا، در این صورت نفت ما دیرتر تمام شده، و می‌توانیم از نفت استفاده بیشتری در زمینه وسیع پتروشیمی داشته باشیم. خود ما هم بر نانه هائی برای جایگزین کردن انرژی اتمی بجای نفت داریم. »



دو برابر شدن حجم بازرگانی، تأسیس کارخانه کاند سازی با سرمایه ایران در شوروی، افزایش دادن ظرفیت کارخانه ذوب آهن آذربایجر در اصفهان به ۸ میلیون تن در سال، لوله‌کشی بندر، تأسیسات ایران از طریق شوروی به آلمان و کشورهای اروپا برسد، تبادل نیروی انسانی، تأسیس ۴۴ آموزشگاه حرفه‌ای در ایران - روس مطالبی است که شاهنشاه در این سفر مذاکره می‌نماید.



در بازگشت از خاور دور، شاهنشاه به اتحاد جماهیر شوروی سفر می‌نماید. در ملاقات با آقای «برژنفس» و آقای «پادکورتس»، شاهنشاه درباره آرامش بین ابرقدهتها، مسائل خاورمیانه و امنیت منطقه جهانی تبادل نظر می‌کنند. همچنین مذاکرات اصولی در مورد موافقتنامه بازرگانی بی‌مبادی به حجم ۳ میلیارد دلار صورت می‌گیرد.



« سیاست پرزیدنت سادات بر مبنای عقل و منطق و حقایق است. من اطمینان دارم که چنین سیاستی به پیروزی می‌انجامد، و پشتیبانی کامل خود را از پرزیدنت سادات اعلام می‌دارم ... »

پس از جنگ ۲۵۲۶ اعراب و اسرائیل، شاهنشاه نخستین رهبری بودند که عقب نشینی اسرائیل را از سرزمینهای اعراب خواستار شدند. اینک باز همان نظر را ابراز می‌دارند.

« اسرائیل بیش از حد سرسختی و لجاجت می‌کند و نظراتش بدور از همکاری و اصول منطق است. آنها باید از سرزمینهای عربی بروند - این سرزمینها متعلق به اعراب است و باید به اعراب بازرگردانیده شود. »



پس از سفر به شوروی، شاهنشاه سفری به کشورهای خاورمیانه را آغاز می‌کنند - به مصروفه اردن هاشمی. ملک حسین پادشاه اردن، از دوستان قدیمی شاهنشاه است. ایران به اردن وعده مساعدت همه جانبه می‌دهد. کمک ایران به مصر یک میلیارد دلار است. دو کشور روابط سیماهت و همکاری نزدیک دارند.



« مذاکرات ما فاشه علنی در روابط ماو بطور کلی در اوضاع منطقه است. ما مصریها هرگز پشتیبان پروکتههای ایران را بهنگام جنگ و پس از آن فراموش نمی‌کنیم. شما بما ثابت کردید که در ستانی سیاسی و صادق هستید. اینک در برابر دنیا میگوییم که ما گذشته که ما با کمبود بزرگ انرژی روبرو شدیم، به برادر ارجمند شاهنشاه تلگرافی فرستادم، و ایشان پاسخ مافوق تصور ۶۵۰۰۰۰ تن نفت در اختیار مصر قرار دادند ... »

پرزیدنت سادات بگرمی از شاهنشاه و شهبانو استقبال می‌کنند. او شخصاً شاهنشاه و شهبانورا در یازدهم از اهرام بزرگ مصر و دیگر بناهای تاریخی در دره نیل همراهی می‌نماید، و شیفت یا شکوهی به اختیار میهمانان خود ترتیب می‌دهد ...



شاهنشاه در خلال ابراز نظر درباره سفر خود بمصر می‌گویند:

شاهنشاه برای معاینات پزشکی سالانه عازم اطریش میشوند و از آنجا همراه خانواده برای گذراندن تعطیلات زمستانی به سن موریس میروند.



این پسر ملك حسين پادشاه اردن و همسرش ملكه عاليه ميهمان امليحضرتين هستند. بزودي ميهமான ديگري نيز مي آيند و يادويگر محبت پشت و كار پيش مي آيد و شاهنشاه خود را در مركز قتل جهان سياست مي يابند.

« همه چیز بستگی به این دارد که کشورهای صنعتی با چه روحیه ای بخواهند یا ما مواجه شوند. اگر این روحیه حاکی از همکاری نباشد و نشان از مبارزه جوی داشته باشد، ما هم اقدامات لازم را خواهیم کرد.»



چند روز بعد مذاکرات شاهنشاه و دکتر «کیسینجر» در محور همین مسائلات. شاهنشاه و دیگر کنفرانس مطبوعاتی موقعیت کشور خود را روشن می سازند.



با ادامه تورم جهانی و پائین آمدن ارزش دلار، ایران ریال را از دلار جدا کرده و وابسته به صندوق بین المللی پول میسازد. اما اثرات نامطلوب تورم جهانی باعث میشود که درآمدهای نفت تا حدود ۲۰۵ میلیارد دلار در سال کاهش پیدا کند و ایران ناچار می شود برنامه کمکهای خارجی را محدود سازد. رئیس جمهوری فرانسه درباره ایجاد توافق بین کشورهای تولید کننده و مصرف کننده نفت با شاهنشاه مذاکره می کند.

شاهنشاه در سن موریس همچنین با «کورت والدنهایم» دبیر کل سازمان ملل متحد درباره اوضاع خاورمیانه



و اگر قرار باشد کالایی که می خریم همچنان به قیمت همان باشد، من ایداً یا پائین آوردن قیمت نفت موافق نیستم. راه چاره اینست که کشورهای صنعتی جلوی تورم خود را بگیرند. من میخواهم کشورم قوه خرید خود را حفظ کند. اگر قرار باشد قیمت نفت پائین بیاید، باید قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز ما نیز پائین بیاید. ماه دیگر که جلسه او پک در الجزیره تشکیل میشود باید بررسی گردد: اگر تورم در اروپا و سایر نقاط دنیا ادامه پیدا کند، راه چاره چیست؟ اگر شمارم در غرب بخواهد ما را تحت فشار بگذارد قیمت نفت را باز بالا خواهیم برد ...»

اما بدنیال پک تمایل نوازان در جهان هستیم، و فکر میکنم امليحضرت عزيز در خصوص لزوم این موازنه با من هم عقیده باشند ...»



و با «لئوپولدسگور» رئیس جمهوری استرالیا در مورد کمک ایران به آن کشور مذاکراتی انجام میدهند.

« ما امروز با شروع شاهد یسرفت ایران هستیم که به امیدخدای بزرگ، دیگر هرگز روزهای تلخ را به خود نخواهد دید.»

« با به اصلی که گفته شد ایمان دارم یا ندارم. اگر اعتقاد ندارم، می توانم از این مملکت بروم. گمانی هم که بر اساس ایده نوآوری خاص خود مایل به پیوستن به این حزب نیستند ولی مخالفی هم با آن ندارم. با اطمینان از اینکه حقوق اجتماعی آنان حفظ خواهد شد میتوانم در این مملکت باشم، اما دیگر لوفی نباید داشته باشم.»



«... و برای آغاز کار، بدون آنکه حتی یک آن وقت تلف شود، در اینجا پیشنهاد می کنیم امیرعباس هویدا با حلف نخست وزیری، لاقفل برای مدت دو سال بعنوان دبیر کل این حزب انجام وظیفه نماید.»



اینک دنیا به نتایج جلسه اولیک و همچنین سفر دیگری که شاهنشاه در پیش دارند، مینگرد. اما شاهنشاه بکشور بازمی گردند تا در پایان زدهم اسفند ۲۵۳۳ با ملت خود سخن گویند.

«... ما امروز برای ایجاد یکپارچگی در تمام نیرهای ملی، همه آنان را که به سه اصل نظام شاهنشاهی، قانون اساسی و انقلاب شاه و ملت، ایمان و اعتقاد دارند، به زیر پرچم حزب واحدی که آنرا حزب دستاخیز ملت ایران مینامیم، فرا میخوانیم ...»



پیدایش حزب دستاخیز ملت ایران، تجدید عهد و پیمان شاه و ملت است... پیوند مقدسی که همچون چراغ، فراداه یسرفت های بن سقیم تر و رافقار تر آینده است...



پاسخ ملت به ندای شاهنشاه، سریع و پر شور و شوق است. احزاب دیگر برای پیوستن به حزب دستاخیز ملت ایران انحلال خود را اعلام میدارند و نخستین کنفرانس بزرگ حزب دستاخیز ملت ایران تشکیل می شود. بیش از صد نفر در این اجتماع بزرگ گرد می آیند تا به سخنان دهر خود گوش فرادهند. در شرایط جدید، هر ایرانی باید با صراحت و شهادت تمام، هر چه زودتر موقعیت خود را روشن و منخس نماید:

ملل آزاده را نمی توان ترسانید . چه فکر میکنند؟ یعنی میخواهند و نژاد، مکزیک، عربستان سعودی ، ایران و دیگر کشورهای اوپک را اشغال نظامی کنند ؟ آیا آمریکا میخواهد همه این کشورها را اشغال کند ؟ یا میخواهد با همکاری اروپا باحمله نماید؟ فکر میکنید در اینصورت کمونیستها آرام خواهند نشست ؟



جلسه اوپک تصمیم میگردد که تا ۹ ماه قیمت نفت را ثابت نگاهدارد، بشرط آنکه غرب در سیستم پولی خود تجدید نظر کند ، به توسعه کشورهای دنیای سوم کمک نماید و حافظ سرمایه گذارهای کشور های اوپک در خارج باشد. کنفرانس الجزیره نتیجه دیگری هم برای ایران دارد. آشتی با عراق.

شاهنشاه به خبرنگاران و نمایندگان خبرگزارها می گویند :

«من آمادهم که قیمت نفت را وابسته به نوسانات قیمت کالاهای اساسی دیگر و یا نوسانات تورم جهانی کنم. یعنی اگر کشورهای صنعتی قیمت کالاهای اساسی را بالا بیاورند، ما هم قیمت نفت را بالا می بریم و اگر پایین آورند ما هم پایین میاوریم . ما نمی خواهیم شاهد نابودی این کشورها باشیم بلکه منتظریم بافتن مرععات و ایجاد روح همکاری بر اساس حقایق است. ما تنها در صورت مرععات کامل حق خود، آمادیم مذاکره با این کشورها هستیم و هرگز اجازه نمیدهم کسی کوچکترین اجحافی بنا بکنند...»

جلسه اوپک در الجزیره برای تصمیم گیری در مورد قیمت نفت و مسائل مهم دیگر تشکیل می شود . شاهنشاه می گویند . «کشورهایی که ثروتهای طبیعی دارند امروزه بیدار شده اند و از حقوق خود دفاع می نمایند . جوامع چشم آبی غرب هم باید از خواب غفلت بیدار شوند و این حقیقت را بپذیرند که دوران استعمار دیگران سپری شده است .»



در سفر به عربستان سعودی ، با «ملك خالد» که پس از کشته شدن «ملك فيصل» پادشاه جدید عربستان شده است، مذاکره می نمایند ...

«بومدین»، رئیس جمهوری الجزیره، حل اختلافات ایران و عراق بر سر مسائل مرزی را وساطت می کند. او در تلاش خود موفق میشود. پیش از تشکیل جلسه اصلی، شاهنشاه و «صدام حسین» معاون رئیس جمهوری عراق دوستانه دست یکدیگر را می فشارند .

... پس از دیدن « محمد داود » رئیس دولت و صد اعظم افغانستان ، به دعوت شاهنشاه به ایران سفر می کند ... مسافرت ها و مذاکرات رهبر ایران روح تازه ای از تفاهم و همکاری در منطقه خاورمیانه پدید می آورد... اینک فرصت برای چند سفر به دور دست و انجام مذاکرات فراهم است .

مذاکرات پندی بین دو رهبر منجر به حل مسئله شط العرب و مسئله شورش کردهای شمال عراق می شود. آشتی ایران و عراق به تحکیم ثبات در منطقه خلیج فارس کمک میکند. و پیشنهاد شاهنشاه برای همکاری در حفظ امنیت خلیج فارس و پاک نگاهداشتن آن از حضور قذافیهای بزرگ ، بار دیگر مورد توجه قرار می گیرد و بدین ترتیب در هفته های پس از کنفرانس ، مسافرتها و مذاکرات خود را با سران کشورها دنبال می کنند .



شاهنشاه و شهبانو دعوت سفر به وژوئلا، مکزیک، و آمریکا شمالی را می پذیرند. وژوئلا سومین کشور صادرکننده نفت در دنیا است. پرژیدنت «کارلوس آندره پرز» به اهل محضرتین خوشامدی می گوید . او در سخنان خود یاد آور میشود که: «هرچند که امروزه کشورهای تولیدکننده نفت دست بالا را دارند ، اما از این امتیاز خود برای انتقامجویی از غرب به خاطر گذشته ها استفاده نخواهند کرد ...» رهبران دو کشور توافق می کنند که یک ناوگان مشترک برای حمل نفت ایجاد نمایند و ایران در کشاورزی و وژوئلا سرمایه گذاری کند .

مکزیک عضو «اوپک» نیست. اما با کشف نفت در آتلیا ، بزودی این کشور از صادرکنندگان نفت خواهد شد. «لوتی اچه وریا» رئیس جمهوری مکزیک بگرمی از شاهنشاه و شهبانو استقبال می کند . مجتمع فولاد «لازارو کاروناسی» که بزرگترین مجتمع از نوع خود در آمریکای لاتین است و برپایه های «چین چه پتزا» که یادگار تمدن بزرگ قوم «ماپا» است ، مورد بازدید شاهنشاه و شهبانو قرار می گیرد. رهبران دو کشور توافق میکنند که ایران در صنایع فولاد مکزیک سرمایه گذاری کند و همچنین در اکتشاف و توسعه میدانهای نفتی به این کشور کمک نماید . دو کشور سرمایه گذاریهای مشترکی نیز خواهند نمود .

کشوری که پس از مکزیک مورد بازدید پادشاه و شهبانو قرار میگیرد، ایالات متحده آمریکا است. استقبالیکه از رهبر ایران می شود بسیار گرم و دوستانه و حاکی از روح تفاهم است ...



هنوز شاهنشاه هدف‌ها
 و سفرهای بیشتری را در
 پیش دارند ، ولی آنچه
 مسلم است اینک ایران
 با رهبری هوشیارانه
 شاهنشاه خود ، چنان
 و زنه سنگینی را در میان
 قدرت‌های اقتصادی
 بین‌المللی تشکیل داده
 است ، که پس از این ،
 دنیا نمیتواند نسبت به
 آن بی تفاوت بماند .



در این ما موجب خوشوقتی
 است که یکی از دوستان
 خوب و معتمد کشور بزرگ
 شایسته‌ای می‌آید . ایران
 هندوش ایالات متحده
 آمریکا ، برای بنا نهادن
 دنیایی نو بر پایه‌های
 عدالت و مساوات راستین ،
 تلاش می‌نماید .



بر ریختن «چراغ‌افروزی» در پیکر جمهوری آمریکا به شاهنشاه
 و شهبانای خوشامد می‌گوید .
 «... از زمان آخرین بازدید آن
 اعلیحضرت از کشور ما تا کنون ، دنیا
 تحولات بزرگی را بخود دیده است .
 اما دوستی و تفاهم کشورهای ما
 همچنان استوار بوده و ریشه‌های
 همپختی دوانیده است ...»
 «... برای من موجب افتخار و خوشوقتی
 است که به یکی از مردان بزرگ این
 عصر و یکی از سیاستمداران بزرگ
 دنیای امروز خوشامد می‌گویم ...»



در آمریکا نیز شاهنشاه در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت می‌جویند .
 «اعلیحضرت ، امکان است هدف کلی خود را کثرت برقرار نماید ...»
 «به اعتقاد من باید یک تحول اساسی در سیستم اقتصادی دنیا بوجود
 آید تا جاییکه فاصله بین طبقه فقیر و طبقه ثروتمندان بین برود .»
 اعلیحضرت ، بودجه دفاعی شما ، کمک به شرکت‌های
 نیازمند نظیر پان امریکن ، آیا برای کسب شهرت بیشتر است ؟
 «حرکاتی که من می‌کنم برای کسب امنیت بیشتر ،
 سعادت بیشتر و پیشرفت بیشتر برای کشورم است .»



زیادتی از سفر آمریکا
 بازمی‌گردند .
 بنظر می‌رسد راه
 رسیدن به تفاهم و
 توافق با کشورهای
 صنعتی هموارتر شده
 است و بهمان نسبت
 امکانات همکاری
 برای پایدار نگه
 داشتن صلح جهانی
 که آرزوی شاهنشاه است ، وسیعتر
 شده است .



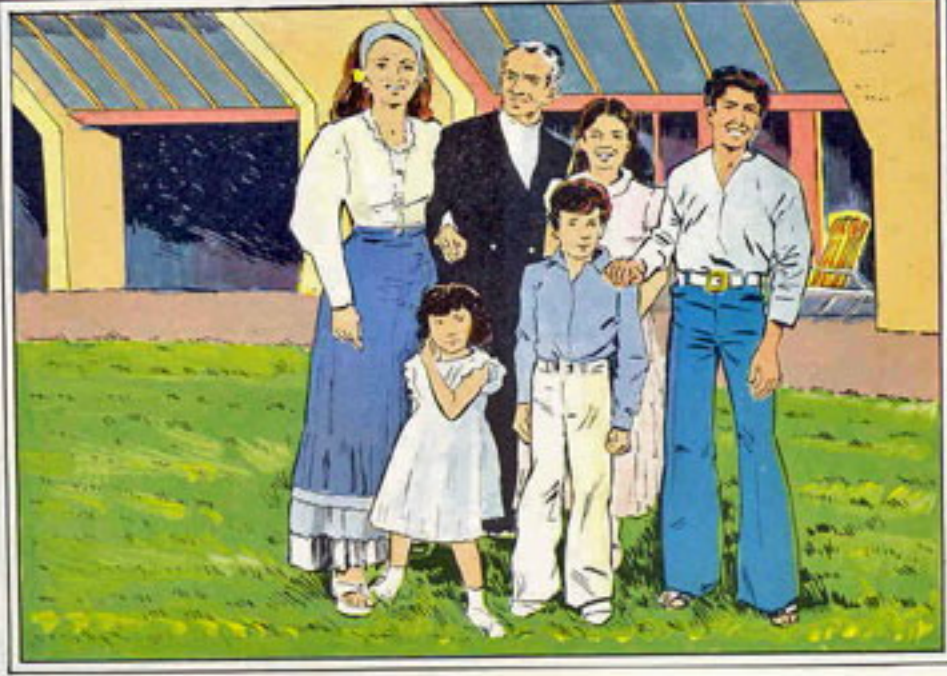
شاهنشاه با امیدهای
 زیادی از سفر آمریکا
 بازمی‌گردند .
 بنظر می‌رسد راه
 رسیدن به تفاهم و
 توافق با کشورهای
 صنعتی هموارتر شده
 است و بهمان نسبت
 امکانات همکاری
 برای پایدار نگه
 داشتن صلح جهانی
 که آرزوی شاهنشاه است ، وسیعتر
 شده است .



اعلیحضرت ، آیا فکری فرمائید بالاخره با بالاترین
 قیمت نفت و کران باقی ماندن آن چه خواهد شد ؟
 « اگر قیمت از آغاز کران
 می‌بود تا کنون کشورهای
 صنعتی فکری برای یافتن
 منابع دیگر انرژی کرده
 بودند . کشور های
 صنعتی ، ذغال و انرژی
 آلی دارند و تکنیک
 پیشرفته هم دارند . ما
 تلاش کردیم و بود این
 کشورها نیز هست - که
 منابع دیگر انرژی را
 توسعه دهند . راه چاره
 دیگری نیست .»



زمانی که او سه نعت
 شاهنشاهی ایران نعت
 قنطاریت و یکسال داشت ،
 با اراده‌ای آهنین از
 اقیانوس بر تلاطمی از
 مشکلات گذشت ، و اینک
 یک شخصیت جهانی است
 و روزنامه‌ها و مجلات مهم
 دنیا ، مقالات خود را به
 بحث درباره او و کشوری اختصاص می‌دهند . ملتش
 او را بنوعی رهبری بزرگ می‌پندارند . دنیا او را
 بنوعی سیاستمداری هوشیار و صلح‌پوست می‌پندارند .
 و درون قصر ، در میان خانواده‌اش ، او باز به عنوان
 شوهری مهربان و پدری با سطوفت مورد ستایش است ...



زندگی روزانه شاهنشاه آریامهر



هر قدر مسئله پیچیده تر و مهمتر باشد از کانا لهای بیشتر و دقیق تر استفاده می کنند. برای صرفه جویی در وقت، در رفت و آمد از نقطه ای به نقطه دیگر از هلی کوپتر و هواپیما استفاده می نمایند، و گاه شخصاً هلی کوپتر و هواپیما را هدایت می کنند.

«شارل دوگل» رئیس جمهوری قید فرانسه، یکی از رهبرانی است که مورد تحسین شاهنشاه است. بسیاری از مطبوعات و مفسرین سیاسی جهان نیز به شاهنشاه لقب «دوگل آسیا» داده اند. اما شخصیت مورد ایده آل شاهنشاه «انوشیروان عادل» پادشاه بزرگ ساسانی است. دفترهای گوناگون اطلاعاتی، و بازرسی شاهنشاهی، بمنزله همان زنجیر عدل انوشیروان هستند که مشکلات و شکایات مردم را بگوش شاهنشاه می رسانند. شاهنشاه خود را از مردم دور نگاه نمی دارند. یکبار که از ایشان سؤال شده بود چند بار تا کتون با مردم عادی دست داده اند، پاسخ داده اند که اطمینان دارند چند هزار بار باشد. می گویند شاهنشاه گاه بطور ناشناس نیز بمیان مردم می روند تا از نزدیک

با مسائل و مشکلات آنان آشنائی پیدا کنند. ایشان می گویند:

«از صحبت با مردم عادی لذت می برم. بچه ها را دوست دارم و سادگی و صداقت آنان برای من گیرائی خاصی دارد. دیدن دخترها و پسرهای کوچکی که با شوق و شادی کیف و کتاب خود را بدست گرفته اند و به طرف مدرسه می روند، دل مرا باز میکند و آرامش لذت بخشی بمن می دهد.»

با همه اینها، بطور کلی که نگاه کنیم، بنظر می رسد که شاهنشاه کمابیش در تنهایی بسر می برند.

«پادشاهان و رهبران بسبب مقام و موقعیت خود از لذت در میان مردم بودن محروم هستند. با آنکه من حتی خیلی بیشتر از پدرم سعی می کنم بمیان مردم بروم، باز آنطور که باید و شاید تنهایی من پر نمی شود. من مشاورین خاصی هم ندارم و عادتاً در تنهایی مسائل را حل می کنم، و با نزدیکترین خویشان هم عادت ندارم از مسائلی که در ذهنم مطرح است گفتگو کنم. آیا من مرد تنهایی هستم؟...»

گمان نمی کنم. من همسر و فرزندانم را دوست دارم. به ملت عشق می ورزم، و به کارم با همه سنگینی که دارد بسیار علاقمندم. از اینها گذشته، ایمان عمیقی که به خدای بزرگ دارم قلب مرا پر می کند. خداوند همیشه در سخت ترین شرایط پناه من بوده، و بارها جان مرا از مهلکه ها و سوء قصدها نجات بخشیده است. من با او همیشه سخن می گویم و هر گاه به درگاه او رو آورده ام پاسخ خود را یافته ام.»

زندگی شاهنشاه فقط به سفر و مذاکره و بازدید و مصاحبه و خواندن گزارشها محدود نمی شود. ایشان نیز مانند هر مرد دیگری دارای يك زندگی خصوصی هستند. شاهنشاه اوقات فراغت خود را با همسر و فرزندان و خانواده خود می گذراند. گفتگو با همسر، بازی با فرزندان، دیدن خویشان، ورزش، گوش کردن موسیقی، و کتاب خواندن، اوقات فراغت شاهنشاه را پر می کند.

شاهنشاه معمولاً ساعت هفت و نیم صبح از خواب برمی خیزند. در حین استحمام و ریش تراشی، بر نامه روزانه خود را در ذهن خود مرور می کنند. صبحانه را معمولاً تنها صرف می نمایند. صبحانه ایشان بسیار ساده و فقط عبارت از يك لیوان آبمیوه، يك فنجان قهوه و يك تکه نان برشته است. پیش از رفتن به دفتر خود نزدیک به يك ساعت روزنامه های داخلی و خارجی صبح و گزارشهای فوری مملکتی را مطالعه می کنند. کار ایشان در دفتر از ساعت ۹ آغاز می شود و شامل پذیرفتن افراد، و مطالعه نامه ها و گزارشها است. ناهار را يك و نیم بعد از ظهر صرف می کنند و اگر میهمانان خارجی نداشته باشند، شهبانو

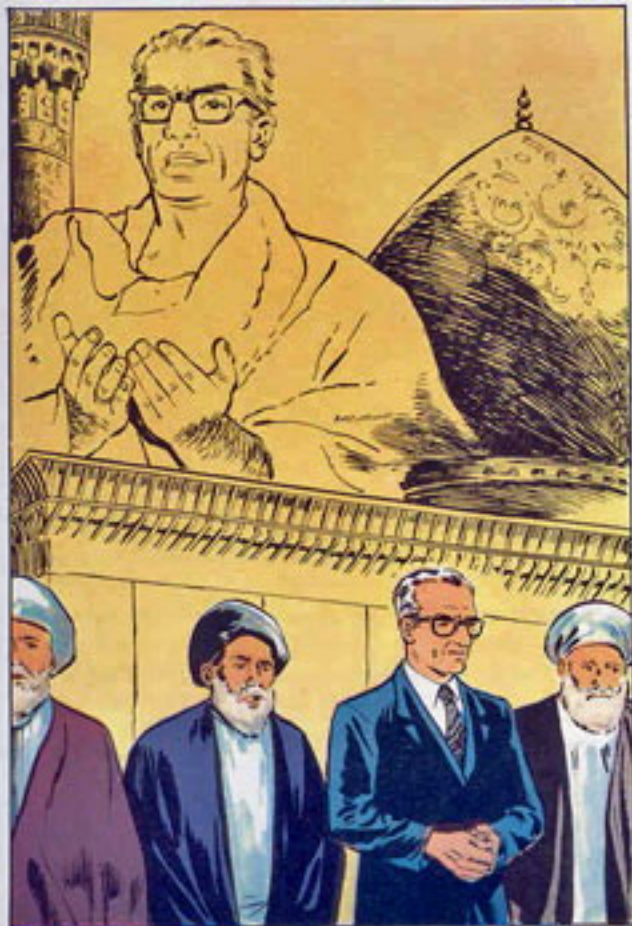
ایشان را همراهی نمی نمایند. پس از ناهار باز به مطالعه روزنامه ها و گزارشها می پردازند و پس از یک ساعت استراحت، یا دوباره به دفتر باز می گردند و پس از جلساتی اگر باشد شرکت می نمایند. بطور متوسط روزی دوازده ساعت کار می کنند. هشت ساعت کار در دفتر، و چهار ساعت مطالعه روزنامه ها و گزارشها. عصرها - اگر وقت فراغتی داشته باشند - يك ساعت به پیاده روی و یا شنا می پردازند. شام را در ساعت هشت و نیم با شهبانو صرف می کنند. معمولاً بعد از شام به تماشای فیلم می نشینند و بعد از آن تا حدود ساعت دوازده که موقع خواب ایشان است به مطالعه می پردازند.

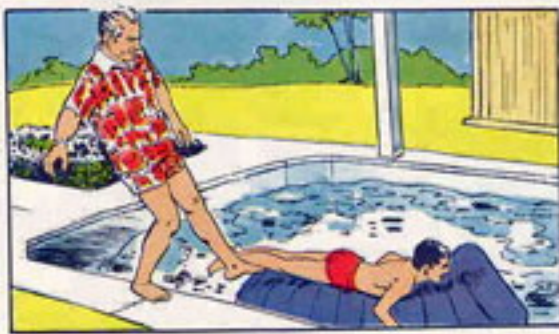
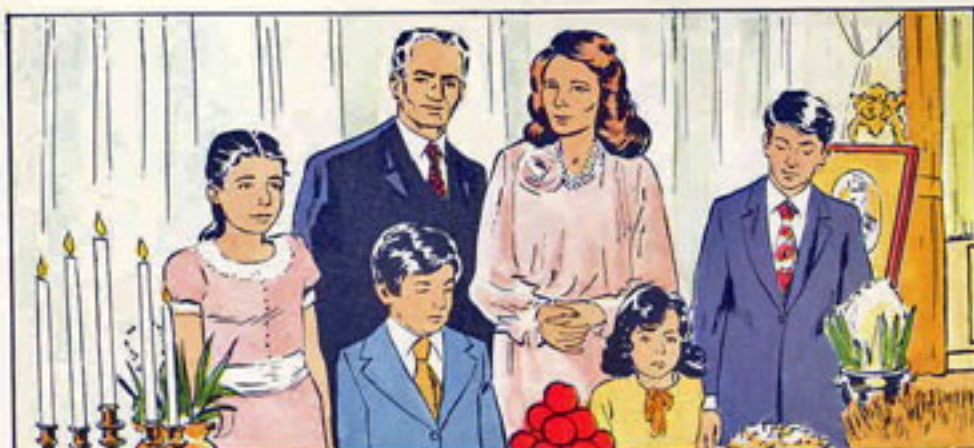
کار شاهنشاه دارای جنبه های گوناگون است - امضاء نامه ها و مطالعه گزارشها، مذاکره، مصاحبه، شرکت در جلسات، شرکت در مراسم رسمی، حضور پذیرفتن سفراء ممالک خارجی، و بازدید. گاه در يك روز چند بار لباس خود را برای شرکت در مراسم مختلف تعویض می نمایند. در مراسم نظامی با لباس نظامی حضور پیدا می کنند. هنگامی که سفراء خارجی استوار نامه خود را تقدیم می کنند، لباس رسمی شاهنشاهی به تن می نمایند، و در مراسم دیگر معمولاً با لباس سیویل شرکت می جویند. برابر قانون اساسی، شاهنشاه می توانند هر موقع که لازم ببینند، نخست وزیر را معزول و نخست وزیر جدیدی را منصوب نمایند. ایشان می توانند هر موقع که ضروری تشخیص بدهند، مجلس را منحل و فرمان انتخابات جدید بدهند. اعلان جنگ نیز بفرمان شاهنشاه است. عنوان رسمی شاهنشاه «اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر» است. لقب «آریا مهر» بمعنای «خورشید آریا» است. این لقب به تسویب مجلسین بعنوان سپاس از شاهنشاه به ایشان اعطاء شده است. میدانیم که نژاد ایرانیان نژاد آریا است.

شاهنشاه در مراسم زیادی شرکت می جویند. گاه این مراسم بسیار طولانی است. ایشان می گویند:

«اینها همه جزئی از کار و زندگی من است، و من با همان احساس مسئولیتی انجامشان می دهم که يك سرباز، مشق نظامی خود را انجام می دهد.»

تسمیمات مملکتی را چگونه اتخاذ می کنند؟ ... شاهنشاه مشاورین خاصی ندارند. ایشان از کانا لهای متعدد و گوناگون اطلاعاتی را که لازم دارند کسب می نمایند و سپس شخصاً تسمیم می گیرند.





شاهنشاه آریامهر اوقات فراغت را چگونه می گذرانند!...

کار زیاد و مسئولیت سنگین، اوقات فراغت کمی را برای شاهنشاه ایران باقی می گذارد. اما بهرحال، اوقات فراغت اگر پیش بیاید، بیشتر با همسر و فرزندان و خانواده خود می گذرانند. گاهی نیز کتابهای مورد علاقه خود را میخوانند و یا به موسیقی مورد علاقه خود گوش می دهند. به ورزش نیز علاقه بسیار زیادی دارند.

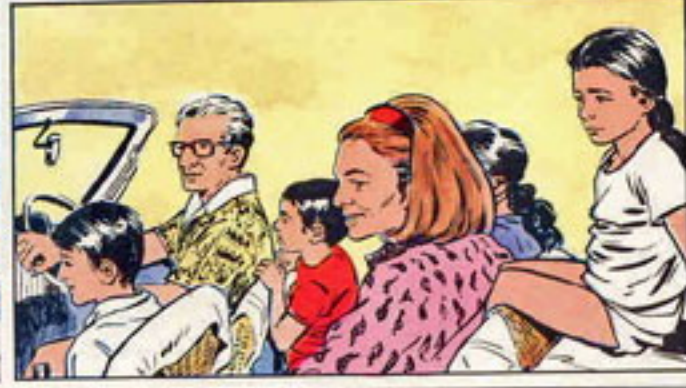
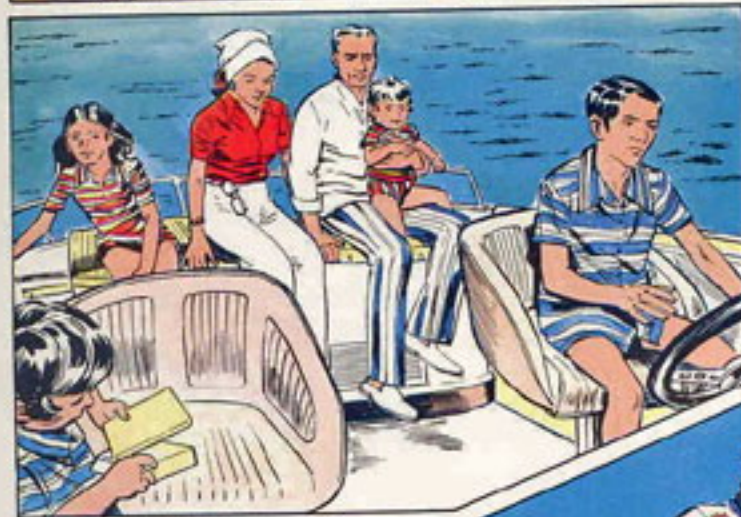
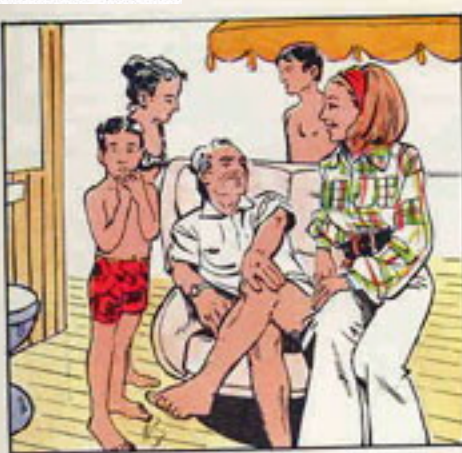
... اگر خوب نمیدانستیم که چطور استراحت کنیم تا خستگی را از خود دور کنیم، تردید داریم که می توانستیم بار سنگین مسئولیتی را که بدوش دارم تحمل کنیم. در نخستین سالهای سلطنت، دوران پر اضطرابی را گذراندم و شاید به همین دلیل هم موهای سرم خیلی زود سفید شد. اما خیلی زود، تحمل کردن و ایستادگی را آموختم. ...

شاهنشاه به بازی شطرنج و بروج علاقه زیادی دارند. شطرنج راکاه با چند حریف، همزمان بازی می کنند. تماشای فیلمهای خوب، و از جمله فیلمهای تاریخی، فیلم های پلیسی، و فیلمهای کمدی - موزیکال، از سرگرمیهای دیگر شاهنشاه است. در زمینه فیلم و نمایش، فقط جنبه سرگرم کننده بودن مطرح نیست و به کیفیت و ارزش هنری اهمیت می دهند.

موسیقی مورد علاقه شاهنشاه، بیشتر موسیقی کلاسیک است و از میان موسیقیدانان، به شون، پتهوون، شوپرت، لیست، چایکوفسکی، بودودین و دمسکی کودساکوف علاقه بیشتری دارند.

تماشای تارهای نقاشی و شاهکارهای هنرمندان بزرگ نیز از سرگرمیهای مورد علاقه شاهنشاه است. ایشان مجموعه کوچکی از شاهکارهای نقاشی را نگهداری می کنند همیشه می گویند آرزوی من آنست که می توانستم شاهکارهای بزرگتر را نیز به این مجموعه اضافه کنم. مطالعه کتابهای خوب، و اصولاً مطالعه را دوست می دارند. کتابها را به زبان فرانسه و یا انگلیسی و البته فارسی مطالعه می نمایند. در روزگاری که جواهر بود، بیشتر آثار کلاسیک فرانسه و از جمله آثار شاتو بریان را مطالعه می کردند. بعد بتدریج به مطالعه اشعار کلاسیک و مدون فارسی روی آوردند.

با همه گرفتاری و کار زیاد، شاهنشاه یک مرد خانواده هستند و بیشتر فرصت خود را با همسر و فرزندان و مادر و افراد دیگر خانواده خود می گذرانند. ایشان سه خواهر و پنج برادر دارند. والا حضرت شاهدخت شمس، خواهر بزرگتر شاهنشاه، رئیس جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران هستند. والا حضرت شاهدخت اشرف، خواهر دو قلوی شاهنشاه، رئیس هیئت نمایندگی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل می باشند. شاهدخت اشرف که فالیتهای زیادی در زمینه اجتماعی دارند، نقش عمدهای نیز در سطح بین المللی در مورد حقوق زنان ایفا می نمایند. والا حضرت شاهدخت فاطمه، کوچکترین خواهر شاهنشاه، خلبان ماهری هستند و شاید بتوان گفت نخستین زن خلبان در خاورمیانه می باشند.



والاحضرت شاهپور غلامرضا، والاحضرت شاهپور عبدالرضا، والاحضرت شاهپور احمدرضا، والاحضرت شاهپور محمودرضا و والاحضرت شاهپور حمیدرضا، برادران شاهنشاه میباشند.

والاحضرت شاهپور غلامرضا بازرسی عالی ارتش شاهنشاهی و ریاست عالی کمیتهٔ بازیهای المپیک هستند. والاحضرت شاهپور عبدالرضا نظارت عالی بر سازمان حفاظت محیط زیست را دارند.

شاهنشاه معمولاً در تعطیلاتی جمعه تا عازم را با تمام افراد فامیل سرزمین میمانند. دوستان زمان کودکی و زمان تحصیل شاهنشاه بزرگها که در فرستاده‌هایی که شاهنشاه دارند، پملاقات ایشان میروند. شاهنشاه ایران پدر پنج فرزند هستند. دختر بزرگ شاهنشاه، والاحضرت شاهدخت شهنواز ازدواج کرده‌اند و نخستین نوهٔ شاهنشاه را بدنیا آورده‌اند.

شاهنشاه در تعلیم و تربیت چهار فرزند دیگر خود و بویژه ولیعهد ایران، نظارت مستقیم دارند و با هم‌هنگامی و به‌دوریک معلم، چند مدرس خواهند و چند بازی و تفریح توجه خاصی بآنها دارند. در زمینهای ناخ بزرگ سمن‌آباد، گلخانه‌های کوچک گاو و گوسفند و تعدادی مرغ و خروس نگاهداری می‌شوند.

شاهنشاه‌گام پان مزد معما سری میزنند تا از زیبایی طبیعت لذت ببرند. هرگاه که بشکارگاه سلطنتی فرح آباد میروند، برای ساعاتی بندورازکار و گرفتاری، براسنی مانند یک مرد معمولی هستند که با همسر و فرزندان خود پدامان طبیعت‌دروی آورده است. این ساعات داگاه به پیاده روی و گام بشکارگاه به اسب سواری و یا بازی والیبالی و پاتیس میگذرانند. اگر فراموشی باشد یا هلیکوپتر و یا هواپیمای خود پروازهای انجام می‌دهند.

شاهنشاه تعطیلات تابستانی را در ساحل دریای خزر و تعطیلات زمستانی را در جزیرهٔ کیش ریا در سن‌موریس میگذرانند. در تابستان اسکی روی آب و در زمستان اسکی روی برف را دوست می‌دارند. با اطمینان می‌توان گفت که زندگی خصوصی شاهنشاه ایران یک زندگی ساده‌منده است ...

و با ازدواج سعادت‌ننده‌ای که داشته‌ام زندگی من پیش از هر وقت دیگری آمیخته به شادی است. مناسفانه کار و گرفتاری زیاد اجازه نمی‌دهد که وقت بیشتری را با همسر و فرزندانم بگذرانم، اما بپیر حال ما با هم خیلی خوشبخت هستیم ... علاوه کار کردن و انجام مسئولیتهایی هم که دارم برای من بسیار لذت بخش است، این دیگر جزو طبیعت من شده ...

پانوهی که در سعادت زندگی زناشویی شاهنشاه ایران سهم است فرح بیلوی، شهبانوی ایران است ... این بانوی بزرگ را بیشتر بشناسیم ...

شمه‌ای از زندگی شهبانوی ایران :



شهبانو فرح بسیار جوان بودند که با شاهنشاه آریامهر ازدواج کردند، و برآستی بطور تحسین انگیزی از عهده وظائف يك همسر، يك مادر، و يك شهبانو برآمدند .

با همه مسئولیتهای سنگینی که هر کدام از این وظائف در بردارند ، شهبانوی ایران بانوی بسیار پرکاری است . گذشته از وظائف همسری و مادری، بعنوان شهبانوی ایران در زمینه‌های گوناگون اجتماعی فعالیتهای گسترده و چشمگیری دارند. این چنین، مهر این بانوی بزرگ در دل هر ایرانی جای گرفته است...

«... وقتی که من ازدواج کردم ، و البته می‌دانید که ازدواج در زندگی هر کسی تغییر خیلی بزرگی است - تا نزدیک به يك سال فرصت اینکه آفتور که باید بطرفی فعالیتهای اجتماعی بروم نمیشد، اما پس از آن با سخت کوشی زیاد آنچه را که باید می‌آموختم ، آموختم و فعالیتیم را گسترش دادم .»

... بیشتر مردم از زندگی يك شهبانو تصورات غیر واقعی دارند . آنان فکر میکنند که شهبانو در قصر زیبایی تمام وقت خود را به پوشیدن لباسهای زیبا و پر جواهری می‌گذرانند . اما واقعیت این است که شهبانو بودن کار مشکل و پر مسئولیتی است. من روزی هفت ساعت کار مداوم اداری می‌کنم و به وضع بیست و شش سازمانی که نظارت عالی بر آنها دارم رسیدگی می‌نمایم . به دلیل کارم ، بسا بسیاری از وزراء و مسئولان ملاقات و گفتگو می‌کنم و جلساتی تشکیل می‌دهم .

... من دوست دارم که کشورم را باز هم بیشتر بشناسم و شاهد آن باشم که باز هم بیشتر پیشرفت کند و مشکلات خود را بیابد و حل کند . من به سهم خودم در این باره میکوشم و هر گاه فکری به سرم می‌آید که گمان می‌برم مفید باشد آن را با شاهنشاه در میان می‌گذارم و با نخست وزیر در مورد آن مذاکره میکنم .»

کار اداری شهبانوی ایران هر روز صبح از ساعت ۳۰ - ۱۰ شروع میشود و یکسره تا ساعت دو بعد از ظهر ادامه دارد. پس از ناهار استراحت ندارند و باز کارشان تا غروب ادامه مییابد . فعالیتهای شهبانو بیشتر در زمینه‌های اجتماعی، رفاه، و فرهنگی است. برگزاری جشنهای هنر، نمایشگاههای هنری ، فستیوالهای فیلم کودکان و بزرگسالان و رویدادهایی از این نوع که ترویج بیشتر هنر ایرانی را موجب میشود از ابتکارات شهبانوی ایران است . فعالیتهای خیریه شهبانوی ایران گروه وسیعی از بیماران و نیازمندان را در بر میگیرد - تهیستان ، روشندان، معلولان ، چادامیان و بسیاری دیگر .

شهبانو خود يك تقاضای و آرزوی با ذوق هستند ، و علاقه و توجه زیادی نسبت به حفظ اصالت معماری ایران نشان می‌دهند . همچنین حفظ آثار باستانی و عمارات تاریخی مورد علاقه خاص وزیر نظارت مستقیم ایشان است. تاکنون بسیاری بناهای تاریخی و بازارهای قدیمی بفرمان ایشان مرمت شده و نگاهداری می‌گردد .

شهبانوی ایران سرمشقی برای زنان کشور خود در روی آوردن به لباسهای اصیل ایرانی و لباسهایی که با الهام از مدهای اصیل ملی طراحی شده هستند . بیشتر لباسهایشان را از این نوع انتخاب و طراحی میکنند. شهبانوی ایران زیاد سفر میکنند و بسیاری پروژه‌های رفاهی و اجتماعی را که زیر نظارت خود دارند از نزدیک بازدید و بازرسی می‌نمایند . برخورد های ایشان در این گونه موارد صمیمیتی بارز را نشان می‌دهد .

برای نمونه باید به یکی از بازدیدهای ایشان از مناطق جنوب شرقی کشور اشاره کنیم . در این بازدید وقتی که به لزوم همکاری گروهی در پاکیزه نگاهداشتن محیط اشاره کردند، شخصاً با مردم در جمع آوری کاغذها و زباله و پاک کردن محیط اطراف کمک نمودند و این برآستی زستی دلنشین و مؤثر بود .

بسیار اتفاق افتاده است که در گذشتن از جاده های روستائی ، روستائیان را در اتومبیل خود سوار کرده و آنان را به مقصد رسانیده‌اند و میتوان مجسم کرد که پیرزن روستائی پس از آنکه بی‌برده بانویی که این محبت را با او کرده شهبانوی اوست ، چه شادی زرف و با شکوهی دل ساده‌اش را پر کرده است .

کار کردن در سیدگی بمردم، گذشته از يك وظیفه مقدس ، يك لذت شخصی برای شهبانوی ایران است . حدود پنجده هزار نامه که بطور متوسط سالانه به دفتر ایشان می‌رسد، گویای رابطه صمیمانه و نزدیکی است که بین ایشان و مردم وجود دارد .

«... در موقعیتی مانند موقعیت من، مشکل ترین کار این است که انسان واقعیت روحی و شخصیتی خودش را از دست ندهد و به اصطلاح ، « خودش » باشد - یعنی گذشته از همه چیز، يك انسان عادی که حرف و درد انسانهای دیگر را می‌فهمد. گمان میکنم در اینکار موفق شده باشم. هزاران نامه‌ای که برای من میرسد هر کدام برایم تعهدی است که مسئولیت آن را خوب احساس میکنم و صمیمانه میپذیرم. البته سطح زندگی مردم خیلی بهتر شده و بار هم بهتر خواهند شد - اما خوب، مردم هم همیشه حرفها و کارهایی دارند . کمکهایی که زیر نظر من میشود کمکهایی اساسی و بنیادی است. من معتقدم که اگر فقط کمک پولی بشود این يك تسکین موقتی است ، این است که سعی میکنم بیشتر از کمک مالی، بفکر پیدا کردن کار و تنظیم وضع زندگی شخص نیازمند باشیم...»

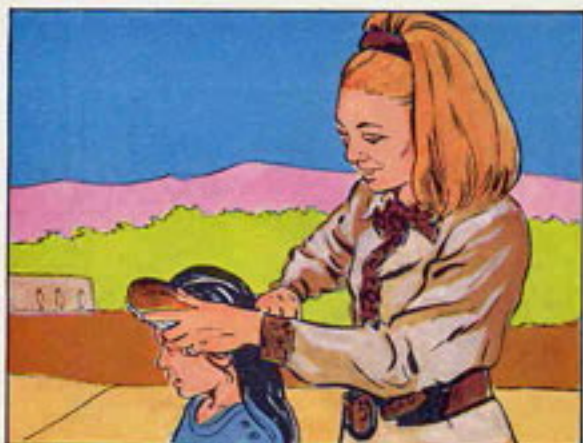
... در روزهای اول ازدواجم با مسائل و سئوالات زیادی روبرو میشدم که برایم روشن نبود و پی‌درپی برای حل این مسائل و گرفتن پاسخ این سئوالات وقت شاهنشاه را می‌گرفتم. اما کم‌کم آموختم که بسیاری مسائل را حل کنم، و البته باز هم از آموختن بیشتر، دست نکشیده‌ام... هر کس وقتی مسئله‌ای دارد بالاخره نزدیکتر میرود، گاهی فکر میکنم که چقدر شاهنشاه از این نظر تنها هستند چون مسائل را باید خودشان حل کنند و تصمیماتی عمده و حساس بگیرند...»

بعنوان شهبانوی ایران مسئولیتهای ایشان همواره گسترش می‌یابد . اما هیچ نکته و زمینه‌ای از توجه ایشان بدور نمی‌ماند . «... هنر هم جنبه بسیار مهمی از زندگی است . ما یکی از غنی ترین فرهنگهای دنیا را داریم. اما البته نباید فقط روی این جنبه از زندگی تأکید بشود. مملکت ما هنوز به بیمارستان و مراکز رفاهی نیاز دارد و من این واقعیت را همیشه در نظر دارم .

« برای سنت‌های ملی ارزش و احترام زیادی قائل هستم و معتقدم که سنت های هر جامعه‌ای از ریشه های مهم موجودیت آن جامعه است. اصولاً آدم مذهبی هستم و میتوانم بگویم افکار و اعتقاداتم بر روی اصول مذهبی استوار است. شاید بهمین دلیل است که هرگز نمیخواهم احساسات کسی را جریحه دار کنم و کسی از من برنجد ممکن است زنان زیادی باشند که دلشان می‌خواهد زندگی مرا داشته باشند. اما من به يك اصل کلی اعتقاد دارم، و آن این است که هر کسی امروز واقعا و بطور عمیقی زندگی دیگران را بشناسد و درک کند، دلش نخواهد خواست که چیزی غیر از آنچه خودش هست باشد. به نسبتی که مقام انسان بالاتر می‌رود ، تنها تر میشود و دوستان یکرنگ و واقعی او کمتر میشوند و زندگی‌اش را قید و بندهای بیشتری محدود میکنند... در مقامی که من هستم بیشتر از يك آدم عادی با مردم سروکار دارم... شادیهای این مردم مرا شاد و غمهایشان مرا غمگین میکنند... حتی در ساعات پس از پایان کار روزانه نمیتوانم مشکلاتی را که مردم دارند و در نامه‌هایشان بمن نوشته‌اند فراموش کنم ، و این مشکلات فکرم را مشغول میدارد . بهمین نسبت هم يك لیخند شادی بر روی لبهای يك کودک یا يك زن یا يك مرد، مرا بی اندازه شاد و بکار کردن امیدوار می‌سازد .»

و در هر حال، زندگی يك مبارزه است و هیچوقت نباید از میدان بدر رفت. تلاش کردن با انسان امید میبخشد و با زندگی آشتی میدهد. من مردم کشورم را برآستی دوست میدارم و تمام تلاشم بر این است که با آنها خدمتی بکنم و محبتشان را پاسخ دهم - انگیزه‌های والا تر از این در خود نمیبینم .» بدینگونه شهبانوی ایران نیمی از سعادت خود را در زندگی خصوصی و خانوادگی خود، و نیمی بیشتر را در دوست داشتن و خشنود ساختن مردم کشور خود جستجو می‌نمایند .





شهبانوی ایران مادر چهار فرزند هستند. والاحضرت همایون پهلوی ولیعهد ایران ، والاحضرت فرحناز ، والاحضرت علیرضا ، والاحضرت لیلا . با همه کار و گرفتاری ، شهبانوی ایران مانند هر مادر مهربان دیگری با محبت و دلسوزی به فرزندان خود رسیدگی می کنند .
 « ... هر قدر که گرفتار باشم باز میکوشم که شام را با بچهها بخورم . سعی میکنم فرزندانم با تربیت صحیحی بار بیایند و اعتماد به نفس لازم را برای آن گسه بتوانند سر پای خود بایستند پیدا کنند. گاهی، از رفتاری که اطرافیان ولیعهد در مدرسه نسبت به او دارند و با او خیلی متفاوت از دیگران رفتار می کنند ناراحت می شوم. دوست دارم اگر مقرراتی برای دیگران هست، عیناً در مورد ایشان نیز باشد و بی سبب چشم پوشی نشود . البته شاهنشاه و من باین واقعیت توجه داریم که فرزندانمان و مخصوصاً ولیعهد به دلیل موقعیت خاص خود باید آموزشهای خاصی نیز ببینند و برای مسؤلیت های آینده خود آماده شوند . اما نمی خواهیم در تشریفات پیچیده ملواری غرق شوئیم که واقعیت وجود انسانی خود را از یاد ببرند ... »
 « من بارها به فرزندانم گفته ام که این خود شما نیستید که مورد تعظیم و مراسم احترامات واقع می شوید، بلکه این مراسم احترامات برای مقامی است که دارید و آن چیزی که سیمونلش هستید و این مقام که از یک احترام ملی برخوردار است باید برای خود شما نیز دارای احترام و اهمیت باشد. این حرفها را به آنان می زنم تا آدبهای با حقیقتی بار بیایند و فلسفه کلی تشریفات و مراسم را درک نمایند . »
 « مانند هر فرد دیگری به فرزندانم پول توجیبی میدهم و به آنها یاد می دهم که چگونه باید پس انداز کرد . وقتی بچهها بنسابت تولد من و یا روز مادر هدیه ای برای من میخرند و یا اگر به پرورشگاهی میرویم و آنها بچه های پرورشگاه هدیه ای تهیه میکنند ، از پولهای پس انداز خود استفاده می نمایند . گاهی از اینکه می بینم فرزندان من خیلی بیشتر از بچه های دیگر اسباب بازی دارند، خجل می شوم و دلم میخواهد که کاش این همه از داخل و خارج برای آنها نمی فرستادند و آنها هم مانند بچه های دیگر در شرایط طبیعی بار می آمدند . از این لحاظ هم ، دلم برایشان میسوزد که هیچوقت مزه زندگی عادی ، آفتابور که طبقه مردم زندگی میکنند را نمی چشند . ولی در هر حال کاری نمیشود کرد و بالاخره هر کسی باید به زندگی خاصی که دارد خو بگیرد . »
 « هیچ چیزی بیشتر از این ما را خوشحال نمیکند که گاهی بدور از کار و گرفتاری، با بچهها به دامان طبیعت برویم و خستگی ها را فراموش کنیم. یسته به فصلی که در آن هستیم، گاهی برای شنا، گاهی برای اسکی و گاهی برای گردش و سواری میرویم . »
 « گاهی شبها با بچهها نقاشی کار میکنم. من اصولاً نقاشی را دوست دارم و استعداد این کار را از پدرم به ارث برده ام . بچهها هم باین هنر علاقه نشان می دهند و نقاشی های خود را جمع آوری و نگاهداری میکنند . »
 در خلال این سلطور میشود چهره شهبانوی ایران را میتوانم يك مادر و يك همسر تصور و مجسم نمود . بانویی که پنیراز ملت خود به همسر و فرزندان خود نیز تعلق دارد...

تصویری از زندگی ولیعهد ایران

از سال ۱۳۲۶ که شاهنشاه ایران تاجگذاری کرده ، والا حضرت همایون رضا پهلوی رسماً ولیعهد ایران گردید. بنوان ولیعهد ایران، او آموزش خاصی بیند و زندگی بطور مداوم با انضباط و مقررات ویژه ای آمیخته است. کمابیش همان انضباط و مقرراتی که شاهنشاه نیز در دوران ولیعهدی آموختند .



ولیعهد ایران تحصیلات خود را در ایران به پایان میرساند و برای این منظور به خارج از کشور می رود. شاهنشاه معتقدند اینک که در کشور خودمان، همه امکانات فراهم است، نیازی نیست که ولیعهد برای تحصیلات به کشور دیگری برود. شاهنشاه میگویند.

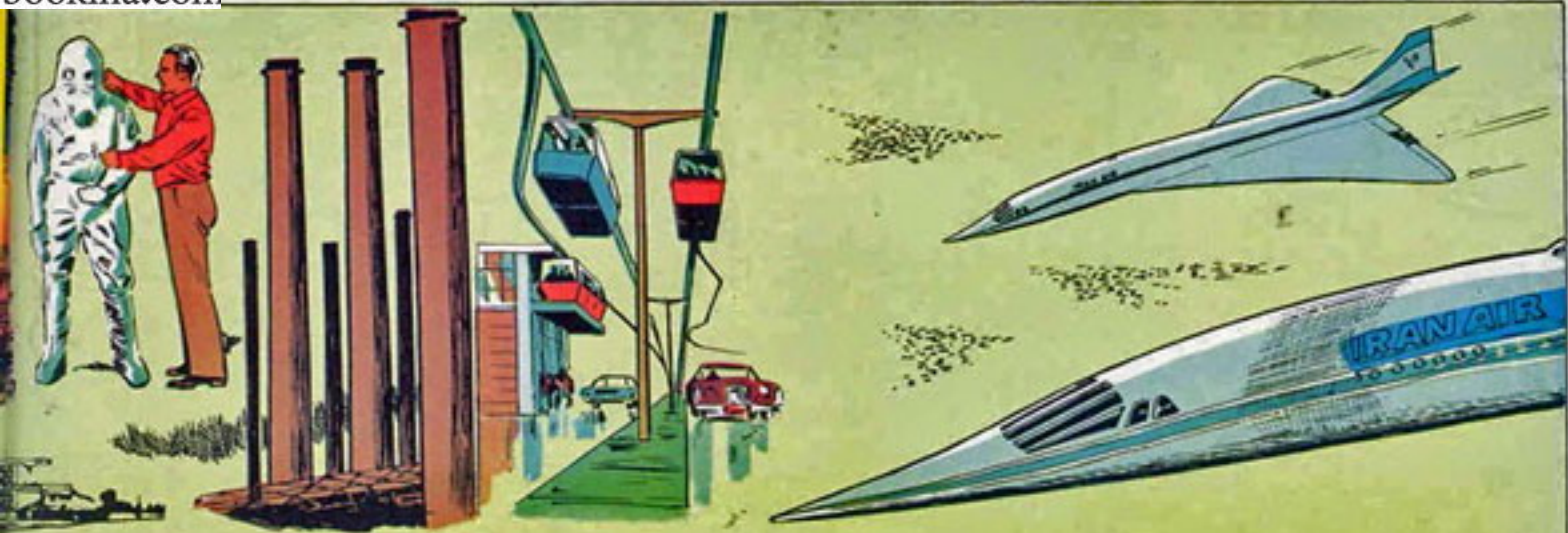
و معتقدند در آموزش ولیعهد روی دو نکته باید تأکید شود. اول تعلیمات نظامی و دوم آموزش کافی در علم اقتصاد. اما بهر حال باید در شرایط کاملاً آزادی تحصیل کند و باین واقعیت اعتقاد داشته باشد که انسان اگر هر چه شاه نباشد، باز مسئولیت های خطیری نسبت بخود و همین خود و همپیمان خود دارد .

از همان سالهای کودکی، ولیعهد ایران پر بنیه، با نشاط، خیلی دقیق در نظرها و عادات، و پریشکار در تحصیل بوده است. به نطاش، موسیقی، شانه سوادی، اسکی و فوتبال علاقه مند است، و کامپان هم فوتبالی است که بنام خود اوست و کامپان هم موسیقی بنام او دارد. او استعداد با دزی از خود نشان میدهد. نمونه ای از این استعداد با دزی ملت ایران در روز تاجگذاری در او شناخت. آن موقع ولیعهد ایران فقط هفت سال داشت و بنوان کودکی خردسال بر سستی بطرز تحسین انگیزی از عهد این مراسم که ساعات متعددی بطول انجامید و چندان ساده نیز نبود بر آمد .

در عهد سالکی اولین وظیفه مملکتی به او محول شد. ریاست عالی خانه های فرهنگ روستائی و اینک نیز ریاست سازمان پیش- آهنگی ایران به ایشان واگذار شده است. همسال هنگام نوزد ولیعهد ایران پس از شاهنشاه و شهبانوی بیامی از زاده و تلوزیون برای ملت می فرستند و مردم این چنین با صدای او آشنائی یافته اند .



رضا پهلوی در نوجوانی اقداماتی که حاکی از پشتگی، خرد، و انسان دوستی است مینماید. همین اواخر به فرمان او پرورش گاههای ایران سرپرستی تعدادی کودکان یتیم جنگ و هتاشم را پذیرفتند . ولیعهد ایران به خلبانی علاقه مند است. او هر روز را خیلی زود آموخت و در سیزده سالگی موفق شد به تنهایی با هواپیمائی که خود آنرا هدایت میکرد، پرواز نماید. بندر بیچ که زمان میگذرد، او دوران کودکی را پشت سر می نهد و آثار بلوغ و بزرگی بیشتری در او بروز می کند. چندی قبل او میزبان شاهزاده خوان کارلومی که اینک پادشاه اسپانیا است ، بود ، و باز به دعوت پرنسپنت سارات رئیس جمهوری مصر به این کشور سفر کرد تا در مراسم گشایش کانال سوئز حضور یابد . شاهنشاه معتقدند که ولیعهد باید هر چه زودتر و بیشتر با دنیای سیاست و دموکراسی مملکت داری آشنا شود تا زمانی که به سلطنت میرسد. آمادگی کامل داشته باشد . شاهنشاه میگویند که حتی ممکن است در زمان حیات خود و همینکه ولیعهد به سن کافی برسد سلطنت را به او توپش کنند و خود بی آنکه در تصمیم گیری ارمداخه نمایند، راجعشای او باشند . شاهنشاه یا خشنودی و اعتماد به فرزند خود که نشانه های خردمندی در او پیداست و به پیشرفت های چشمگیر ایران ، و روزهای بازم درخشانی میگردند .



و نگاهی به آینده ...

و... تا چه روز مغز و بدن من توان کار کردن خواهد داشت نمی‌دانم، اما می‌دانم و این اطمینان را برای خود فراهم آورده‌ام که این مسئله در مدتی کمتر از ده سال به مرزهای توان و قدرت و ثبات خواهد رسید که دیگر هیچ خطری آنرا تهدید نخواهد کرد... از برخی لحاظ ما از بسیاری از کشورهای سوسیالیست اروپایی پیشرفته‌تر هستیم. و برای پیشرفت‌های تازه بشری هم نیاز به هیچ‌گونه آسیم، ندریم، من بجای، ایسم، های گوناگون به حیثیت و به آنچه که برای کشورم و ملتم سودمند باشد اعتقاد دارم.



نگاهی به گذشته :

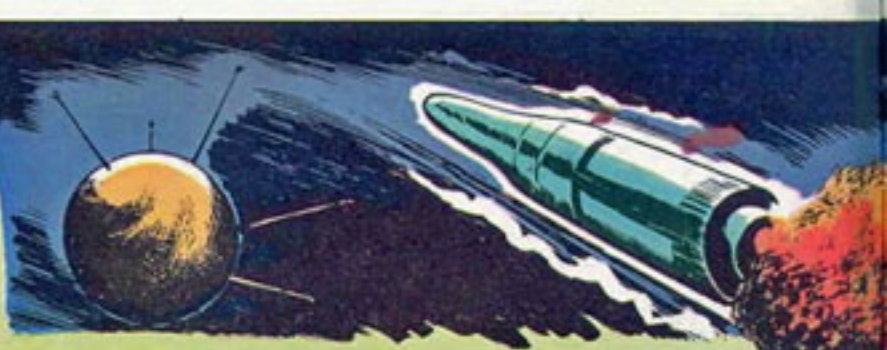
...وقتی که من انقلاب بزرگی را که آن را انقلاب سفید نامیده‌ام آغاز کردم، خوب می‌دانستم که ملت با جان و دل به من پاسخ مثبت خواهد داد... البته مخالفین هم بودند... فتودانها، فرست طلبها، هرج و مرج خواهان، پسرخی گروههای افراطی مذهبی و البته کمونیستها. اینها نمی‌خواستند موفق ما را در جهش بزرگی که سوسیالیسم و رفاه در پیش داشتیم ببینند، زیرا هرگونه اصلاحاتی که آنها را از چهره آنان کنار میزد و رسوایان می‌ساخت.

من و ملت بر مشکلات بزرگی پیروز شدیم. دوران تحولات عمیق کنونی از درختان نرین دوره‌های تاریخ کشور ما است. اما انقلاب ما برای دست یافتن به دوره‌های تازه درختان نری ناموم خواهد یافت. اعتقاد من بسیار سودمند و خوب است. من خود همواره بر گسترش انتقاد کننده از نقاط ضعف بودم، اما در هر حال باید چشم‌انداز توانمندی‌ها را باز باشد.

در حال حاضر میشود گفت که کشور ما در نهایت سرعتی که میسر است به ساخت شکوه‌مند خود رو به پیشرفت‌های تازه بشری ادامه می‌دهد و اگر پیش از این ممکن نمی‌نمود برای آنست که در محدوده قدرت بشری پیش از این نمی‌توانستیم. اما اطمینان دارم که در حیطه توانایی بشری، دست‌یابی به مرزهای پیشرفت، ولو هر قدر دور باشد، برای ملت ایران بخوبی میسر است. ما بهتر از هر کسی نقاط ضعف خود آنگاه هستیم و میدانیم چگونه چاره‌کنیم. نگاهی از خود سؤال میکنم آیا تحمل کردن مفروضین درست است؟ ... آری ما باید مثلا در مورد کمیته‌های نفی مدارا می‌کردیم؟ ... و البته پاسخی که به این سؤالات میدهم منفی است. تاریخ قنات خود را بعد خواهد کرد ...

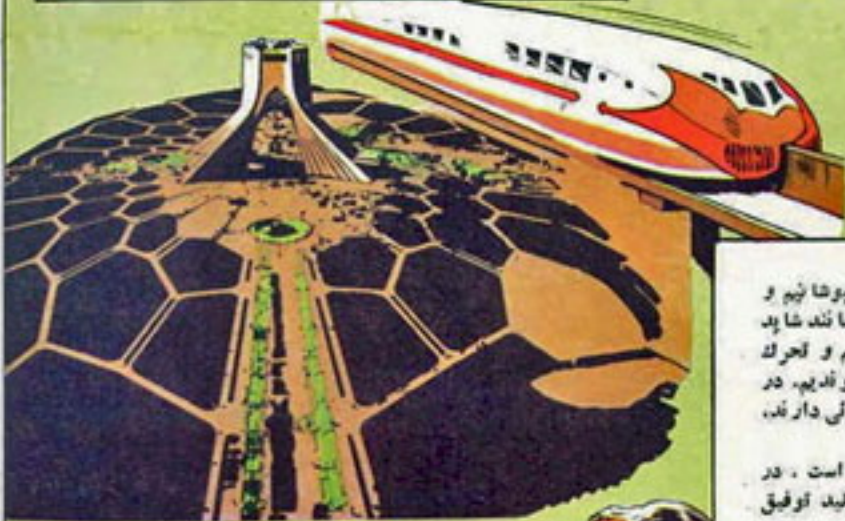
ما فریبگی بس نمی‌داریم. آنچه که در فرهنگ ایرانی بسیار شکوه‌مند است تکیه و تکیه‌بندی است که بر ارزش معنویات و اخلاقیات شده است و این اطمینان دارم که همین اصل بهم، یعنی ارزشی که برای اخلاقیات و معنویات قائل هستیم، ما را از بسیاری از ناسامانی‌ها که زایل شده تمدن ماشینی هستند و دنیای غرب با آن‌ها بیرون است رهایی خواهد بخشید. برای همین ایمان به اصول معنوی است که ما در زمانی که وضع مالی مساعدی یافتیم، کشورهای نیازمند را فراموش نکردیم و آنچه در حدود تواناییمان بود برای پیشبرد برنامه‌های آبادانی آنان کمک کردیم و باز هم هر گاه بتوانیم اقدامات انسانی خود را دنبال خواهیم کرد.





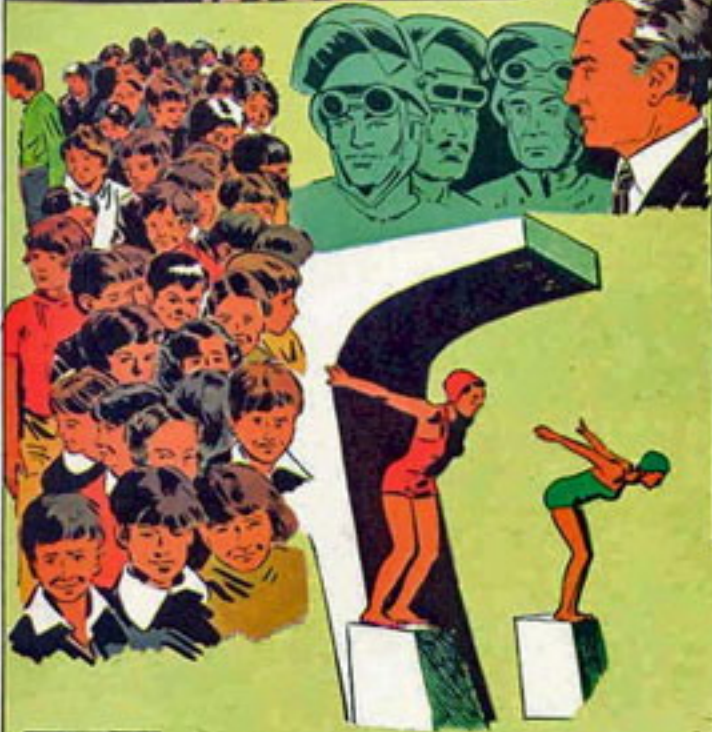
پوند مقدسی را که بین من و ملت هست هیچ عاملی از هم نخواهد گشت... من دشمنان شخصی خود را، حتی آنان که قصد جان مرا کرده اند، گناهی بخوده ام و باز ممکن است بختیم، اما کسی را که با کتورم دشمنی کند و به مبین خیانت نماید، هرگز نمی بختیم و به او هرگز رحم نخواهم کرد، برابر قسم وفاداری که به قانون اساسی یاد کرده ام، اساساً حق این کار را هم ندارم ...

مطابق سنتهای مقدس چند هزار ساله ما، شاه در ایران پدر ملت است و نظام شاهنشاهی پایه و اساس لیات و امنیت کتور بشمار می رود. راز بقای ما در همین واقعیت نهفته است ...



ما می خواهیم با درآمد نجات خود هدفهای بزرگی را که داریم جامه عمل بپوشانیم و به دورهای از پیشرفت که آنرا «تمدن بزرگ» نامیده ام برسیم. هدف کتور من مانند شاپد برخی کتورها، این نیست که پول روی پول دریا نکند آبار کند، ما حرکت داریم و حرکت بیشتری باز پیدا خواهیم کرد تا به جمع کتورهای بزرگ و نیرومند جهان بیواندیم. در کنار بست و پنج سال دیگر، ما به وضع اقتصادی که کتورهای پیشرفته اروپائی دارند، خواهیم رسید و امیدوارم با همین تلاش و همین شتاب همواره پیش برویم .

اما آنچه در بدست آوردن این پیروزی مهم و بلکه اساسی است، قلم و انضباط است. در جهت های بزرگی که ما بسوی آینده های باز هم بهتر و بهتر در پیش داریم ، کلید توفیق ما در تلاش کردن در چارچوب قلم و انضباطی محکم و ثزلزل ناپذیر است ...



ما اکنون با سرعت بسیار زیادی رو به صنعتی شدن میرویم. زمانی که این مسیر را آغاز کردیم، بیم آن میرفت که «فتودالیم صنعتی» جایگزین «فتودالیم کتاورزی» شود و بازار یک نوع سیستم «ارباب و رعیتی» که از این برده بودیم، از نو صورتی دیگر ریشه بدهاند. اما همانطور که بارها نیز گفته ام، انقلاب ایران هیچگاه به نقطه پایان نمی رسد و انقلابی است که همواره ادامه دارد و اصول نوینی به آن افزوده می شود.

برای جلوگیری از فتودالیم صنعتی، و همچنین برای پرهیز از تورم و نابسامانی اقتصادی، اصول سیزدهم و چهاردهم را به انقلاب افزودیم. اصل سیزدهم انقلاب، یعنی گسترش مالکیت واحدهای صنعتی و تولیدی، موجب توسعه مالکیت صنعتی، و اصل چهاردهم انقلاب، یعنی تثبیت مداوم قیمت ها و مبارزه با گرانفروشی، موجب ایجاد تعادل در قیمت ها و جلوگیری از تورم می گردد.

و اکنون که در جامه عمل پوشانیدن به اصول انقلاب توفیق پیدا کرده ایم، بدوین فلسفه آن را بصورت یک سیستم فکری جامع و دورنگر آغاز نموده ایم. این فلسفه، اصول دیگری را نیز که در آینده به اصول انقلاب افزوده شوند در بر خواهد گرفت ...

طبعی است که من و کتورم دشمنانی نیز داریم که پیروزی ما را نمی توانند ببینند. اما ایشان کاری از پیش نخواهند برد.

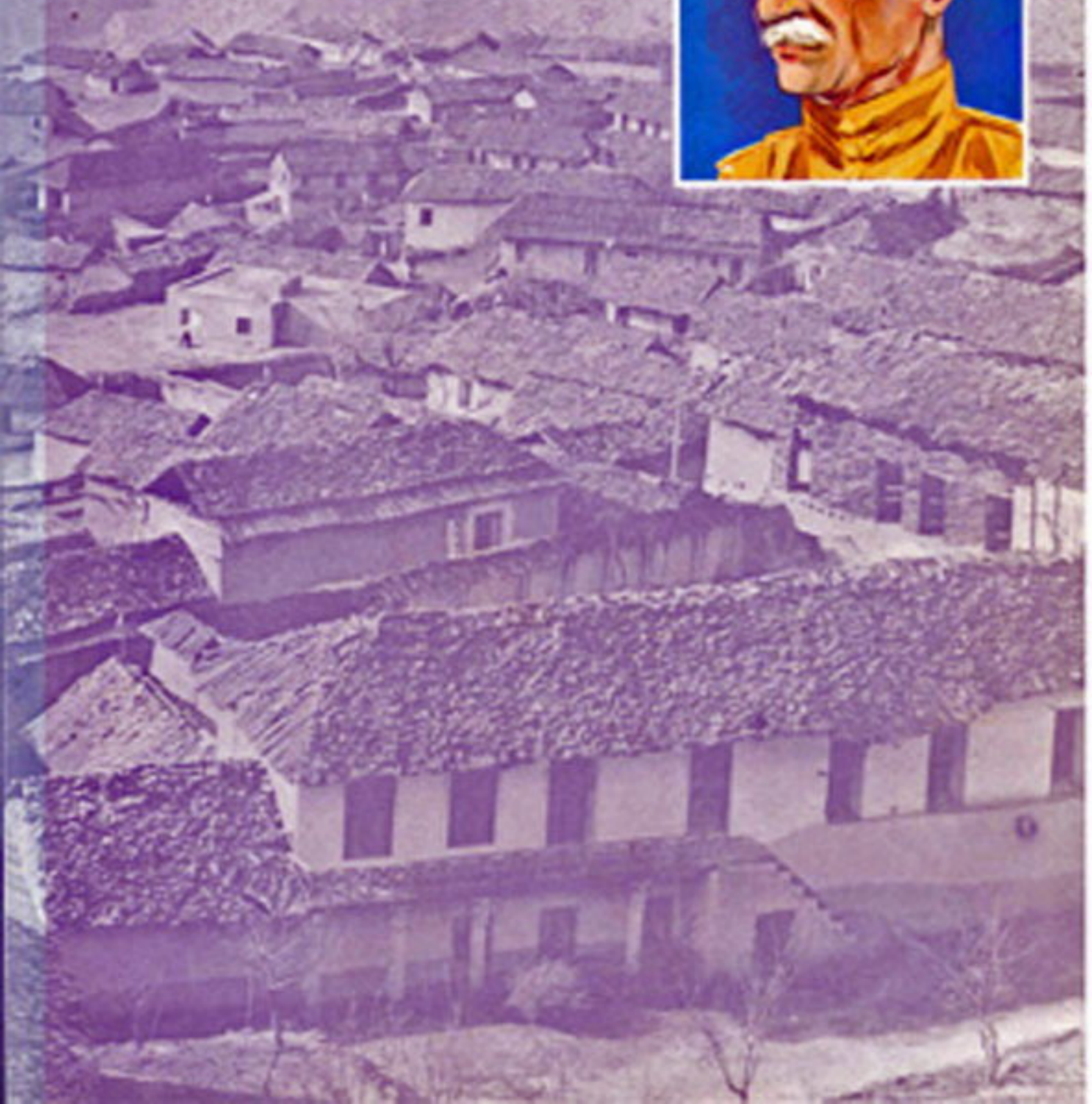


با کوشش بی وقفه ای که می کنیم و بخواست خداوند، به دوران تمدن بزرگ خواهیم رسید، و تا آن زمان و پس از آن نیز هرگز نباید این حق را بخود بدهیم که حتی یک دقیقه از تلاش باز بایستیم ...

ممکن است کسی پرسد که پس از رسیدن به دوران تمدن بزرگ چه خواهیم کرد و چه هدفی را در پیش خواهیم گرفت ... سازندگی بشر و میدان دیدار بی آنها است و همیشه می تواند از فله ای به قله ای باز هم رفیع تر چشم بدوزد. اگر چنین نبود، تمدن بشری، سابقان دراز پیش از این، متوقف می شد و از این می رفت. اینچنین، نسلی که در دوران تمدن بزرگ زندگی خواهد کرد، هدفی باز هم بزرگتر و دورتر را در پیش خواهد گرفت و برای آینده ای باز هم بهتر و با سعادت تر تلاش خواهد کرد ...

از آلاشت،

تا باز یافت عظمت تاریخ ایران



پژوهش، تهیه مدارک، تألیف متن و تنظیم تصاویر صفحات : هیئت تحریریه و گروه هنری شرکت انتشارات یونیورسال
ترجمیم : دینو آماناسیو

حق چاپ، ترجمه، تقلید، اقتباس و کپیبرداری مخصوص و محفوظ و منحصر به «شرکت انتشارات یونیورسال» میباشد .

صندوق پستی ۱۸۵۸ تهران - تلفن ۸۳۷۹۶۱
چاپ مشترک مدرن تهران - و کاسرمن بنزینک

